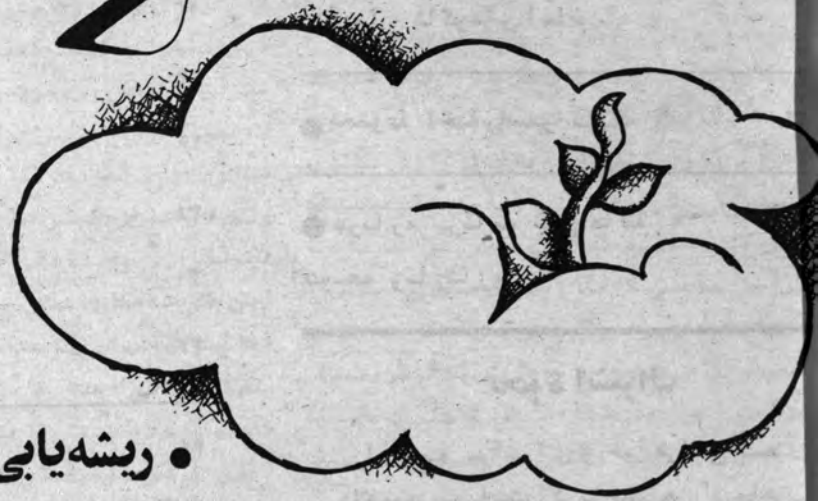


# راهمچاهد



- ریشه‌یابی ضعفهای  
اردوگاه حق و  
بحرانهای درون امپریالیسم
- چرا امام قطعنامه ۵۹۸ را  
يك استراتژی دانستند ؟
- اعتماد به مردم تنها راه  
نجات و طریق وسطی
- امام خمینی از زبان  
آیت الله منتظری





● امام خمینی	۳	● بحرانهای درون امپریالیسم و حذف اصول گرای
از زبان آیت الله منتظری	۷	● ریشه یابی ضعفهای اردوگاه حق و بحرانهای امپریالیسم
● امام و حوزه های علمیه	۱۳	● گذشته چراغ راه آینده :
از زبان شاگردان امام	۱۴	● مراحل خزنده تحمیل قطعنامه ۵۹۸
● مجموعه اخبار استراتژیک	۱۶	● علل زهر بودن قطعنامه ۵۹۸
● درباره برنامه پنج ساله	۳۸	● دلایل اضطرابها در پذیرش قطعنامه ۵۹۸
توسعه و بازسازی	۴۱	● مرزبندی اسلام آمریکا ئی - اسلام محمدی (ص)
	۴۳	● چرا امام قطعنامه ۵۹۸ رایک استراتژی دانستند

**نحوه اشتراك**

از کلیه برادران و خواهرانی که علاقمند به اشتراك با نشریه " راه مجاهد " هستند ، خواهشمندیم تمایل کتبی خود را به صندوق پستی ۱۷۱۸۵/۵۴۴ تهران ارسال دارند . بهای اشتراك :

۱۲ شماره ۳۰۰ تومان  
 ۶ شماره ۱۵۰ تومان  
 لطفاً وجه اشتراك را در شعب بانک صادرات به حساب پس انداز قرض الحسنه شماره ۴۹۸ / ۶۰۰۲۹ بانک صادرات شعبه میدان قیام بنام لطف الله میثمی حواله نموده و فتوکپی آنرا به آدرس اعلام شده ارسال فرمائید .

● اعتماد به مردم تنها راه نجات و طریق وسطی	۴۴
● آیا مردم مبارز و مقاوم ایران انگیزه تولید ندارند	۴۷
● پاسخ به خوانندگان	۴۹
● سخنی با خوانندگان	۵۱
● معرفی کتاب	۵۴

شماره ۱۱۱۲۱۵۲  
 تاریخ ۱۳۸۱-۱۲-۲۸  
 پست



**راه مجاهد**

زیر نظر شورای نویسندگان صاحب امتیاز و مدیرمسئول مهذب لطف الله میثمی روش : سیاسی ایدئولوژیک - چاپ : جا بخانه رودکی آدرس : توجه شود که راه مجاهد بعثت کمبود امکانات دفتونداشته و محل مسکونی زیر آدرس مدیرمسئول نشریه است و صرفاً جهت اجرای قانون مطبوعات و مراجعه وزارت ارشاد معرفی میگردد . تقاضای می شود قبل از مراجعه از طریق صندوق پستی ۱۷۱۸۵/۵۴۴ و یا تلفن ۳۵۳۵۶۸ تماس بگیرید . تهران خ . رضوی (آبسنگل) . ک . قاسم گئی . ک . اخوان طباطبائی - ۲۶ - ط دوم - کدپستی ۱۱۷۵۶

آقای لطف الله میثمی  
 صاحب امتیاز نشریه راه مجاهد  
 سلام طیبکم ،

بازگشت به نامه مورخ ۱۳۶۵/۳/۲۱ منی بر تقاضای انطباق با قانون جدید مطبوعات مصوب اسفند ماه ۱۳۶۴ ، به اطلاع میرساند بمنظور اجرای ماده ۱۷ قانون مذکور تقاضای یاد شده ، در جلسه مورخ ۱۳۶۸/۴/۵ هیات نظارت بر مطبوعات مورد رسیدگی قرار گرفت و ادامه انتشار آن نشریه بلا مانع اعلام گردید ....

مهراب اکبریان  
 سرپرست اداره کل مطبوعات و نشریات  
 ۱۳۸۱/۴/۱۸

# بحرانهای درون امپریالیسم و حذف اصول گرایی

انگیزه و هدف نگارش :

حدود دو سال پیش از یک طرف پاپ و رینگان که سبیل دین و سیاست در غرب هستند با یکدیگر ملاقات و از طرف دیگر، پاپ فتوای اخراج کاردینالهای انقلابی را از نظام کلیسا صادر کرد. همزمان با این قضیه صدای آمریکا در سه شب متوالی به بررسی بنیاد - گرای مذهبی (اعم از یهود و مسیحی و اسلامی) پرداخت و خطر رشد و گسترش بنیادگرائی مسیحی را در درون جامعه آمریکا گوشزد نمود. در ضمن این سیر ما شاهد بودیم که برای مقابله با این رشد و گسترش، امپریالیسم از یک طرف به تعمیم دموکراسی غربی یعنی صدور ایدئولوژی خود دست زده و از طرف دیگر هر حرکت اصولگرا و انقلابی را بشدت سرکوب می-کند. که نمونه های این سرکوب را در سقوط فائو - سقوط هوا پیمای ایرباس - تأیید خشونت های عراق و تشدید جنگ های داخلی لبنان و خشونت های اسرائیل در سرزمینهای اشغالی و... دیده ایم.

## ● آمریکا و خطر بنیادگرائی مذهبی

توضیح اینکه صدای آمریکا سه شنبه از گزارش منطقه ای خود را به بررسی بنیاد - گرائی مذهبی اختصاص داد و ابتدا از بنیاد - گرائی یهود و تشکیل دولت اسرائیل سخن راند و اضافه کرد که اصولاً "بنیادگرائی یعنی پیاده کردن کتاب آسمانی در صحنه سیاست، اگر یهودیان بخوانند تورات را پیاده کنند، و مسلمانان بخوانند قرآن را، و مسیحیان انجیل را، زدیدگاه غرب این حرکت بنیاد - گرائی مذهبی تلقی می شود. امپریالیسم که مبنای تمدنش بر جدائی امور اجتماعی و حکومتی از مذهب استوار است و از طرفی خود را سردمدار دفاع از مذهب و مسیحیت در برابر کمونیسم و بی خدائی میدانند امروز در پیخ گوش خود، زمزمه الهیات رهاشی بخشش و طرفداری از محرومین و توده های تحت ستم را از طرف طیف قابل توجهی از کشیشها و کاردینالهای کلیساها می شنود و خوب میدانند که گرایین جریان را رها کند و یا رسمیت بخشد

کاخ آمال و آرزوهایش فرو خواهد ریخت و دیری نخواهد گذشت که مبنای تمدنش نیز متزلزل گشته و فرو خواهد پاشید. (توجه شود به عمق نظرات کشیش فری بتودر راه مجاهد شماره ۵۳). لذا است که امپریالیسم به طراحی و اجرای توطئه گسترده ای علیه هرگونه اصولگرائی و بنیادگرائی دست زده است. این توطئه همان تلاش جهت حذف اندیشه دخالت مذهب در سیاست، و به اصطلاح خودشان بنیادگرائی است. قابل توجه اینک که در فرهنگ اعلام شده غرب بنیادگرا به کسی اطلاق می شود که خواهان تشکیل حکومت مذهبی باشد (اعم از حکومت اسلامی - مسیحی - یهود)

## ● تلقی غرب از بنیادگرائی مذهبی

اصولاً "تمدن غرب از اساس با تشکیل حکومت مذهبی و حکومتی که بر اساس اصول و معیارهای مشخصی بنا شود مخالف است، چرا که بنیادگرایان سیستم سیاسی در غرب دموکراسی فردی و حکومت متکی به آراء اکثریت است. آمریکا حتی با جریانهای کاملاً مذهبی و پایبند به اعتقادات دینی در صورتیکه نخواهند

## ● وجوه اختلاف غرب با بنیادگرائی اسلامی

**الف :** تشکیل حکومت بر اساس راه انبیا بنا بر این، اختلاف غرب با بنیادگرائی در تشریح وظایف مذهبی آن نیست، بلکه با محتوای آن است. یکی از وجوه اختلاف غرب با بنیادگرائی در این است که بنیادگرایان می-خواهند از راه انبیا، به شیوه حکومت برسد، نظام سیاسی - اجتماعی تشکیل بدهد و از شرق و غرب بنیاد زشود.

## ب: غلبه اقلیت حق بر اکثریت ساطل:

یکی دیگر از وجوه اختلاف با بنیادگرائی این است که بنا بر اعتقاد بنیادگرائی راه انبیا حق است و انبیا، پیروان حق بر اکثریت زورمندان پیروز خواهند شد هر چند که در اقلیت باشند. این نفی اساسی سیستم غرب است چرا که ادعای غرب اینست که حقانیت هر جریان و سیستم حکومتی بر میزان اتکالی آن به اکثریت آراست.

## ج: جهت داری تاریخ و حاکمیت مستضعفین

وجه دیگر اختلاف غرب در این است که از نظرگاه بنیادگرائی تاریخ جهت دار بوده و جهت آن به سمت حاکمیت مستضعفین است. این تفکر در اصل نفی دموکراسی غربی متکی به آراء اکثریت زورمندان است. لیبرالیسم یا دموکراسی غربی به جهت داری تاریخ معتقد نیست. طبعاً "وقتی به هدفداری تاریخ در جهت حاکمیت مستضعفین معتقد شویم بنا بر زورمندان که میخواهند تاریخ در جهت



## اصولا " تمدن غرب

از اساس با تشکیل حکومتی که بر اساس اصول و معیارهای مشخصی بنا شود مخالف است .

چراکه بنیان سیستم سیاسی در غرب ، دموکراسی فردی و حکومت متکی به آراء اکثریت است .

نفسانیت و خودخدا بینی خودتغییردهنده درگیر خواهیم شد. از این وجه که بنگریم در مویا بیم که مخالفت غرب و امپریالیسم با بنیادگرائی تنها خاص جریان مذهبی نیست بلکه با هر نوع اندیشه حکومتی که برای تاریخ جهتی قائل باشد مخالف است .

اختلاف اساسی غرب با اندیشه ما رکیسم نیز فقط از همین وجه است ، که مارکسیستها گرچه انحرافی و ابزاری ، برای تاریخ جهت قائلند و خواهان نفی بهره‌کشی و حاکمیت از این طریق هستند. در بیان نظراتی که کارشناسان غربی در مورد مارکسیسم ابراز نموده اند این نکته بچشم می‌خورد که مارکسیسم منهای شکل گرائی و حکومت گرائی کارگری برای غرب خطری بنیادین ندارد .

امروز شاهدیم که تمامی رژیمهای مارکسیستی از این تز عدول کرده و بدنبال ایجاد دموکراسی سیاسی - اقتصادی از نوع غربی آن هستند .

● وجوه وحشت امپریالیسم از بنیادگرائی مذهبی

الف : بنیادگرائی و تحولات لبنان در تحلیلی که از رادیوی صدای آمریکا پخش شد چنین آمده است که اصلیترین خطر برای اسرائیل هویتی است با پنج ویژگی (عرب ، مسلمان ، ضد اسرائیل (ضد صهیونیست) ، ضد امپریالیسم ، خواهان تشکیل حکومت اسلامی) توضیح اینکه وقتی یک عنصر عرب - مسلمان ، ضد اسرائیل می‌شود سپس ضد غرب می‌شود و به تدریج اندیشه حکومت اسلامی نیز برایش آرمان می‌گردد یعنی همان سیری که در مسلمانان لبنان طی شده ، این شخص بصورت خطر عمده ای برای موجودیت اسرائیل درمی‌آید و دیدیم که قیام انتفاضه فا ز جدید با توجه به زمینه‌های موجود در فلسطینیها و مبارزات دراز مدت و قهرآمیز آنها و همچنین شیوه دفع تجاوز و دفع اشغال لبنان آنها از تحرکات و بیداریهای جنوب لبنان آغاز گشت .

ب : گسترش الهیات رها ئی بخش - محبور دیگری که قابل بررسی است مسئله الهیات رها ئی بخش مسیحیت است که امروزه شاهد رشد و گسترش آن در دل دنیای غرب هستیم امروز می‌بینیم که در کشورهای آمریکا لاتین و در بین مبارزین ضد امپریالیست آن ديار بسیار کیشها بچشم می‌خورند که ازواتیکان موید زورمندان و زرمندان بریده و به صف محرومین و مستضعفین انقلابی در حال نبرد پیوسته اند ، رژیم انقلابی نیکار اگوشه نمونه ای است از این نوع که با جذب طیف وسیعی از مسیحیت انقلابی ، پرده تزویرا مریکائی دفاع از مسیحیت در برابر کمونیسم را با لازمه و ماهیت ضد مسیحیت امپریالیسم را بر ملا کرده است . اتفاقا "با یادگفت عمق وحشت امپریالیسم بسرکردگی آمریکا از جریانات آمریکائی لاتین از همین جا ناشی می‌شود . وحشت غرب از این است که بنیادگرائی که از ایران شروع گشت و شعله اش خاورمیان و فلسطین اشغالی را فراگرفت امروز به درون نظام غرب کشیده شده و بنیان تمدن او را لرزاند است .



هرگاه مسئله ای در سطح جهانی مطرح می‌شود ، تجربه نشان داده است تا زمانی که به درون نظام غرب کشیده نشده باشد امپریالیسم با آن برخورد اساسی نمی‌کند . ولی همینکه به درون امپریالیسم رفته و وحدت و انسجام آن را تهدید کند به چاره جوئی اساسی پرداخته که نمونه این مسئله را در جنگ ویتنام شاهد بودیم . در آن مسئله وقتی غرب روی آن حساس شد و قضیه را فیصله داد که مسئله ویتنام به درون جامعه آمریکا کشیده شده بود و هر روز مردم در آمریکا شاهد تشییع جنازه سربازان آمریکائی و تظاهرات علیه جنگ ویتنام بودند . در آن زمان بود که بخاطر حفظ وحدت درونیشان به مذاکرات تن دادند و جنگ را ختم کردند . البته مسئله بنیادگرائی با قضیه ویتنام فرق بسیار دارد . چرا که غرب اگر بنیادگرائی را رسمیت بخشد و به توطئه بر علیه آن رسماً "خاتم دهنده تنها از تضادهای درونی رها ئی نخواهد یافت بلکه چنانچه رسمیتی به الهیات رها ئی بخش آنچنان قدرتی خواهد داد که تیشه به ریشه تمدن غرب خواهد زد . لذا با انواع حيله و نیرنگها تصمیم به حذف این اندیشه دار و در این راه تمام سرمایه های علمی و فنی و کارشناسی خود را به میدان آورده است .

● ضد حمله غرب ، معضل فلسطین ، تعمیم دموکراسی

پس از سیرا انقلاب اسلامی ، ما شاهد یک سیر افول در مواضع سازمانهای انقلابی منطقه و بخصوص سازمان آزادیبخش فلسطین بوده ایم از طرف دیگر غرب سعی کرده است که با دادن بعضی امتیازات به این سازمانها ، سیرافول تدریجی آنها را تسریع کرده و آنها را جذب خود نماید . بسیاری از تحلیلگران وقتی این سیرا می‌بینند ، چنین برداشت می‌کنند که این سازمانها از اصل خاستن و آمریکا می‌بوده و حالداستان رو شده است . در حالیکه باید به چند نکته در این مورد توجه کرد . اولاً : غرب با بافت و اساس تشکیل این

متاسفانه بیشتر با وجه بیرونی توطئه‌ها درگیر شده‌ایم و به زمینه‌های فکری آنها که

می‌تواند بسیاری افراد صادق و خدمتگزار را

نیز به دام خود بکشانند کمتر توجه شده است

سازمانها بخصوص سازمان آزادیبخش فلسطین مخالف است چرا که بافت آن مبتنی بر زندگی آرمانی قدس و چریکی حرفه‌ای است حتی با شعار ساف در مورد لبنان و فلسطین نیز بنیاداً "مخالف است". چرا که شعار ساف جامعه دموکراتیک غیر مذهبی است و آمریکا از طایفه‌گری و اقلیت‌ماری حمایت میکند. ثانیاً: "از اینکه این سازمان از اساس برضدیت با صهیونیسم تشکیل شده و انگیزه‌های ضد صهیونیستی عامل بسیاری از تحرکات آن است شکی نیست.

پس این سؤال مطرح می‌شود که چرا غرب به سازمان آزادیبخش تا حدی میدان میدهد و کم‌وبیش در صدد امتیاز دادن به آن است.

در اینجا باید به دو تهدید برتری که متوجه نظام غرب و اسرائیل است توجه کرد. یکی مسئله بنیادگرائی است دیگری قیام و تقاضه بدلیل اینکه خواهان تشکیل حکومت از طریق براندازی اسرائیل است. لذا است که تلاش غرب و اسرائیل این است که از طریق سازمان آزادیبخش و با امتیاز دادن به آن قیام و انتقاصه را مهار کنند و پس از آن خود با فست سازمان آزادیبخش را که اساساً "یک با فست بنیادگرایانه و آرمانخواه است، یا منهدم و متلاشی نمایند و یا اینکه بطور بنیادی آنرا تغییر دهند و جذب دنیای غرب نمایند. لازم به ذکر است که یک وجه اختلاف غرب با اسرائیل نیز در این است که اسرائیل دست از بنیادگرایان یهود بردارد و به شیوه غرب رو آورد.

باید توجه کرد که این توطئه غرب تنها متوجه سازمان آزادیبخش نیست. همین تجربه را غرب در مورد ما رکسیسم نیز پدید آورده و امروز شاهدیم که موفق نیز شده است. تمامی رژیمهای مارکسیستی که خود را زسیر جریانهای آرمانخواه چریکی پدید آورده‌اند، امروزه آرمانخواهی مارکسیسم را نفی کرده و به وجه به اصطلاح واقع‌گرایان و غرب‌گرایان مارکسیسم که غرب نیز با آن اختلافی ندارد جذب شده‌اند در مورد جمهوری اسلامی نیز غرب به استفاده از تجربیات گذشته‌اش برنامهنمایی دارد که با دیدبان هوشیارانه برخورد نمود.

● بیان انقلاب و تعمیم ایدئولوژی غرب بنظر ما ضد حمله غرب در برابر انقلاب

اسلامی همانا تعمیم دموکراسی غربی و به عبارتی صدور ایدئولوژی غرب است. توضیح اینکه آمریکا در چند سال اخیر به تبلیغ و تأیید دموکراسیها می‌چون پاکستان فیلیپین و... پرداخته و در استقرار آن حکومتها هم نقش داشته است. این مواضع غرب، دلیل علاقه آمریکا به دموکراسی نیست بلکه این دموکراسیها، بهائی است که مجبور است بپردازد تا انقلاب اسلامی را منزوی نماید. چرا که هیچ کسی منکر خشونتها و سرکوبهای آمریکا در دنیا نیست. در یک کلمه بیان ۱۵ سال مقامت جمهوری اسلامی به رهبری امام خمینی در مقابل غرب این بوده که غربیها حاضر شدند عقب نشینی کرده و این بها را به کل منطقه و دنیا بپردازند. به کشورهای مجاور ایران رفا دادند با این نیت که جذب ایران نشوند. از طرف دیگر باید توجه داشت که این دموکراسیها دستاورد انقلاب اسلامی است.

امروز، ۱۵ سال پس از تجربه انقلاب اسلامی، ما هستیم و توطئه عمیق امپریالیسم که اگر در جنب مقامتها فطری که در جریان



است به عمق آن توطئه توجه نکنیم و زمینه‌های درونی و فکری آنرا با متانت و بطور صحیح ریشه‌یابی نکنیم، نه تنها با آن مقابله‌ای نمی‌توانیم بکنیم بلکه خود به دام این توطئه خواهیم افتاد.

لذاست که بهترین راه مقابله نیروهای حق طلب با این توطئه اینست که از درون به ریشه‌یابی بپردازیم و با بررسی زمینه‌های فکری این مسئله جهت کسب انسجام درونی بیشتر به مقابله با آن برخیزیم. در این رابطه با ایمان به اینکه بحرانهای درون امپریالیسم بسیار زیاده است و اگر با سرعت و ضعفهای اردوگاه حق را برطرف کنیم این بحرانها تشدید شده و غلبه حق بر باطل تسریع می‌گردد. باید توجه داشت که در این ده سال متاسفانه بیشتر با وجه بیرونی توطئه‌ها درگیر شده‌ایم و به زمینه‌های فکری آنها که می‌تواند بسیاری افراد صادق و خدمتگزار را نیز به دام خود بکشانند کمتر توجه شده است.

در زمینه بن بستها و زمینه‌های فکری این مسئله چند محور قابل بررسی است.

۱ - دور تعهد و تخصص: در طول ۱۵ سال شاهد طرح دو محور تخصص و تعهد بوده‌ایم و بسیاری منازعات در طول انقلاب بر سر این بوده است. عده‌ای جانب تعهد را گرفته و دیگری را نفی کرده‌اند و عده‌ای جانب تخصص را. عده‌ای هم تلفیق این دو یعنی تخصص به اضافه تعهد را مطرح می‌کنند. در نهایت بلحاظ اینکه از دلز تقدم تعهد بر تخصص مشی راهنمای عملی که جوشیده از تعهد افراد باشد بیرون نیامده یعنی اینکه تعهد افراد، راهنمای عمل آنها در اجرا و اداره امور نبوده است و فقط تخصص آنها در این زمینه بکار گرفته شده است و چون تخصص در نهایت همان سیستم آموزشی غرب بوده است. لذا هر چه هم با تخصص گرائی بعنوان پدیده غربی مبارزه شده و بشود با زدن نهایت چون چیزی برتر از آن موجود نیست، لاجرم به آن تن داده و تسلیم تراصالت کارشناسی شده‌ایم. مگر اینکه در این زمینه تلاش وسیعی جهت جوشیدن تخصص از دل تعهد و بعبارتی

## بحرانهای درون امپریالیسم بسیار زیاد است و اگر با سرعت ضعفهای اردوگاه حق را برطرف کنیم ،

این بحرانها تشدید شده

و غلبه حق بر باطل تسریع میگردد .

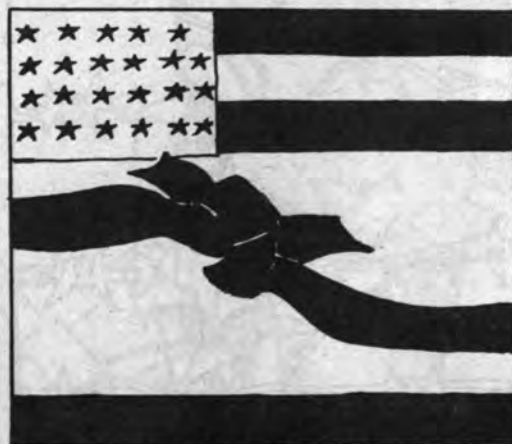
در جهت کسب تعهد راهنمای عمل و اداره امور باشیم ، نه تمسک به ظاهر اسلام و جمع آن با تخصصی که توضیح این مسئله خود حدیثی دیگر می خواهد . در این زمینه قبول پیشتازی غرب در علم و تکنولوژی از طرف اغلب جریانهایی جهان معاصر قابل توجه است ، اخیرا در پاکستان کنفرانسی از طرف سازمان کنفرانس اسلامی برپا شد ، تحت این عنوان (کشورهای اسلامی و علم و تکنولوژی) که در طی آن غلام اسحاق خان رئیس جمهور پاکستان طی سخنانی گفت : اصلیترین مشکل عقب ماندگی کشورهای اسلامی عدم دستیابی به علم و تکنولوژی مدرن و نداشتن متخصصین لازم در این زمینه است ، که کنفرانس اسلامی با پیدایش اصلیترین وظیفه خود در رفع این نقیصه قرار دهد . این سخنان حرف تازه ای نیست و امروز مسئله اسلام و فرهنگ اسلامی با ضایع علم و تکنولوژی غرب امری رایج و مقبول افتاده و از همین زاویه پیشتازی غرب پذیرفته شده است . وقتی انسجامی برتر از این ارائه نشود و از درون جهان بینی اسلامی نتوانیم به دیدگاه منسجمی در برخورد با علم و تکنولوژی غرب دست پیدا کنیم ، طبیعی است که علم و تکنولوژی را در بست بپذیریم و به دنبال رشته های علمی ، تخصصی لازم و کارشناسیهای موجود در زندگی اجتماعی مبنای تحولات قرار داده و بتدریج در سیاست گذاری و نظام حکومتی نیز تابع آن شویم ، زیرا غرب وقتی تضاد اصلیش بنیادگرائی باشد و از ظرفی سلاح علم و تکنولوژی را در بست در اختیار داشته باشد طبیعی است که تا ما از نظر شیوه حکومتی هم تن به نظام و ندهیم این سلاح را از ما دریغ خواهد کرد از طرف دیگر روشهای علمی غرب آنقدر کلاسیک و منسجم است که بتدریج در جهان بینی و نظام اجتماعی ما نیز رسوخ کرده و خود بخود زدرون ما را عسوف خواهد کرد .

اینست که با توجه به عدم انسجامهای موجود در برابر تمدن و علم غرب از یک طرف و همچنین عمق وابستگی زندگی روزمره از طرف دیگر بطور سریع و خلق الساعه نمیتوان از سیر بسمت غرب جلوگیری نمود ولیکن اگر

نجنبیم آنچه دستاورد داشته ایم از بین خواهد رفت ، لذا است که حرکتی عمیق و بنیادی در رابطه با تحول بینشی در مورد رابطه اسلام و علم غرب لازم و ضروری است .

۲ - جدائی دین از سیاست : امام خمینی (ره) در طی مبارزات خود بخصوص در ۲۰ سال اخیر ، با طرح ضرورت تشکیل حکومت اسلامی در زمان غیبت ، مسئله جدائی سیاست از دین را بعنوان اصلیترین توطئه با بر قدرتها ، جهت منزوی کردن روحانیت و مذهب از صحنه سیاست مطرح نمودند و به آن عنوان اسلام آمریکا دادند . سعی ایشان خنثی کردن این توطئه و جلوگیری از جافتادن آن بود . توطئه جدائی دین از سیاست بعنوان اصلیترین توطئه امپریالیسم امروز جهت حذف بنیادگرائی مذهبی مطرح است . مسئله اصلی در مبارزه با این توطئه اینست که ضمن اینکه باید به جهانی بودن این توطئه توجه کرد باید دقت نمود که تز جدائی دین از سیاست زمینه های فکری داخلی بسیار رقیب نیز دارد که بدون پاکسازی اصولی آن مبارزه در سطح بیرونی انقلاب و هشدار دادن در مورد آن هر چند موثر است ولی پس از مدتی دوباره به شکل های پیچیده تری شاهد تکرار آن خواهیم بود . در این مورد لازم است کارشود و زمینه های فکری آن عیقا " بررسی و نقائص موجود پاکسازی گردد . بطور اخص مواردی هست که به آن اشاره می شود تا زمینه ای برای تحقیق بیشتر درآینده باشد .

بنظر می رسد ریشه اصلی تز جدائی دین از سیاست ۱ - جدا کردن حوزه معنویات از حوزه



معنویات و مستقل دانستن هر یک از این دو مقوله است ، بدین ترتیب که دین را "معنی" بدانیم و معنویات را در حوزه آن و سیاست را امری "مادی" و مربوط به امور دنیوی .

۲ - دیگر از ریشه های جدائی دین از سیاست را باید در مبنای تمدن غرب جست بطور اخص رابطه ای که گفت : اساس تمدن غرب بر اصل انسان بمعنای فیزیکی و او مانیستی آن است . در این تمدن هر فرد خود یک "جزء" از جامعه بوده و اجتماع که "کل" است متشکل از این اجزای با اصلت و در خدمت اهداف و غراض و آمال فردی آنهاست . مجموعه قوانین و نظام اجتماعی نیز با تابعی است از مجموعه خواسته ها و ایده آلها و آرزوهای یکا یک افراد جامعه ، طبیعی است که با چنین بینشی در مورد جامعه و انسان ، طرح اندیشه آسمانی و الهی ، بعنوان راهنمای عمل زندگی بشر ، امری القائی متافیزیکی و غیر قابل گنجایش در سیستم تمدن غرب است و بنظر می رسد علت اصلی مخالفت غربیها با طرح بنیادگرائی مذهبی بعنوان راهنمای عمل سیاست و اجتماع از همین جا ناشی می شود . طبیعی است که تا در مورد مبنای تمدن غرب نقد بنیادین صورت نگیرد ، جذابیست علم و تکنولوژی و فراگیری سیستم آموزشی آن خواهد بود عامل مانعی برای اندیشه حکومت اسلامی خواهد بود .

۳ - خلاه بینشی فقهی : حال که دیدیم اصلی ترین توطئه غرب مقابله با بنیادگرائی مذهبی و کلا "اصولگرائی است و دانستیم که منظور غرب از بنیادگرائی همان تداوم راه انبیاء و استخراج شیوه های حکومتی از قرآن و سنت است لذا باید هوشیار بوده و راهی اندیشید ، از طرفی برخی مسئولین اذعان کرده اند که در زمینه استنباط احکام حکومتی از قرآن و سنت خلاهایی موجود است . بخود آئیم و با تلاش جهت پرکردن خلاها زمینه توطئه ها را از بین ببریم که در غیر این صورت احتمال موفقیت توطئه یعنی احتمال جدائی دین و سیاست می رود . مبادا که در آینده شاهد فاجعه جدا شدن کلمه اسلام از جمهوری اسلامی باشیم .

ضرورت نگارش :

عنوان "مراحل رشد خلق و افول امپریالیسم یک افسانه است یا واقعیت؟ و آیا این بیان امام که آمریکا طبل تو خالی است واقعیت دارد؟ در دست یابی به پاسخ این سوال امیدواریم سایر رهپویان اسلام محمدی و آنان که استقلال ایران اسلامی را امری ناممکن نمی پندارند، ما را یاری رسانند و از سخنان یا نامه های ایشان استفاده نماییم.

● نگرشی به سیر حرکت نیروهای مترقی

۱ - از انقلاب مصر تا امضاء کمپ دیوید

پس از امضاء قرار داد کمپ دیوید بسیاری از حکومتها و سازمانهای مردمی منطقه این عمل را خائنانه دانستند و ضمن محکوم نمودن سادات را رابطه خود را با مصر قطع کردند. در حالیکه سادات از جمله افسران آزادی بود که در انقلاب ضد سلطنتی مصر نقش داشت. او سالها در کنار عبدالناصر بود و در مقام معاونت وی خدمت می کرد. بسیاری از نیروهای مومن و مترقی ایران به سادات امیدهایی بیش از ناصر داشتند و برخی پیش بینیها در رابطه با سازش نهایی سادات را بسیار نمی کردند. لیکن نهایتاً "سادات با تمام سوابق رزمندگی قرار دادنگین کمپ دیوید را امضاء کردند و بسیاری از نیروها را بهت زده نمود. نیروهای انقلابی و مترقی همگی سادات را مشمول طعن و لعن و دشنام خود قرار دادند ولی هیچکدام به ریشه یابی نپرداختند که چرا چنین فردی رزی به سازش کشیده شده است؟

۲ - الفتح، از رد قطعنامه ۲۴۲ تا پذیرش مبارک

سازمان الفتح با آن سوابق انقلابی در مبارزات دراز مدت و رشادتها و شهادتهای اعضایش که بر هیچکس پوشیده نبوده و نیازی به توضیح و توصیف ندارد. پس از حمله اسرائیل به جنوب لبنان و مقاومت معروف ۸۸ روزه نهایتاً "تحت فشار دولتهای عرب، عدم حمایت دوستان ویرخا" "ضعفهای درونی ناچار به خروج از لبنان شد. عرفات و بعضی نیروهای مسلح الفتح به درّه بقاع عقب نشینی کردند. سپس ضمن اختلافاتی که بین الفتح و سوریه پیش آمد محافظ اسد با اعمال فشارهایی عرفات را از طرابلس اخراج کرد. از یک طرف عرفات طی عبور از کانال سوئز با مبارک تماس گرفت و از طرف دیگر اسد، امین جمیل را در آغوش کشید.

ملاقاتها، تماسهای تلفنی با مبارک از

تعدیل یا برخا "سازش بسیاری از نیروهای مترقی در منطقه و جهان این جمع بندی را برای عده ای از مبارزین اردوگاه حق بوجود آورده که امپریالیسم از قدرت و ثبات شکستناپذیری برخوردار است گاهی اوقات چنین شنیده می شود که حتی حرکت های انقلابی در درون مردم را به برنامهای کنترل شده امپریالیسم نسبت می دهند. بعنوان مثال مشروطیت، نهضت ملی و انقلاب اسلامی را از برنامهای خود امپریالیسم می دانند.

برخی که به لحاظ علمی و تکنولوژی به غرب خوشبینند با دیدن علم و تکنولوژی پیشرفته و مدرن امپریالیسم در افتادن با آن را امری محال دانسته و می گویند جهان سوم مایه ای ندارد که با غرب رویا رویی کند. در صورت درگیری نیز آنها هر لحظه که اراده کنند می توانند با جنگ افزارهای اتمی شان درگیری را به نفع خود تمام کنند. مگر می شود با مشتی سلاحهای قدیمی در مقابل نیروی هوایی و دریایی مدرن غرب عرض اندام کرد؟

ما رگبسته ها و انقلابات ما رگبسته ها نهم که شعرا رجا معبوی طبقه و زفا هیکسان برای همه را می دادند، با این تحولات اخیر و جو نارضایتی مردم در آلمان شرقی، لهستان، چکسلواکی معلوم شد، آنها هم نتوانسته اند آرمانهای خود را در جهت بهبود وضع مردم تحقق دهند و از نظر اقتصادی همگی دست نیاز ب طرف غرب دراز کرده اند تا از طریق وام بانکهای غربی وضع اقتصادی بهم ریخته خود را سامان دهند.

این عده از این مقدمه چنین جمع بندی می کنند که اسلام و ما رگبسته بعنوان دو مکتب رهایی بخش و ضدا امپریالیسم نمی توانند اوضاع سیاسی اقتصادی ملت خود را بهبود بخشند. این عده چنین نتیجه گیری می کنند، سیستم حکومتی غرب بهتر بوده و دلیلی برای مبارزه با آن وجود ندارد و این سوال را مطرح می نماید که چرا باید ضد آمریکا باشیم؟ سعی ما در این مقاله برای این است که تا از یک طرف با توضیح ضعفهای نیروهای مترقی و از طرف دیگر نشان دادن بحرانهای آشکارا امپریالیسم گامی در جهت برطرف کردن ضعفها و رسیدن به یک انسجام نسبی در نیروهای حق برداشته باشیم. این امر اگر بسرعت انجام شود تشدید بحرانهای درون امپریالیسم را بدنبال داشته و جهشی است برای حاکمیت مستضعفین همچنین سعی ما برای این است که نشان دهیم

ریشه یابی

ضعفهای اردوگاه حق

و بحرانهای

درون امپریالیسم





## ایدئولوژی ادعای آمریکا دموکراسی است .

### صحنه سیاست داخلی لبنان

### نشانگر عمیق ترین نوع بحران آمریکا است

### چراکه

### عدم تعهد آمریکا را نسبت به ایدئولوژی

### نشان میدهد

جانب عرفات و سایر حکومت‌های منطقه بطور پنهان و آشکارا داده داشت تا نهایتاً "بدنبال کنفرا نسهای طائف، فاس، امان و کازابلانکا مصر که سالها بدلیل امضا کمپ دیویس از جانب اعراب طرد شده بود مجدداً" به اتحادیه عرب راه یافت و با شرکت مبارک در مجمع اعراب کمپ دیویس تلویحا "پذیرفته شد. بنا پذیرش مشروط قطعاً ماه ۲۴۲ و عدم اعتراف به حضور مبارک در اتحادیه اعراب با لفتح به راهی کشیده شد که یروز آنرا خیانت می‌نامید. متأسفانه مسئولین ایران نیز بجای ریشه یابی در سیر تعدیل مواضع الفتح به افشاکری ونفی آن پرداختند که این نحوه برخورد تا کنون نتیجه مطلوبی نداده است. غافل از اینکه روزی خودمان به این اضطرار بیفتیم و بگوئیم توان جنگیدن نداریم و باید قطعاً ماه‌های شبیه ۲۴۲ را قبول نمایم که ولایت شورای امنیت را در بردارد.

### ۳ - بعث عراق از چپ نمایی تا راست آشکار

گرچه حزب بعث عراق یک نظام نفتی وابسته بود و از طریق کودتا به حاکمیت رسید ولی بسیاری از نیروهای مترقی را توانست جذب خود نماید، به همین دلیل سیر مواضع آن قابل توجه است. صدام چپ‌نما که خود را جبهه‌را دیگال اعراب میدانست، قطعاً ماه ۲۴۲ سال ۶۷ را نپذیرفت و دائماً "عبدالناصر سوریه واردن را مورد حملات سیاسی خود قرار میداد که چرا این قطعاً مه را نپذیرفته‌اند. لیکن نهایتاً "عراق دو سال قبل چپ نمایی را به کناره گذاشت و قطعاً ماه ۲۴۲ را پذیرفت. در جبهه‌ها رچی حزب بعث همواره خود را یکپاز نیروهای به ظاهراً ضد صهیونیسم و ضد امپریالیسم نشان میداد و در جبهه درونی نیز صدام به شعارهای سوسیالیستی اصلاحات پیشماری در عراق بوجود آورد. ولی مشاهده کردیم که بعث عراق جزو مهره‌های مورد اعتماد و توجه امپریالیسم قرار گرفت و در اجرای مطامع او بسیار کوشید. چنانکه اجرای حمله به

انقلاب اسلامی بدست او سپرده شد و صدام تمام توان در جهت نابودی نظام جمهوری اسلامی کوشش نمود. حتی نعیم حداد عضو شورای انقلابی عراق گفت: عراق به حملات خودش تا آنجا ادامه می‌دهد که ایسران دست از حکومت مذهبی بردارد. این امر نشان می‌دهد که حتی شط العرب هم به نفع است برای تعدیل انقلاب اسلامی. سیر مواضع بعث عراق بخصوص پذیرش قطعاً ماه ۲۴۲ از جانب صدام و آرایش نیروهای منطقه به شکلی در آمده که امپریالیسم تحمل چپ نمایی یاران خود را هم نداشته و آنها نیز شمارهای "راست آشکار" می‌دهند.

### ۴ - مقاومت ملت افغانستان و خوش بینی

#### به غرب

ملت مسلمان افغانستان با بیش از یک میلیون و دویست هزار شهید توانستند در مقابل تجاوز آشکار شوروی بایستند و از راه آرمانهای اسلامی خود دفاع نمایند. این مقاومت دگرگونیهایی بیشماری را در شوروی و دنیای سوسیالیسم بوجود آورد. لیکن با تمام این ایثارها و مقاومتها، متأسفانه آمریکا در بین نیروهای موجود در افغانستان نفوذ پیدا کرد و این نیروها نیز انسجام کافی برای رویارویی با آمریکا را ندارند. در افغانستان ما از یک طرف شاهد عظمت مقاومت یک ملت هستیم که بدون تکیه به درآمد نفت، گاز و معادن توانستند یک ابر قدرت مجهز به هرگونه سلاح پیشرفته را شکست دهند و از طرف دیگر شاهد عدم انسجام آنها در رویارویی با آمریکا می‌باشیم. بنظر می‌رسد نیروهای مبارز در افغانستان می‌بایست به سرعت این ضعف را ریشه یابی و برطرف نمایند.

### ۵ - از "حیف نژاد" تا "صدام رجوی"

در ایران سازمان مجاهدین بعنوان یک نیروی مسلمان و براندا ز رژیم سلطنتی مطرح بود و بسیاری از نیروهای مبارز و

روحانیون و مردم از آن حمایت می‌کردند. این سازمان بدنبال ضرباتی نظیر اعدامهای رهبران سازمان توسط ساواک، ضربیه ۵۴، خیانت منحرفین چپ‌نما و تصفیه‌های خونین نهایتاً "رهبری آن بدست رجوی افتاد. شخصیتی که تمام می‌ارزشهای سازمان را کنار گذاشت و اعدام مستشاران آمریکایی توسط سازمان را انکار کرد، تصرف لانه جاسوس‌ها محکوم نمود. حمایت از کنگره آمریکا، درآغوش گرفتن ملک حسین، دست‌اندازن به صدام، به شدت رساندن شخصیت‌های نظیر رجایی، بهشتی، باهنرو...، حمله به خاک ایران با کمک صدام، همه و همه را افتخار دانست. سازمانی با آن همه ارزشها و شهدا نهایتاً "به جایی می‌رسد که همه ارزشها در آن لگدمال می‌گردد. متأسفانه نیروهای مسئول آنقدر که به حذف و متلاشی کردن تشکیلات آنها توجه دارند به ریشه یابی اینکه چرا نیروهای مبارز به این روز افتاده و نقش ما در آن فول آنها چیست کمتر توجه می‌کنند.

### ۶ - از دولت موقت تا حزب جمهوری

حزب جمهوری اسلامی در مقابل و انتقاد به دولت موقت و بنی صدر شعارهای انقلابی



بسیاری را مطرح می‌نمود. بعنوان مثال شرکت در کنفرانسهای اسلامی و نزدیکی به ترکیه و پاکستان را محکوم می‌کرد. تعریف بنی صدر از نه شرقی نه غربی را که پذیرش سلطه آنها بود، وابستگی میدانست. شعار امنیت، رفاه، تولید، معنویت بنی صدر که بیش از ده میلیون رای آورد همواره مورد حمله حزب قرار داشت.

لیکن هم‌اکنون که بافت نظام جمهوری را عمدتاً "شخصیتهای حزبی تشکیل می‌دهند نزدیکی با ترکیه و پاکستان، مذاکره با شرق و غرب و بستن قرارداد با آنها، شعار امنیت، رفاه و تولید همه و همه شعارها شده است.

زمانی روسای حزب بنی صدر را تقویت کردند تا در مقابل نهضت آزادی بایستد و با انتقادات مستمر قدرت آنها را پائین بیاورد بنی صدر پس از حاکمیت همان شعارهای دولت موقت را داد و حزب با او نیز مخالفت کرد.



یا فقدان مکتب منسجم و رویاروی غرب  
و فقر دینی و فقر روش ؟

اگر این ضربات که نیروهای مبارز  
خوردند ناشی از نقطه قوت دشمن است، آیا  
این سؤال مطرح نمی‌شود که چرا ما ضد آمریکا  
باشیم؟ مگر نه این است که سیرسازمانهای  
مترقی منطقه بطرف آمریکا است ؟

اگر ما تا فته جدا با فته ای هستیم ویژگی  
برترمان چیست؟ چگونه این ضربه ها را  
تبیین و زدرون خودپاکسازی کنیم؟

آیا امیدوار بودن در بیان کافی است یا  
با یدیک استراتژی عینی امید وجود داشته  
باشد؟ وعده الهی در قرآن که فرموده است:  
"ان یمسکم قرح فقد مس القوم قرح مظه"  
اگر شما ضربه ای بخورید دشمن شما حتما  
ضربه ای بمانندیا بدتر از شما خورده است آیا  
این وعده ای نا درست است یا ما با یدر حق  
بودن خودمان شک کنیم؟ یا اینکه وعده خدا  
درست است ما هم در صراط حق بوده ولی باید  
ضعفهای خود را دریا بیم؟

برای فهم و درک مکانیزم این وعده الهی  
و برای ملموس شدن وضعیت فعلی جمهوری  
اسلامی در رابطه با جهان به ذکر ضربه سال  
۵۴ سازمان مجاهدین می‌پردازیم.

● ضربه ۵۴، تازیا نه تکامل سازمان

مجاهدین

پس از سال ۵۴ بدلیل فشارها و ضربه‌های  
که به سازمان مجاهدین وارد شده بود، این  
جمع بندی در اذهان برخی مبارزین شکل  
گرفت که ساواک از ثبات و قدرت سرکوب  
کننده ای برخوردار است، چرا که همه گروهها

اعم از مجاهدین، فدائیه و سایر تشکلهای  
مقاوم را از بین برده بود، وجود این جمع بندی  
از "قدرت وثبات ساواک" در برخی انگیزه  
تداوم مبارزه و مقاومت را سلب و یا سلب  
می‌کرد و به اصطلاح جزو "بریده ها" محسوب  
می‌شدند، در حالیکه دربار ساواک در همان  
سالها دچار بحران عمیقی شده بودند و ضربه  
هایی که جنبش مسلحانه و سایر اشکال مبارزه  
به پیکر آنها زده بود برایشان جانگذازمی -  
نمود و تضادهایشان را بسیار تشدید کرده بود.  
هرچند که برای نیروهای مبارزی که هم زیر  
فشار ساواک بودند و هم ضربات درونی خرد  
کننده ای را متحمل شده بودند تبدیل به پیروزی  
بسیار دور می‌نمود، لیکن فداکاران، شهیدان  
انفجارها، سخنرانیها و ... آگاه مردم را به  
حدی با لایبرده بود که تبدیل به عمل و وقوع  
انقلاب گردید، اشتباه ساواک هم در همین جا

شوروی در افغانستان

اسرائیل در لبنان و عراق به کمک ابرقدرتها

در ایران با تمامی قدرت تکنولوژیکی خود

با ذلت و خواری

حتی به لحاظ نظامی شکست می‌خورند و این از

امر مهمی حکایت میکند.



انقلاب شوروی با آن عظمت انقلاب اکتبر و با  
آن قدرت و تکیه به سلاحهای اتمی و قدرت  
فضائی، معجزه در مقابل آمریکا دست نیاز  
در از ز کرده و سالی ۹۰ میلیون تن گندم از  
آمریکا می‌خرد، در تکنولوژی کامپیوتر از  
آمریکا تبعیت می‌کند، آمریکا موفق شده زیر  
فشار "سیاسی"، "تکنولوژی" و "جنگ ستارگان"  
ویژگیهای انقلابی و محروم گرای می‌مارکسیسم  
را از آن حذف نموده و آنرا تبدیل به یک  
جریان رفرمیستی بنماید، شعار "انامسکن  
به داشت" را آمریکا بهتر تا مین می‌نماید و  
فوراً تولید و قابلیت استحصال راکه شوروی  
شعرا میدهد آمریکا بهتر تا مین می‌کند، این  
مسئله اضعفهای مبنایی مارکسیسم ناشی  
می‌شود و بدیهی است این ضعفها در روند طبیعی  
به سازش با غرب می‌کشد، چنانکه دیدیم  
بدنبال تحولات اخیر اروپای شرقی در لهستان  
"لخ والسا" رهبران تحادیه کارگری با بوش  
ملاقات و از وی تقاضای کمک مالی بیشتری  
نمود؟!

● ضعف ما یا نقطه قوت دشمن

حال این سؤال مطرح است که آیا روند  
موجود نقطه قوتهای آمریکا است؟ یا ضعفها و  
عدم انسجامهای انقلابات و شخصیتهای مترقی  
است؟ از باب تاکید تکرار می‌کنیم آیا عنوان  
"مراحل رشد خلق و افول امپریالیسم" افسانه  
است یا واقعیت؟ اگر واقعیت است از چه  
مقوله‌ای است و رشد خلقها چیست؟ استراتژی  
امیدوایمان کدام است؟ مراحل عقب نشینی  
امپریالیسم کدام است؟ درواری این  
تعدیلها و گرایشها به آمریکا چه چشم انداز  
پرشوری وجود دارد؟ آیا بایدهمه را خائن  
دانست یا تجدید نظر بنیادین نمود؟ آیا  
ساده اندیشی و عدم انسجام است که منجر به  
چنین ضربه‌هایی می‌شود یا پیچیدگی دشمن؟  
کدام اولویت دارد؟  
آیا قدرت علمی و تکنولوژی آمریکا است  
که همه را خودکم بین کرده و به تعدیل کشانده؟

دعوی تعهد و تخصص مدتها مورداختلاف حزب  
و بنی صدر بود و بنی صدر بخاطر دفاع از تخصص  
و با لایبردن تولید، محکوم شد، حال مدرک گرای  
و تخصص گرای از اهمیت عمده ای برخوردار  
شده است.

حزب جمهوری، با زرگان، بنی صدر، قطب زاده،  
عرفات و سادات را موردمحله قرار می‌داد و  
واژه‌هایی نظیر نفسانیت غرب گرای،  
خیانت، جاسوسی و نظایر آن را در موردشان  
بکار می‌برد. ولی در پایان شخصیتهای بلند  
پایه حزب قطعنامه ۵۹۸ یعنی احکام شورای  
امنیت را پذیرفتند و به همه قول دادند که در  
خط سازمان ملل حرکت کنند، زهرنا مه که  
پذیرش آن از جانب امام از روی اضطرار بود  
و آزمایشی بود که نظام واقعی غرب را  
بشناسد به استراتژی نظام جمهوری اسلامی  
تبدیل شده است بطوریکه حجت الاسلام  
انصاری در مراسم سالگرد شهدای حلبچه در  
مسجد ارک گفتند: کسانی که قلبا "شورای  
امنیت را قبول داشته باشند مشرکند، ولی  
پس از مدتی خطیبی در نماز جمعه می‌گوید امام  
قطعنامه را قلبا "قبول داشتند و تضعیف آن  
جایز نیست.

در جمع بندی از این نیروهای مترقی با  
این مشکل مواجه می‌شویم که همه نیروهای  
مبارز منطقه به ورطه تعدیل، سازش و بی  
خیانت افتاده اند، همچنین ملاحظه می‌کنیم  
همه اشخاص و سازمانها شیکه سرانجامشان به  
اینجا رسیده است از سابقه مبارزات  
در از مدت مسلحانه یا غیر مسلحانه برخوردار  
بوده اند، لذاریشه‌هایی و تعمق بیشتر در  
این مهم امری ضروری و اجتناب ناپذیر  
است، بنظر می‌رسد که ضعف یا عدم انجام  
کلی ای وجود داشته باشد که همه ما از آن غافلیم  
چه بسا از غفلت خود نیز غافل باشیم.

تحولات دنیای کمونیسم

در دنیای کمونیسم مشاهده می‌کنیم که

بود که فقط به از بین بردن گروهها فکر می‌کرد و روی بالارفتن آگامی و تجربیات مسلحانه حساب نمی‌نمود.

چهارم برخی از نیروها که به یاس از مبارزه رسیده بودند بدلیل مشهود نبودن رشد توده‌ها و تغییرات کمی دچار چنان خودکم بینی بودند که قدرت ساواک برایشان شکستناپذیر می‌نمود. در حالیکه شهادتها و مقاومتها ساواک را به این نتیجه رسانده بود، که با افرادی که انگیزه ایدئولوژیک دارند نمی‌توان مقابله کرد.

بطور مثال وقتی مجاهدین شهید هوشمند خا منهای، فاطمه امینی و شهید دیباج در زیر شکنجه به شهادت می‌رسند یک ماه فشا روشکنجه سایرین متوقف می‌شود. مسئولین ساواک دچار هراس زیادی شده بودند که مبارزین ساواک اینها را بچنین مقاومت کنند. بحران ساواک این بود که از طریق شلاق به تشکیلات رسیده بودند از طریق نفوذ در تشکیلات مبارزین کما —

نمایانگری یکاه درونی در مردم می‌باشد. سربازجوی ساواک از غندی (منوچهری) به شهید سعید محسن گفته بود درست است که ما اعضای تشکیلات شما را دستگیر کردیم ولی شما بیشترین ضربه را به ما زدید چرا که بیخ گوش ما ۲۰۰ نفر کادر سازی کردید که ساواک با همه تشکیلاتش از آن غافل بود.

پس از دستگیری وحید افراخته ساواک از طریق اوبه سهزار تک نویسی از هواداران مجاهدین دست یافت. ولی توان دستگیری به این وسعت را نداشت و این نشان دهنده رشد خلق و بحرانهای ساواک بود.

همچنین در زندان، ساواک اجازه داده بود که همه نوع کتابی خوانده شود و حساسیتشان بیشتر روی اسلحه بود. اگر کسی اسلحه داشته و به مبارزه مسلحانه معتقد بود شدیدترین برخورد را با او می‌کردند. بسیاری فکر می‌کردند فضای باز در سال ۵۶ ناشی از به حاکمیت رسیدن کاردت راست. در حالیکه مقاومتها و بیشمار مبارزین زیر شکنجه، به ساواک و دربار تحمیل کرد که آزادی بدهند. بسیاری از مبارزین از این استراتژی امید بی‌خبر بودند.

با وجود اینکه ساواک زمان مجاهدین متلاشی شده بود ولی مردم مایوس نبودند و برایشان این امر طبیعی می‌نمود. ساواک پس از ده سال حیات و ضربات بی‌شمار که به نظام شاهنشاهی زده بود، بدیهی است که خود دچار خونریزیهای شدیدی شود. به مردم مالتقین کرده بودند که اگر ضربه‌ای خوردیم سر را پایین تر برده تا دشمن ضربه دیگری بزند. ولی مقاومت

مسلحانه نشان داد که هر ضربه‌ای را پاسخی است چندبرابر شدیدتر و این امر به مردم امیدواری داده بود. در میان توده‌های مردم علیرغم نداشتن ارتباط با سازمان هسته‌های مبارز و مسلح بسیاری ایجاد شده بود، تا آنجا که ساواک از بگیر و ببند و شکنجه و اعدام مایوس شده بود.

با ایدتوجه کرد که ساواک و دربار مطمئنترین ارگان امپریالیسم در ایران بودند. چشم امپریالیسم جمهوری آمریکا به این دو ارگان بود. وقتی این دورکن نظام شاهنشاهی از سرکوب مایوس شدند، راهی جز عقب نشینی و تن دادن به فضای باز برایشان باقی نمانده بود. بدنبال آن کاردت اعلام فضای باز کرد. آنهم نه در همه کشورهای که اختناق حاکم بود بلکه در ایران که مستقیماً "مقاومتها" و "مقاومتها" را بشمار دادند آزادی و فضای باز را به امپریالیسم تحمیل کرده بود. مسلماً "عوامل درونی بودند که عوامل بیرونی را ایجاد کردند و زمینه را برای پیروزی انقلاب فراهم کردند. متأسفانه برخی چنین تحلیل می‌کنند که دوران قبل از انقلاب تماماً "فساد و فحشا" و یاس و ناامیدی بود شاهنشاهی این تحلیل از جانب عده‌ای ناشی از یاس خود آنها بوده که به انقلاب تعمیم می‌دهند. و الا در آن زمان نه تنها یاس نبود بلکه همه‌اش مبارزه و مقاومت بود و بحرانهای درون ساواک و دربار.

تا زمان تکاملی ما و عمل صالح زمان در آن مقطع این بود که در راستای اسلام راهنمای عمل به سرعت ضعفها را برطرف و از انسجام نسبی بالاتری برخوردار شویم



تا بتوانیم از آنجای گرفتن بحرانهای ساواک و دربار و ارتش به نفع تداوم مبارزه استفاده کنیم. نمونه آن اعتصاب غذای ۲۹ روزه سال ۵۶ - ۵۷ در زندان آریا مهری بود که فضای باز کاردت را افشا نمود. بدنبال اعتصاب غذا آشکار شد که نظام شاهنشاهی به زندانیان سیاسی یک را دیوهم نمی‌دهد چه برسد به اینکه به ملت آزادی دهد.

تحلیل اجالی از ضربه ۵۴ سازمان را بدان مناسبت آوردیم تا تقریباً به ذهن ملموس باشد برای ارزیابی وضعیت فعلی جمهوری اسلامی در برابر جهان.

دامنه تحلیلها ی نا درست از پیروزی انقلاب تا به آنجا کشید که حتی برخی چنین تبلیغ می‌کردند که عوامل خارجی "کارت" نقش مبنایی و تعیین کننده داشتند.

همانطور که در ابتدا ذکر کردید، هم اکنون نیز چنین بنظر می‌رسد که آمریکا همه تشکیلات منطقه را رام کرده است و ظاهراً "بر همه جریانات مترقی و مبارز در کشورهای مصر، الجزایر، سوریه و سازمان آزادیبخش فائق آمده است. شاید بسیاری از نیروهای مومن به انقلاب و مسئولین چنین فکر کنند که امپریالیسم یک ثباتی پیدا کرده است. لیکن طبق قانون الهی "۱۰۰۰ نانی لایضیع عمل عامل منکم من ذکر و انشی...". اعمال صالح ملت ایران و ملت دیگر موجب شده که ضربات جا نگذاری بر پیکر امپریالیسم وارد گشته و بحرانهای پیش آشکارتر شود. اعمال صالحی چون انقلاب اسلامی، سقوط نظام شاهنشاهی، تشکیل نظام

جمهوری اسلامی، اخراج ۶۰ هزار کارشناس آمریکا و اسرائیلی و اروپایی، القاء فساد و مشروب خواری، تصرف لانه جاسوسی، ام الفساد قرن، دو سال دفع تاج و زنجاری و شش سال مقاومت و قضاص بمنظور محاکمه متجاوز و زو... این اعمال صالح از یک طرف مردم منطقه و جهان را بسیج نمود و از طرفی تضادهای درون دشمن را تشدید کرد، امپریالیسم تمام نیرویش را صرف براندازی جمهوری اسلامی نموده و از رشد و گسترش اسلام در منطقه و جهان نمی‌تواند عمیقاً "با خبر باشد. بنظر ما رشد اسلامی بحدی است که اگر خدای نکرده جمهوری اسلامی هم زیر فشارها متلاشی شود با مردم مایوس نمی‌گردند و برای تشکیل حکومت اسلامی عمیق تر تلاش خواهند کرد.

در اینجا به ذکر پاره‌ای از بحرانهای امپریالیسم می‌پردازیم که ناشی از اعمال صالح ملتها می‌باشد.

**بحرانهای امپریالیسم**

۱ - دفع تاج و زور کودتای غرب تاج و زاشکار به افغانستان و ایران نشان داد که ملتها بخصوص امت محمدی در مقابل تمامی فشارهای ناشی از تاج و زبه کشورشان مقاومت می‌کنند.

بنظر می‌رسد در دفع تاج و زوری که از ارتش شوروی شد، شوروی به این نتیجه رسید که از راه نظامی نمی‌تواند حکومت کمونیستی تشکیل دهد و تحولات جدیداً اثرات آن است. شواردناده اعتراف کرد دخالت در افغانستان

غیرقانونی بود. گورباچف گفت: اشتباه بزرگ قرن بوده است.

در ایران هم طرحی داشتند که مثل جنگ ۶ روزه عرب و اسرائیل، ایران را اشغال کنند ولی ۸ سال طول کشید. ما به لحاظ نظامی تا اعماق خاک عراق پیش رفتیم ولی امپریالیسم نجاتش داد.

در لبنان هم ملتی که هیچگونه سلاحی نداشتند توانستند مجهزترین ارتش را که ارتش اسرائیل است فلج کنند. بطوریکه "آبا بان" وزیر خارجه اسرائیل و تقویرسین صهیونیست، اعتراف کرد تاریخ یهودمشا به این ضربه رانده است. بدنبال این خواری و شکست نظامی قیام "انتفاضه" (قیام مردم فلسطین) بر علیه مجهزترین نیروی نظامی شروع شد آنهم با دست خالی و سنگ و چوب.

نفس این امر که ملتها بر اساس اراده سا زمان یافته و کمترین تجهیزات دفاعی تاجا و نظامی میکنند. بسیاری از معادلات غرب را برهم زده است. بحرانی در غرب بوجود آورده که تحلیل گران و سیاست گزاران غربی در محاسباتشان پذیرفته اند که در مقابل انقلابها و مقاماتهای مردمسوار نظامی هیچ فایده ای ندارد این اعتراف در واقع بن بست استراتژیک میلیتاریزم یا صنایع نظامی غرب است که رکود صنایع نظامی را در بردارد.

آقای هاشمی در خطبه نمازگفت: بنظر نمیرسد عراق حمله ای را آغاز کند. چرا که امپریالیسم به این نتیجه رسیده است که هر تاجا و نظامی با دفاع ملتها روبرو شده و نه تنها کاری از پیش نمی برد بلکه خودمقاومت مردم بهترین تضمین برای آرامش منطقه است. در این صورت با تکیه به مردم و بالابردن عنصرمقاومت دیگر سلاحهای پیچیده که فقط با درآمدنفت تهیه می گردند اهمیت خود را از دست می دهند.

در شهریور ۲۰ پس از اشغال خاک ایران توسط روسیه و انگلیس نماینده ای در مجلس شورای ملی چنین گفت:

درکف شیرنرخون خوارهای غیرتسلیم و رضا کوچا ره ای این تصور غلط هم اکنون در ملت ما مرده است چنانکه امام رحمت الله علیه در این باره گفتند خوف ابرقدرتها در دل مردم ما ریخته است. برای مسلمین تسخیر دشمن و کوچک شمردن آن، تکبیر خدا است و این تسخیرمقاومت مسلمانان است.

وقتی می بینیم شوروی در افغانستان، اسرائیل در لبنان، عراق به کمک ابرقدرتها

## برتنامی نیروهای مترقی و مومن

### به انقلاب است که

### نهضت را برای برطرف کردن ضعفهای

### اردوگاه حق بوجود آورند.

## با یستی با حوصله و بی امان

### به پاسکازی اسلام امریکائی در درون

### انقلاب بپردا زند

در ایران، با تمامی قدرت علمی و تکنولوژیکی خود با ذلت و خواری حتی به لحاظ نظامی شکست می خورند از مرهمی حکایت میکنند و آن اینکه این تکنولوژی و علمی که آنها بدان مسلح اند تکنولوژی و علم واقعی نیست و از یک روابط انسانی درستی نشأت نگرفته است. بلکه زاییده سرکوب ملتهاست. در امر دفاع تاجا و زما دیدیم که قسمت زیادی از این علم و تکنولوژی به ملت ما منتقل گشت که حتی از کیفیت آموزشی دانشگاهها بالاتر بود ما ضد علم و تکنولوژی نیستیم بلکه خواهان آنیم که علم در خدمت روابط عالی انسانی درآید.

## ۲ - اصل عدالت و بحران تکنولوژی آمریکا

در حالیکه یأس بسیاری از نیروهای مبارز ناشی از برتری علمی و تکنولوژی آمریکا است. آیا به واقع تکنولوژی آمریکا در مقابله با اراده ملتها موفق بوده و برتر است؟

آمریکا از پیچیده ترین نوع تکنولوژی و دستگاههای مدرن در امراطلاعات و جاسوسی استفاده می نماید. به اعتراف مسئولین آمریکا این تجهیزات در مقابل بمباران انقلابات و مقاماتهای مردمی عاجز مانده است. در این زمینه رئیس سابق سازمان سیا ویلیام کیسی گفته است: که ما ضربه هایی که درخاور میانه خورده ایم از تکیه زیادمان به تکنولوژی پیشرفته بوده است. ما انسانهایی می خواهیم که کارهای اطلاعاتی ما را انجام دهند و مشکل ما مشکل انسانی است نه تکنولوژی حتی زدن ایرباس ایران هم به ادعای خودشان بحران تکنولوژی وضع انسان نبود ما نه تنها نباید در مقابل تکنولوژی غرب خودکم بین باشیم بلکه تکیه ما بر اصل عدالت است و پیشتازی ما در این است که قانون غلبه ضعیف و اندک بر قوی و زورمند قلدر را دریا بیم. و این محور است که دنیا را

تحت تا شیرخودش قرار داده است. اگر ما بتوانیم الگوی ارزشی "مدینه النبی" (ص) و آن روابط عالی انسانی را در کشورمان ایجا نکنیم. همه دنیا را تحت تا شیر قرار می دهد و تمام علوم و تکنولوژی ها در خدمت روابط عالی انسانی قرار می گیرد.

## ۳ - دموکراسی و بحران آمریکا

اصلی ترین توطئه آمریکا این است که مسلح به یک ایدئولوژی شده و در مقابل به اسلام یک مکتب ارائه دهد. ایدئولوژی داعشی آمریکا دموکراسی و تعمیم دموکراسی و طبقه متوسط است و سرسختانه از آن دفاع می نماید و ظاهرا "افتخار این را دارد که پرچم را زآزادی است."

لبنان و صحنه سیاست داخلی آن نشانگر عمیق ترین نوع بحران آمریکا است. چرا که عدم تعهد آمریکا را نسبت به ایدئولوژی نشان میدهد. ایدئولوژی ای که به اتکال آن سعی دارد با اسلام و مارکسیسم مقابله کند. آمریکا در لبنان اقلیت را در مقابل اکثریت و طائفه گری و فرقه گرایی را تا ثید می نماید. در آفریقای جنوبی نیز اقلیت سفید پوست را در برابر اکثریت سیاه پوست تا ثید می کند. آمریکا که همواره در مقابل با شوروی آزادی احزاب را مطرح می نماید در لبنان و آفریقای جنوبی وپاناما و... چه شعاری می تواند بدهد؟

## ۴ - مسیحیت انقلابی، بحرانی برای غرب

یکی دیگر از بحرانهای آمریکا ایستادگی مسیحیت انقلابی در جهان بخصوص آمریکای جنوبی است. بنیادگرایی مسیحی چنان نظام آمریکا را تهدید می کند که ریگان در ملاقات با پاپ خواهان اخراج کاردینالها و کشیشهای انقلابی شد. لازم به یادآوری است که آمریکا همواره در مقابل با شوروی، درگیری با کمونیستها را درگیری با کفر و الحاد قلمداد می کند و خود در جبهه مسیحیت و اهل کتاب قرار دارد.

## ۵ - بحران سازی امپریالیسم و تقویت

### نهادهای چریکی

امپریالیسم همیشه خود بحران زای بوده ولی اکنون از بحران می ترسد. چرا که آمریکا مسبب جنگ ایران و عراق بود ولی طی جنگ حرکتهای چریکی رشد کرد و قایقهای تندرو امنیت نفتی امپریالیسم را بهم زدند. امپریالیسم مجبور شد برای حفظ ثبات امنیت نفتی با ناوگانهای لشکرکشی کند

تنها حمله به اسکله نفعی سلمان در خلیج فارس ۵۰۰ میلیون دلار خسارت به بورس سهام آمریکا وارد آورد. تداوم بحران خلیج فارس به آمریکا نشان داد که ثبات نفتی امپریالیسم بهم خورده و برای حفظ آن باید لشکرکشی کرده و خون بدهد. انرژی نفت منطقه که زمانی به سهولت و آسانی در اختیار غرب قرار می گرفت دیگر به آسانی در چنگ آن قرار نداد و برای دستیابی به آن متحمل خسارات بسیاری است.

اگر ایجا دبحران و ادامه آن به قیمت ایجا دو تقویت تهاذهای چریکی تمام شود آمریکا عقب نشینی خواهد کرد. چرا که از نهاد چریکی بیشترین وحشت را دارد. بعنوان مثال کارتر گفته بود: آمریکا حتی یک هسته چریکی ۴ نفره را در منطقه خاور میانه نمی تواند تحمل کند.

آمریکا در طی جنگ و پس از آن از نهاد سپاه پاسداران بیشتر از خود جنگ وحشت داشت. و انحلال سپاه را مهمترین زیان جنگ می داند، چه بسا شرط آمریکا برای پایان جنگ نیز همین باشد.

#### ۶ - بحران ناتو

یکی دیگر از بحرانهای آمریکا این است که با این تحولات اخیر دنیای کمونیسم دیگر اردوگاهی بنام سوسیالیسم وجود ندارد. در نتیجه پیمان ورشو عینیت نداشته و الزامات نا توهم فلسفه وجودی خود را از دست می دهد. فروپاشی ناتو در حال و آینده بحران و رکود نظامی شدیدی برای غرب را بدنبال خواهد داشت.

#### ۷ - حاکمیت فراملیتها بردا دکستری و نهادهای دمکراتیک

جدیدترین بحران در کنگره آمریکا این بود که علی رغم شعاع دموکراسی و انزجار از تروریسم به اف.بی.آی اجازه داده شده هر کجای دنیا در جهت منافع آمریکا دست به اقداماتی حتی آدم ربایی بزند.

در تصویب این قانون کندی گفت: بدزدیدن افرادی که به اتباع آمریکا می سود قصد کردند و آوردن آنها به آمریکا و مجازات اعدام هیچ فایده ای ندارد چرا که این افراد از مرگ هیچگونه هراسی ندارند.

دخالت نظامی آمریکا در پاناما بر اساس این مصوبه کنگره است. در قضیه پاناما نیروهای آمریکا بعنوان پلیس قضایی عمل کردند. بدین معنا که دادگستری آمریکا حکم دستگیری "نوریکا" را صادر کرده و اجرای آن را به

نیروهای مسلح واگذار نموده است. بر همه روشن است دخالت نظامی آمریکا در پاناما مانند دخالت نظامی انگلیس، فرانسه و اسرائیل در کانال سوئز در سال ۱۹۵۶ می باشد. این امر نشانگر مرحله ای جدید از رشد خلقها و مرحله ای جدید در افول امپریالیسم است. بدین معنا که فراملیتها تا اعماق دادگستری آمریکا نفوذ دارند. سازمان سرکوبگر و کودتاچی سیا برکنگره و نهادهای دمکراتیک حاکمیت پیدا کرده است.

در سال ۱۳۵۹ (۱۹۸۱) کنگره آمریکا تصویب کرده بود سازمان سرکوبگر سیا می تواند هر اقدامی را که لازم می آید انجام دهد و بعداً به اطلاع کنگره برساند. هم اکنون بوش رئیس سابق سیا در سمت ریاست جمهوری ایمن مصوبات را بخوبی می تواند اجرا کند.

در حالیکه دخالت نظامی در دنیا محکوم

#### امپریالیسم تمام نیرویش را صرف براندازی جمهوری اسلامی نمود.

#### وازرشد و گسترش اسلام

#### در منطقه و جهان نمی تواند خبر باشد.

#### اگر خدایا ناکرده جمهوری اسلامی هم زیر فشارها متلاشی شود،

#### با مردم مایوس نمی گردند

#### و برای تشکیل حکومت اسلامی عمیقتر

#### تلاش خواهند کرد

شده و خود آمریکا شوروی را شدیداً "در قضیه افغانستان منزوی کرده است. دخالت نظامی در پاناما نشانگر عمق بحران و دیوانگی مسئولین آمریکا است که دست به چنین حماقتی زده است. این تجاوز آشکار آمریکا موجب شد که طرفداران خط میانه در ایران این دخالت را تقبیح کنند. لازم به ذکر است که خط میانه در ایران پایگاه آمریکا بوده و غرب به آن امیدهای بسیاری دارد.

#### ۸ - بحران تزلزل اعتماد نسبت به نظام آمریکا

یکی دیگر از بحرانهای آمریکا بحران مک فارلین و گزارش تا و ربود که بی اعتمادی مردم را نسبت به دولت ریگان بدنبال داشت و مسئولین آمریکا به دروغ گویی و بی قانونی متهم شدند. تا جایی که یکی از سناتورهای که دست اندرکار آن پرونده بود گفت: هدف ما از این با زجوشها این است که نشان دهیم نظام آمریکا قادر است هر بحرانی را در درون خود حل نماید.

آنچه ذکر گردید ابتدا بیان یک بحران

نومیدی و مایوس کننده در نیروهای مبارز بود که ناشی از خود کم بینی در مقابل غرب و تعدیل ارزشها می باشد. در یک بیان اجمالی چنین گفته شد که این بحران ناشی از ضعف نیروهای حق است یا نقطه قوت غرب. اگر نقطه قوت آمریکا است این سؤال مطرح می گردد که چرا با وجود آمریکا با شیم و بستان مبارزه کنیم؟ در پاسخ، چنین بررسی شده که تنها این تعدیل به سمت غرب ناشی از نقطه قوتهای آمریکا نیست بلکه غرب نقطه قوتی نداشته و خود دچار بحرانهای شدیدی است آنان که این تعدیل را ناشی از نقطه قوت آمریکا می دانند یا در ارزیابی اشتباه کرده اند یا سنخیت ایدئولوژیک با غرب دارند.

بدیهی است که انقلاب ما در صراط حق قرار دارد و هر حاکمیتی بود جنگ را به آن

تحمیل می کردند. چرا که یک انقلاب ضد سلطنتی بود. یک انقلاب رزشی بود. لیکن بحران انقلاب، بحران عدم انسجام در مقابل غرب است. می بایست با سرعت به بیان ضعفها بپردازیم و از بیان آن نترسیم. بحران ما، بحران ناشی از مرحله سوزی انقلاب است. بحران ما، بحران ناشی از چپ رویها، خونریزیها و تشکله زودرس دشمن است.

در این راستا گاهی به بسیج زودرس دشمن کمک کردیم و گاهی برعکس راست روی داشتیم مثلاً یک روز در خطبه های نماز جمعه خطاب به شیخ نشینهای خلیج گفته می شود: "ایها الخنازیر الخلیج یعنی" ای خوکهای خلیج" و با این جمله دشمنان بالقوه را تبدیل به بالفعل کردیم و با بسیج زودرس دشمن موجب تشکله زودرس آنها شدیم. بعد که فشاها زیاد شد بهمان خوکها گفتیم ای برادران عزیز بیاید با هم متحد شویم. بنظر ما اینها فراز و نشیب صراط مستقیم است. دنیا با انقلاب ما به خشن ترین وضعی برخورد کرد. ما بایستی

## گذشته چراغ راه آینده

خوشنود سازیم.

تذکر این نکته را لازم میدانیم که این نامه یک درد دل در رابطه با نیروهای معتقد به انقلاب و نظام جمهوری اسلامی است و به مفهوم نا دیده گرفتن و تبرئه کردن جریان‌های گه به اصل انقلاب و تشکیل حکومت اعتقادی نداشته و ندارند، نمیباشد بلکه تذکری است جهت تزکیه نارسائیهایی که در بین نیروهای انقلاب وجود دارد نگرانی ما از این است که این نارسائیهها دستاویز جریان‌های مرموز و ضد حرکت و ضد انقلاب قرار بگیرد. اگر در مواردی نیش قلم تند شده صرفاً بخاطر دلسوزی و احساس مسئولیت در رابطه با حفظ انقلاب و نظام بوده است و هرگونه استفاده غیر اصولی از مطالب این نامه در جهت شخصیت کوبی و... را رد میکنیم.

برخی از مسائلی که در شرایط کنونی موجب تعارضاتی در اذهان شده است عبارتند از:

- تقویت و گسترش جریان‌های خوشبین به غرب که رگه‌هایی از اسلام آمریکائی (فقه فردی غیر حکومتی و سرمایه داری) دارند در سطح حاکمیت و نظام سیاسی کشور خصوصاً پس از رحلت امام رضوان الله علیه.

- به گوش رسیدن زمزمه‌های رابطه با آمریکا و عربستان و امید به عفو جاسوسانی که رکشته چون را حرکوپرانگلیسی پس از پذیرش قطعنامه ۵۹۸ بدون جمع بندی صحیح از معضلات گذشته و با حفظ نارسائیهها و اشتباهاتی که ما را به اینجا رسانیده، ناگهان بحث با زسازی و استقرار خارجی بر سر زبانها می افتد و شرایط بین المللی نسبت به امکانات داخلی و نیازهای واقعی اولویت پیدا میکند.

- ایجاد فشار بر نمایندگان مجلس از طرف مختلف (مارک و برچسب و تهدید و...)

- عدم پیشرفت مذاکرات صلح بطور مطلوب در رابطه با عقب نشینی نیروها به مرزهای بین المللی

- توطئه ایجاد اسرائیلی جدید در لبنان تحت لوای طرح اتحادیه عرب جهت سرکوب بنیادگرای اسلامی.

بنظر میرسد که تحولات فوق از علت واحدی برخوردارند که در بررسی سوالات زیر به آن دست خواهیم یافت:

اول- در شرایط حاضر اصلیت ترین توطئه استکبار جهانی در ایران چه میباشد؟

دوم- تداوم راه ضد استکباری امام خمینی رحمه الله علیه در شرایط کنونی چگونه است؟

در پاسخ به این سوالات و معضلات، تکلیف خود را در شرایط کنونی با زیافته و انقلاب اسلامی را در مدار عالیتری استمرار خواهیم داد.

در آذرماه امسال از طرف آقای میثمی و دوستانشان نامه‌ای برای نمایندگان مجلس شورای اسلامی نوشته شد. در این شماره متن کامل نامه فوق منعکس می گردد. منتهی جهت سهولت در مطالعه این نامه را بدون برهم زدن نظم مطلب بشکل ۵ مقاله و یک مقدمه در آورده ایم که تحت عنوان: ۱- مراحل خزنده تحمیل قطعنامه ۵۹۸ - ۲- علل زهری بودن قطعنامه ۵۸۹ - ۳- دلایل اضطرار ما در پذیرش قطعنامه ۵۹۸ - ۴- مرز بندی اسلام آمریکایی - اسلام محمدی (ص) - ۵- چرا امام قطعنامه ۵۹۸ را یک استراتژی دانستند، تقدیم می نمائیم.

### ● طرح سوال

پذیرش تحمیلی قطعنامه ۵۹۸ که در بین وفاداران امام رضوان الله علیه به زهرنامه معروف شده است تحولاتی را در روند سیاست داخلی و خارجی و اقتصادی و نظامی فراهم آورد. متأسفانه عده‌ای آنرا بعنوان استراتژی پذیرفته شده از جانب امام معرفی کرده و راهنمای عمل نظام جمهوری اسلامی در داخل و خارج میدانند در حالی که نگاه بصیرت آمیز امام، آنرا به نوشیدن جام زهر تشبیه نمود. تا از این طریق تاثیرات منفی آنرا بر اندام انقلاب گوشزد نماید و به کینه‌های درد دل نهفته حزب الله اعلام بسیجی فراگیر تر را پیام آور باشد و نیز دلهای به شک و وارفته را جانی دوباره بخشد (پیام حج ۶۷) تا شاید به خواست خداوند با تحول در جانها، انقلابی همه گیر به گستره امت جهانی اسلام فراهم آید (پیام حج ۶۷ و پیام اسفند ۶۷) نکته‌ای که متأسفانه در وجودهای محدود ما انعکاس نیافت و در قیل و قالهای شاید آگاهانه مدفون شد ولی در بازگشت به خود و ارزیابی دوره‌ای که گذشت اکنون جوانانهای آن بذر (پیام حج ۶۷) سراز خاک بر میا ورند و با خود زمزمه‌هایی در گوشه و کنار به راه میاندازند و گاه فریادی به تقلید از ما مشان (تاکید برخی از نمایندگان در ضرورت استمرار راه و آرمانهای امام) رسالت خود را هشدار در مورد روند کنونی میدانند و در این راه چه باک از عمل به وظیفه شرعی و قانونی خویش که با رمانت آنرا بر دوش میکشند هر چند که عده‌ای آنرا "تلاش برای احیای تیزی شکست خورده" (سرمقاله روزنامه رسالت ۶۸/۷) بنا مند بنا به گفته رئیس جمهور آقای هاشمی بتاریخ ۶۸/۷/۷ و آیه الله موسوی اردبیلی در ۶۸/۶/۳۱ برخوردار نتقادی و اصلاحی نمایندگان، نشانه حیات مجلس در راه انجام وظیفه‌اش میباشد که همانا حراست از قانون اساسی است که یکی از دستاوردهای انقلاب اسلامی بوده و به قیمت خونها و فداکاریهای بسیاری بدست آمده است.

با توجه به وظیفه‌ای که در این رابطه برای نهاد مقدس مجلس شورای اسلامی قائلیم تصمیم به نگارش نامه‌ای خطاب به شما نمایندگان محترم که با رمانتی سنگین را بدوش میکشید گرفتیم تا به معضلات استراتژیک شرایط کنونی مان اشاره نموده و در جستجوی پاسخ به "چه باید کرد" چاره‌ای بیندیشیم باشد تا روح امام و شهدا را از خویشتن

(۱)

اول - در حال حاضر اصیلترین توطئه استکبار جهانی در ایران چه میباشند؟

## مراحل خرنده

### تحلیل قطعه نامه ۵۹۸

جریانی از نیروهای انقلاب

علیرغم

اطلاع از مخالفت امام و رزمندگان

در تدوین قطعه نامه ۵۹۸

باشورای امنیت

همکاری داشته اند.

● بررسی سیر ضدا مپریالیستی انقلاب اسلامی از اشغال لانه جاسوسی تا پذیرش قطع نامه ۵۹۸

انقلاب اسلامی از سه ویژگی ضد سلطنت، ضدا مپریالیسم و ضد صهیونیسم برخوردار بوده و هست. این ویژگیها در مصالحها و مواضع و عملکردها ما و سایر نیروهای انقلاب و مردم انقلابی ایران به چشم میخورد. با پیروزی انقلاب اسلامی در بهمن ماه سال ۵۷، شاه ساقط و نظام سلطنت ضربه خورده و مبارزه با بقایای رژیم سلطنتی منجملا سا واک و سرمایه داران و فئودالهای وابسته به دربار دنبال شد. این مبارزه در مسیر رشد خود به مبارزه با مرکز سازماندهی شبکه های جاسوسی استکبار جهانی در ایران یعنی لانه جاسوسی (سفارت آمریکا) انجامید زیرا تحقق عینی مبارزه با امپریالیسم در ایران عبارت از مبارزه با شبکه های جاسوسی و مغز متفکرهای شیطان در ایران (اٹمه الکفر) میباشد و چنین مبارزه ای شرایط را برای استقلال اقتصادی و ایدئولوژیک نیز مهیا خواهد ساخت.

با اشغال لانه جاسوسی، انقلاب وارد مرحله آشکار ضد استکباری (کفرستیزی) خود شد که امام بحق آنرا انقلاب دوم نامیدند. امپریالیسم که قادر به تحمل نابودی شبکه های جاسوسی خود در ایران و الگوشدن آن در منطقه که بصورت گروگانگیری جواسیس در لبنان متجلی شدند، برای جلوگیری از تداوم انقلاب دوم در ایران و گسترش آن در سراسر منطقه خاور میانه و جهان، پس از شکست کودتای نوژه و حمله نظامی به طیس، تها و زنی می به خاک ایران را به کمک عراق آغاز نمود تا شاید از طریق جنگ تحمیلی موجبات غفلت و انحراف انقلابیون را از تداوم انقلاب دوم یعنی "مبارزه با شبکه های جاسوسی" را فراهم آورد که باید به خطر چنین انحرافی پس از اتمام جنگ توجه داشت. از طرف دیگر میخواست عده ای از نیروهای سیاسی مبارز را به این جمع بندی برساند که "شیوه های انقلابی از نظراقتصادی به صرفه نبوده و گران تمام میشود و به لحاظ اقتصادی و انسانی سرمایه بر است و بایستی به راه های رفرمیستی فکر کرد" (تثوری پوپرو نویسنده گان کتاب کالبد شکافی چهار انقلاب) به هر صورت دفاع مقدس در سال هشتم خود پذیرش قطع نامه ۵۹۸ شورای امنیت مواجه گشت.

بنظر ما پذیرش قطع نامه ۵۹۸ یک نقطه عطف استراتژیک در پروسه ضدا مپریالیستی ۹ ساله انقلاب میباشد که نسبت به پروسه گذشته از ویژگیهای متمایزی برخوردار است عدم

درک این نقطه عطف و جایگاه ویژه آن موجب میگرددتا از شناخت واقعی مسیرتحوالات در ایران و منطقه عاجز مانده و دچار یک بحران عمیق استراتژیک و انفعال از تداوم انقلاب گردیم. جهت درک این نقطه عطف، به شکل گیری تدریجی آن در پروسه گذشته میپردازیم تا نسبت به توطئه های قدرتهای استکباری هوشیارتر گردیم.

۱- مراحل خرنده تحلیل قطع نامه ۵۹۸

در طول ۸ سال جنگ تحمیلی بتدریج دوگرایش در بین نیروهای خط امام در نظام شکل گرفت:

۱- جریانی که به واقعگرا معروف شد و خواهان اتمام جنگ بود.

۲- جریانی که خواهان تداوم دفاع مقدس بود.

از جریان اول، عده ای به تثوری "غیر صرفه بودن انقلاب" رسیدند این جریان فکری در سال ۶۶ با شورای امنیت در تدوین قطع نامه ۵۹۸ همکاری نموده و تثوری اتمام جنگ "نهضت آزادی" و سایر جریانات سیاسی مخالف جنگ در خارج نظام را راهنمای عمل خود قرار داد. در این رابطه تامل در مصاحبه ۶۸/۷/۴ دکتر لاریجانی با ویژه نامه روزنامه رسالت مفید است ایشان گفتند: "ما در وزارت خارجه آمدم این فکر را مطرح کردیم که تا بحال عراق متجاوز پرچمدار صلح بود اما بیاییم این را معکوس کنیم، ما بگوییم بحث قطع نامه بسیار خوب است اما بیاید روی قطع نامه برای صلح بطور جدی فکر کنیم و امروز بعضی از اصولی که در قطع نامه هست اینها در حقیقت محصول کار خود ایرانیان است. ما نندبندهای ۷۶ و ۸۰ حتی در آن متنی که پیشنهاد شده بود آن بخشهایی که تمجید از عراق و علیه ایران بود همه حذف گردید و در مقدمه قطع نامه هم عراق بخاطر حمله به مناطق مسکونی محکوم شد... ما اگر میتوانستیم سا زمان ملل دیگری تشکیل میدادیم ولی این نظرشانس عملی نداشتند و با یادر همین ترکیب فعلی فعالانه شرکت کنیم"

به استناد سخنان دکتر لاریجانی، وزارت خارجه ما علیرغم اطلاع از مخالفت امام و رزمندگان، در تدوین قطع نامه ۵۹۸ با شورای امنیت همکاری داشته است. انتظار این بود که آقای لاریجانی و همفکرانشان در وزارت خارجه نظر صریح خود را در مورد قطع نامه ۵۹۸ زهمن ابتدا برای امام و مردم مطرح میکردند ولیکن نه تنها از این ابتدا -

ثبیرین حقوق امام و امت درینج شد بلکه با توجه به جو انقلابی ایران، مراحل خزننده من جهت تحمیل قطعنامه ۵۹۸ دنبال گردید که ذیلا به مراحل فوق اشاره خواهیم کرد. البته وجود این جریان و تقویت تئوریهای آنرا نمیتوان بعنوان تنها مقصد در رابطه با تحمیل قطعنامه ۵۹۸ بشمار آورد بلکه نارسائیهها و ضعفهای جریان دوم در ارتباط با روش جنگیدن و شیوه برخورد با جناحهای داخلی و... موجب گردید تا زمینههای پذیرش قطعنامه فراهم گردد. او میدواریم که جریان دوم با منتسب کردن تمامی تقصیرات به جریان اول، ساده اندیشانه زکنا رنارسائیههای خودنگذرد. و اما مراحل خزننده تحمیل قطعنامه ۵۹۸:

مرحله اول - رد قطعنامه ۵۹۸ از سوی مسئولین وزارت خارجه پس از تصویب آن در شورای امنیت:

اطلاعیه مورخ ۶۶/۵/۱ وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی: " شورای امنیت سازمان ملل متحد با تصویب قطعنامه غیر عادلانه از ایفای مهمترین وظیفه خود در حفظ صلح و امنیت بین المللی عدول نمود... اشاره به مواد ۳۹ و ۴۰ از فصل هفتم منشور که مبنای بندهای اجرایی قطعنامه اخیر قرار گرفت نه تنها خطای گذشته را جبران نکرد بلکه در واقع مسئله مسئولیت عراق در کاربرد زور و شروع جنگ را نیز لوٹ نموده است به همین جهت قطعنامه اخیر کوچکترین اثر بازدارنده یا تخفیف دهنده ای بر جنگ تحمیلی که مسئولین آن صرفا به عهده رژیم متجاوز عراق است نخواهد داشت... وزارت امور خارجه موکدا اعلام میدارد مواضع اصولی جمهوری اسلامی در قبال جنگ تحمیلی و وضعیت حضور نیروهای خارجی در خلیج فارس به هیچوجه تغییر نخواهد کرد."

از آقای لاریجانی و اشخاصی که معتقدند مسئولین جمهوری اسلامی از همان ابتدا، قطعنامه ۵۹۸ را قبول داشتند باید پرسید که در عرض دو سال چگونه اطلاعیه بالا فراموش شده است؟ علاوه بر این در بهار سال ۶۷ آقای دکتر لاریجانی در مورد قطعنامه ۵۹۸ گفته بودند: "... ما ابتدا قطعنامه ۵۹۸ را یک نقدا ساسی کردیم این قطعنامه به سه دلیل قطعنامه ضعیفی است (۱- متجاوزا معرفی نمیکند و در نتیجه عدالت بر آن حاکم نبوده و یا لاقلا صریح نیست ۲- یک برنامه عملی عادلانه ارائه نمیدهد مثلا میگویند

آتش بس یا بازگشت به مرزها ۳- تضمینی برای آینده ندارد."

مرحله دوم - عدم رد و عدم تایید قطعنامه ۵۹۸ از سوی مسئولین سیاست خارجی جمهوری اسلامی

دکتر لاریجانی ۶۶/۷/۲۱: " ما اعلام نمودیم که این قطعنامه ضمن اینکه میتواند شروع تخاصم، هجوم و فشاری علیه ایران باشد (که در آن صورت پاسخ ما بطور قاطع منفی است) حاوی عناصر مثبت نیز هست"

آقای جعفر محلاتی (کیهان ۶۷/۲/۲۶): " قطعنامه ۵۹۸ شامل بندی بود که مهمترین خواسته ما را تا مین میگرد و آن اینکه دبیرکل موظف است که کمیتهای برای تعیین متجاوز تشکیل دهد و جود این نقطه مثبت، وزارت امور خارجه را بر آن داشت تا قطعنامه را بکلی رد نکند"

مرحله سوم - پذیرفتن طرح اجرایی دبیرکل که هیچ اختلافی از نظر بنیادی با قطعنامه ۵۹۸ نداشت

پذیرش طرح اجرایی دبیرکل در واقع نوعی تسلیم غیر- مستقیم در مقابل قطعنامه ۵۹۸ بود. آقای ولایتی طی نامه ای به دبیرکل قبل از پذیرش رسمی قطعنامه گفته بودند که قبول طرح اجرایی دبیرکل از جانب ایران منافاتی با پذیرش قطعنامه ۵۹۸ ندارد. آقای لاریجانی در تاریخ ۶۶/۹/۱۰ گفتند: " اگر آنها در مورد اجرای قطعنامه ۵۹۸ فکرمیکنند، باید به این مطلب توجه کنند که ایران اجرا شدن طرح دبیرکل را قبول کرده و مطابق با این تفکر در جهت دستیابی به این روند عمل میکند."

مرحله چهارم - پذیرش رسمی قطعنامه ۵۹۸

پس از طی مراحل تدریجی و زمینه سازیهای فوق، مسئولین سیاست خارجی در طول یک سال از مخالفت کامل با قطعنامه به موافقت کامل رسیدند و بدلیل نارسائیهایی که نیروهای معتقد به تداوم جنگ داشته و به اصلاح آن اقدام نکردند این قطعنامه هماهنگ با فشارهای بین المللی به امام و امت تحمیل شد. جهت اطلاع بیشتر رجوع شود به مقاله "دیپلماسی جمهوری اسلامی و قطعنامه ۵۹۸" مندرج در راه مجاهد شماره ۵۰ آذر و دی ۶۷

با توجه به جوانقلابی ایران ،

قطعنامه ۵۹۸

در یک سیر خزنده

به امام و امت تحمیل شد

(۲)

اول -- در حال حاضر

اصلترین توطئه استکبار جهانی در ایران چیست ؟

## علل

# زهر بودن قطعنامه ۵۹۸

۲- علل زهر بودن قطع نامه ۵۹۸

در تاریخ حیات استعماری جهان غرب تاکنون، چهار جنگ عمده بوقوع پیوسته است جنگ اول و دوم جهانی که در واقع جنگ بین قدرتها بود، جنگهای ویتنام و کره و جنگ اعراب و اسرائیل که از اولین صف آرائیها بین خلقهای جهان سوم از یک طرف و دنیای استکبار از سوی دیگر محسوب میشود و جنگ ایران و عراق که بین مستضعفین انقلابی ایران از یک طرف و عراق و اسرائیل و آمریکا و انگلیس و فرانسه و شوروی و مصر و عربستان و بطور کلی سراسر جهان استکبار از طرف دیگر بشمار میرود. یکی از اساسیترین وظایف نیروهای انقلابی ایران و جنبشهای آزادیبخش سراسر جهان، جمعبندی از تحارب این جنگ که در حکم آغاز جنگ سوم جهانی بوده است میباشد. ارزشهایی که در این جنگ ۸ ساله آفریده شد و تجاربی که بدست آمد میتواند رهگشای جنبشهای آزادیبخش قرار گیرد.

پذیرش قطعنامه ۵۹۸ از جانب ما، در حکم یک شکست نبود چرا که امام از طریق زهرنا میدن قطعنامه آنرا از مشروعیت و مقبولیت ایدئولوژیک انداختند ولیکن در حدیک ضربه مطرح بوده و بایستی زمینههای داخلی آن مورد ریشه یابی و اصلاح قرار گیرد. ماهنوز در دفع تجاوز خود شکست نخورده ایم، ولیکن غرب با قطعنامه ۵۹۸ قصد دارد تا پس از طی مراحل استراتژیک موجب شکست جمهوری اسلامی و سقوط آن گردد به همین جهت برای حفظ نظام محصول انقلاب و برای تداوم پیروزیهای جنگ ۸ ساله، بر تمام انقلابیون لازم است تا با درک اصلترین توطئه استکبار جهانی در شرایط حاضر، هوشیاری خود را بالا ببرند این روزها بطور گام بگام و خزنده ای، ارزشهای جنگ و اصل انقلاب به زیر سوال میرود. زیرا لازمه ثبات منافع غرب "انقلاب زدایی" است بنظر میرسد نگارش مقاله "نکته" در روزنامه اطلاعات نسنجیده و بدون حساب و کتاب نبوده است آقای دکتر لاریجانی طی مصاحبه ای با ویژه نامه - رسالت ۶۸/۲/۴ دزرا بظه با جمع بندی جنگ گفته اند: "بنظر من ما در دو بعد ضعیف بودیم... یکی ضعف در دیپلماسی فعال که لازمه جنگ بود و دیگر در بکارگیری همه امکانات کشور در مسیر جنگ... شاید ما در تهیه مقدمات و لوازم جنگ

گرایش دوم که در تداوم مقاومت و سازش ناپذیری ۸ ساله امام و امت، جهت تقویت انسجام و وحدت داخلی بدنبال کشف ضعفهای گذشته و اصلاح آنها بود. این جریان فکری روی سخنان امام تاکید داشته و دارد که گفتند: "و اما در مورد قبول قطعنامه که حقیقتا مسئله بسیار تلخ و ناگواری برای همه و خصوصا برای من بود این است که من تا چند روز قبل معتقد به همان شیوه دفاع و مواضع اعلام شده در جنگ بودم و مصلحت نظام و کشور و انقلاب را در اجرای آن میدیدم ولی بواسطه حوادث و عواملی که از ذکر آن فعلا خودداری می کنم و به امید خدا و ندر آئینده روشن خواهد شد و با توجه به نظرتما می کارشناسان سیاسی و نظامی سطح بالای کشور که من به تعهد و دلسوزی و صداقت آنان اعتماد دارم با قبول قطعنامه و آتش بس موافقت نمودم"

این عده با استناد به سخنان فوق معتقدند که امام از ابتدا با قطعنامه ۵۹۸ مخالف بوده و آنرا زهری کشنده برای انقلاب و نظام میدانستند ولیکن بنا به مصلحتی برای تداوم مبارزه و ایجاد آزمایش، آنرا پذیرفتند بنا بر این فوریتترین کار خود را تلاش در جهت شناسایی علل تحمیل شدن قطعنامه ۵۹۸ و درک سمیت و کشندگی آن میدانند متاسفانه در روزنامه های یومیه و مواضع علنی شخصتهای سیاسی هیچ اشاره ای به مواضع امام رضوان الله علیه درباره زهر آگین بودن قطعنامه ۵۹۸ نمیشود. علیرغم انتقادات فراوان و تنیدی که این روزها در مجلس صورت میگیرد به این موضوع بنیادی اشاره ای نشده است و حتی گاهی به پذیرش آن افتخار نیز شده است. امام در آستانه رای اعتماد به وزارت آقای محتشمی در پاسخ نامه آقای سرحدی زاده، آقای محتشمی را تا بید کردند در حالیکه یکی از اتهامات وارده به ایشان، مخالفت با قطعنامه ۵۹۸ بود و همزمان با رای گیری نیز بر مواضع خود در مورد قطعنامه ۵۹۸ تاکید داشتند.





میدانند، حاضر به اشتراک منافع هستند؟

در جمع‌بندی برخی از شخصیت‌های سیاسی، جنگ دفاعی ما خانما نمود معرفی شده و علت خرابی‌های اقتصادی کشور به جنگ و گاه انقلاب نسبت داده میشود. برخی قصد دارند تا از طریق این جمع‌بندیها، اصل مقامت در مقابل تجاوز و اصل استقلال و... را عوامل خرابی کشور معرفی نموده و از این طریق بین مردم طبقه‌سازی کنند. طبقه‌ای که پشتوانه رابطه با غرب و تنفر از هرگونه حرکت و انقلابی باشد چنانچه انجمن حجتیه‌نیز که رهبری آن در دوران نهضت ملی شدن نفت، سیاسی بود پس از کودتای ۲۸ مرداد تمام انقلابات را روبه زوال دانسته و از همین جمع‌بندی، ضد هر نوع حرکت و انقلاب شده و جناحی از دربار را زانها حمایت میکرد.

با کمی تأمل خواهیم دید که "واقع‌گرایان خوش‌بین به غرب" قادر به اداره یک کشور انقلابی نمیشوند. چرا که

### پس از

### پذیرش تحمیلی قطعنامه ۵۹۸

### غرب بطور نسبی

### از درگیری با ایران خلاص شد و

### صدام

### نیروی نظامی خود را در لبنان

### جهت کمک به ما رونیه‌ها بسیج نمود

بدون درآمد نفت و برنامه‌های توسعه اقتصادی متکی بر بازارهای جهانی نمیتوانند حکومت کنند به همین جهت "گرایش به غرب" را یک واقعیت غیرقابل اجتناب دانسته و آن را رد نمیکنند. این عده از ناتوانی خود در اداره انقلابی یک کشور، اصل دفع تجاوز و انقلاب را زیر سؤال برده و سعی در ارائه خط "مصالحه" با غرب به جای انقلاب بیگری دارند به همین جهت در بررسی علل داخلی نابسامانیهای اقتصادی، مقصراصلی را در وجود جنگ ۸ ساله میدانند در حالیکه تئوریهایی عقیم این جریانات از ارائه یک استراتژی جهت تحولات سیاسی-اقتصادی یک کشور انقلابی عاجز بود و بدلیل اینکه سایر کیفیتهای انقلابی نیز با انگ و مارکهای گوناگون تصفیه و منزوی میشدند و پرونده‌سازی بصورت شیوه‌ای برای تصفیه حسابهای سیاسی درآمده بود طبق نظام از کمک استعدادهای در داخل نیز بی‌نصیب میماند. پیمانهای اقتصاد مدینه را در حال ۳ سال جنگ احیا نمودند در شرایط صلح، اصولاً تا زمانیکه حق وجود دارد دور شد میکند باطل نیز دست از توطئه و حمله برنمیدارد. بنابراین بایستی به تئوریهایی شکوفایی اقتصادی در حال جهاد باطل فکر کرد، والا با تئوریهایی اقتصاد کلاسیک غرب که با هر نوع جهاد مبارزه‌ای از هم میپاشد، نمیتوان انقلابی زیست یا بایستی در "انقلاب" تجدید نظر کرد و یا در

اصرار داشتیم که با بودجه‌ای که داریم بجنگیم. البته این اصل بسیار خوبی است... در عین حال من معتقدم اگر در مراحل که نقش امکانات و لوازم حساس بود (نه همیشه) چندان اشکالی نداشت که ما حتی از جایی بتوانیم قرض بگیریم یا نفتمان را پیش فروش کنیم و آن معادلات را تهیه کنیم... ما میبایست از همان ابتدای تجاوز، فعالانه در شورای امنیت شرکت میکردیم و طرحهای مختلف صلح را خودمان پیشنها میدنمودیم... منشور سازمان ملل بدون نقص نیست اما همین که هست اگر خوب کار شود باز به نفع کشورهای جهان سوم است... بهر حال ما نتوانستیم یک مکانیزمی را طراحی کنیم و پیش ببریم که جبهه دشمن را تقسیم و تجزیه کنیم. البته لازمه این سیاست، داشتن قدرت مانوری است که گاهی با یک کشور مترصرت صحبت کنیم و با دیگری با شدت، این قدرت مانور عملاً از وزارت خارجه گرفته شده بود. حتی به محض اینکه راجع به یک دولت صحبت نرمی میشد، یک دفعه هجوم تبلیغاتی آغاز میگشت که این یک نوع مداخله و سازشکاری است"

مهندس آخوندزاده کارشناس دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت خارجه در تاریخ ۶۸/۹/۲۹ طی مصاحبه‌ای با روزنامه رسالت در مورد ضرورت ایجاد تحولاتی سیاسی در داخل برای پیشرفت مذاکرات صلح گفتند: "اگر این گفته کارشناسان سازمان ملل را بپذیریم که اجرای تصمیمات این سازمان بستگی به "واقعیت‌های سیاسی" دارد و نه الزامات حقوقی و اخلاقی و اصولاً تصمیم‌گیری این سازمان نیز بر همین پایه و اساس استوار است در این صورت جمهوری اسلامی ایران برای رسیدن به اهداف خود میباید تمامی هم خود را جهت دستیابی به یک وضعیت مطلوب سیاسی بکار بندد... باید مجموعه امکانات و توانهای کشور به نحوی تنظیم گردد تا ضمن رعایت مصالح کلی نظام و پاسداری از ارزشهای این انقلاب با ردیگرها معاً بین الملل و خصوصاً شورای امنیت سازمان ملل... نسبت به وضعیت موجود عکس‌العمل نشان دهد."

دکتر لاریجانی نیز در همین مصاحبه در رابطه با راه حل شکستن بن‌بست مذاکرات گفتند: "... مهمترین عاملی که در اختیار ما هست و باید انجام دهیم این است که اولاً به کشورهای منطقه فهمانده شود که فرصت طلایی صلح را از دست ندهند... نکته دیگر این است که کشورهای منطقه را متوجه این امر بنماییم که در منطقه منافع دارند و به آنها بی‌هم که در منطقه از نفت استفاده میکنند و برخی کشورهای اروپایی که نفوذهایی در منطقه دارند آنها هم به شدت از تشنج آسیب خواهند دید"

بنظر میرسد با توضیح این مسئله که "واقعیت‌های سیاسی" مطلوب شورای امنیت (آمریکا، انگلیس، فرانسه، چین و شوروی) در ایران چه میباشد که ما میبایست آن را برای پیشرفت مذاکرات صلح مهیا سازیم، بسیاری از ابهامات حل و رفع خواهد شد. امیدواریم معتقدین راه‌حلهای فوق روشن سازند که دستیابی به صلح از طریق اشتراک منافع با جناحهای نفتی امپریالیسم و عربستان و سایر کشورهای وابسته در منطقه برای یک انقلاب چگونه امکانپذیر است و آیا آنها با انقلابی که وجودش را در تضاد با منافع خود

تئوریهای توسعه اقتصادی کلاسیک غرب. یا بایستی "انقلاب را با زسازی" کرد و یا به "بازسازی انقلابی" پرداخت. در همین رابطه آقای زنجانی رئیس سازمان برنامه و بودجه. اخیراً طی یک مصاحبه تلویزیونی بدین مضمون گفتند که هرگاه ما آمدم برنامه ریزی کنیم مسئولین گفتند برای شرایط صلح برنامه بریزید، زیرا جنگ بزودی تمام میشود. ما هم، چنین کردیم ولی جنگ تمام نشد و یک برنامه ریزی بر اساس صلح در شرایط جنگی ریخته شد. که موجب بسیاری از نابسامانیهای اقتصادی گردید.

حال باید از خود سوال کنیم که دفاع شرافتمندانه ما موجب خسارتهای اقتصادی شده است یا فقدان برنامه ریزی منطبق با شرایط؟

غرب از طریق قطعنامه ۵۹۸ سعی دارد تا تمام ارزشهایی که در تاریخ ضد استعماری سده اخیر و خصوصاً سال دفاع تجا و آفریده شده را نابود سازد. ذیلاً اشاره به محورهای از توطئه فوق میکنیم:

۱- در تاریخ نهضتهای صدساله اخیر، منافع استکبار جهانی در ایران مدام در حال تهدید و بی ثباتی بوده است از نهضت تنباکو گرفته تا مشروطه و نهضت ملی و قیام ۱۵ خرداد و مبارزات مسلحانه علیه رژیم سلطنت و انقلاب اسلامی و اشغال لانه جاسوسی و ۸ سال دفع تجاوز، یک فرهنگ انقلابی ریشه داری در ایران تثبیت شده که وجود این فرهنگ، ثبات و امنیت منافع استعماری غرب در ایران و منطقه را تهدید میکند. با وقوع انقلاب اسلامی تمام تئوریهایی غربی به این جمع بندی رسیدند که علت سقوط رژیم شاه در این بود که فرمهای اقتصادی سال ۴۱، فاقد نهادهای سیاسی لازمه بوده است و شتاب و ناهمگونی رفاه اقتصادی نسبت به تفکرات سیاسی ثبات بخش به آن، موجب وقوع قیام ۲۲ بهمن گردیده است (ر- ش به کتب ایالات متحده آمریکا، ایران، جنگ سرد- هزیمت نوشته مایکل له دین و ویلیام لوئیس- غرور و سقوط نوشته آنتونی پارسونز)

بنظر میرسد که

غرب با زنده نگه داشتن

اهرم فشار نظامی "صدام"، رجوی

و حالت نه جنگ نه صلح

بدنبال آنست که

سایر مفا دزهر آکین قطعنامه

(ماده ۸ و ماده ۷)

را تحقق بخشد.

با این جمع بندی، خط آمریکا پس از انقلاب و در حال حاضر این است که قبل از برقراری روابط با ایران و اعطای استقراض و اتمام جنگ و... نهادهای سیاسی لازم را در ایران بعنوان عامل ثبات منافع خود در درآمدت تقویت نمایند و سپس اقدام به سرمایه گذاری اقتصادی در ایران کنند تا خطری سرمایه اش را تهدید ننماید. بهمین جهت تا زمانیکه این فرهنگ انقلابی از طریق تئوریهای با اصطلاح واقع گرایانه در کادران سجام قطعنامه ۵۹۸ زیر سؤال نرفته و نابود نشده است و تا زمانیکه تمام افرادی که حتی یک گلوله در جنگ علیه آمریکا و انگلیس و اسرائیل پرتاب کرده اند توبه نکرده و تمام جریانات توده ای ضد آمریکا با جان و دل از سرمایه داری جهان خوار غرب به رهبری آمریکا برای ورود و برقراری روابط با ایران دعوت به عمل نیاورده اند و نیروهای با هویت و انقلابی محاکمه و یا تصفیه و سرکوب نشده اند، غرب اختیاراً مذاکرات صلح را ازین بست خارج نمیکند و فشار نه جنگ نه صلح را مانند شمشیر دمکلس بالای سر مسئولین جهت انجام تحولات فوق الذکر نگه خواهد داشت بنظر ما "واقعیات مطلوب سیاسی" شورای امنیت انجام چنین تحولات انقلاب نا بودکن در ایران است. طبعاً با نابودی این فرهنگ انقلابی و تعطیل سایر صحنه های انقلابی در لبنان و سایر مناطق قیام خیز به کمک ایران، نظام جمهوری اسلامی از پشتوانه های داخلی و منطقه ای عاری شده و بشدت بی ثبات خواهد گشت در رابطه با این توطئه "والتر لاکر" از تئوریهایی آمریکا در کتاب "ایالات متحده آمریکا، ایران، جنگ سرد" گفته که تلاش غرب باید این باشد که بحران (انقلاب) ایران را به ضد بحران در منطقه تبدیل کند یعنی بواسطه انقلاب ایران انقلابات منطقه را سرکوب کنند این خط تحت لوای نقش ایران در آزادسازی گروگانهای موجود در لبنان دنبال میشود. جرج بوش نیز اخیراً طی سخنرانی در کنگره آمریکا بدین مضمون گفت که تیرگی روابط ایران و آمریکا بخاطر وجود یک فرهنگ تاریخی در ایران میباشد که حل آن به خود ایرانیها مربوط است.

۲- یکی از ارزشهای جنگ بی اعتبار نمودن شورای

امنیت ابر قدرتها و سازمان ملل بود که منشا بسیاری از حرکت های مستقل بدون تکیه به شرق و غرب میشد. توجه داشته باشیم که سازمان ملل چیزی جز تجمع قدرتهای شرق و غرب نمیشد که آقای دکتر لاریجانی نیز دبیر کل را مولفه توافقات ابر قدرتها میدانند که مصاحبه ایشان را خواهیم آورد بنا بر این بایستی در عین حضور در این سازمان به آن تکیه استراتژیک نکرد البته برخی در شعار چنیین مدعایی دارند ولیکن در عمل با راهنمای عمل کردن قطع نامه ۵۹۸ برای حل بحران جنگ، به شورای امنیت به حدی تکیه استراتژیک کرده اند که برای جلب نظر شورای امنیت و جناحهای نفتی غرب شعار "ایجاد شرایط مطلوب سیاسی" در ایران را سر میدهند. خلاصه اینکه قطعنامه ۵۹۸ موجب احیاء سازمان ملل در رسیدگی به اختلافات منطقه ای و جهانی میگردد.

با ایران خلاص شده و صدام نیروی نظامی خود را در لبنان جهت کمک به ما رونیها بسیج نمود. تا جائیکه اتحاد قدرتها موجب تهیه طرح اتحادیه عرب جهت ایجاد اسرائیل دوم در لبنان شد. روش سرکوبی که استکبار جهانی علیه گسترش بنیادگرایی اسلامی بکار گرفته، این است که خاکریز به خاکریز جلو برود. زیرا در آن واحد قادر به درگیری در نقاط مختلف جهان بطور منسجم نمیشد، غرب با تحمیل قطعنامه ۵۹۸ قصد دارد تا دست جمهوری اسلامی را در کمک به نهضت‌های آزادیبخش با لایح شیعان مبارز لبنان بسته و پس از تحریم اقتصادی - تسلیحاتی حزب الله لبنان به سرکوب آنها اقدام نماید. سپس بطور متمرکزتر فشار بیشتری روی انقلاب و نظام جمهوری اسلامی وارد سازد رژیم عراق نیز از فرصتی که قطعنامه به وی داده است جهت سرکوب کردهای عراق و کمک به مارونیهای لبنان و تقویت رجوی استفاده نمود تا جبهه کفر جهانی را از این طریق در مقابل جبهه مستضعفین تقویت کند. تنها سودی که پذیرش قطعنامه ۵۹۸ برای ما داشته است اثبات جنگ طلبی صدام و پوچی ادعای صلح خواهی سازمان ملل و رفع ساده اندیشیهای برخی از نیروهای داخلی نسبت به این مجامع امپریالیستی بوده است. غرب نیز حاضر به تحمل انقلاب ایران نبوده و تاکنون هیچ قدمی جهت پیشرفت مذاکرات صلح برنداشته است.

۵- در مقام و مت ۸ ساله، صالحترین فردی که بعنوان جانشین امام رضوان الله علیه از جانب مردم و خبرگان گزینش گردید، آیه الله منتظری بود چرا که ایشان تا آخرین لحظه بر استمرار مقام و مت قاطعیت داشته و با اقتدا به رهبری امام، منشاء بسیج طلاب به جبههها بودند. اصرار ایشان از ابتدای پیروزی انقلاب تاکنون در امر خودکفایی با تکیه بر روستا و کشاورزی و حمایت از نهضت‌های آزادیبخش و مبارزه با دستهای مرموز موجب شد تا امام خمینی بسیاری از مسائل حکومتی مثل تعزیرات و احتکار و... را به ایشان ارجاع نمایند. این ارجاعات فقهی ملاکی بود برای صلاحیت و علمیت ایشان، بعد از امام ولی با پذیرش زهرنا ۵۹۸ بدلیل جوهر انقلابی زدایی آن طبعاً آقای منتظری نیز توانایی عمل در کادر قطعنامه را نداشتند و به همین دلیل بود که طرفداران اجرای مفاد زهر آگین قطعنامه ۵۹۸، نامه ۶۸/۱/۸ امام رضوان الله علیه را نیز قبول نداشتند و به مفاد آن عمل نمیکنند. بر اساس قطعنامه ۵۹۸، تز جهانی اسلام و صدور انقلاب و حمایت از نهضت‌های رها شیبخش کمرنگ و بیرنگ خواهد شد. و تز کسانی حاکم میشود که در قضیه مکفارلین و پذیرش قطعنامه ۵۹۸ فعال بودند. این تز دووجه دارد. یکی "بازسازی" و دیگر "تنش زدایی" یعنی از بین بردن تمام عواملیکه غرب روی آنها حساسیت دارد. منجمله گروگانگیری جوایس در لبنان، امید به عفو جاسوسانی چون کوپر، امید به پیمانهای منطقه‌ای، جهت حفظ امنیت صادرات نفت به غرب.

غرب حساسیت زیادی روی جنگ داشت اگرچه خود آنرا شروع کرده بود ولی در این اواخر، امنیت نفتی منطقه

۳- در طول ۱۵ سال انقلاب و ۸ سال دفع تجاوز، افتخار میگردیم که بدون تکیه استراتژیک به شرق و غرب و بدون استقرار خارجی و حتی در صورت بمباران مراکز نفتی و موشکی ران شهرها نیز قادریم در مقابل امپریالیسم ایستادگی کنیم و کشور را اداره نماییم. در کنار این مقاومت، حرکت‌هایی در بین برخی نیروهای سیاسی داخل ایران و منطقه وجود داشت که برای جلب حمایت آمریکا با هم مسابقه میدادند. حرکت عرفات برای جلب حمایت آمریکا جهت مبارزه با اسرائیل در همین راستا بود. بین رجوی و سلطنت طلبها نیز رقابت وجود داشت حتی یکی از سنا توره‌های آمریکایی در مصاحبه‌ای با بی بی سی بدین مضمون گفت که شورای مقاومت راه گزارش کردن و ارتباط با ما را میدانند و اطلاعاتی که در مورد ایران به ما داده، دقیقتر از اطلاعات وزارت خارجه ماست ولی در مقابل جمهوری اسلامی با ما ارتباطی ندارد دیگر گروه‌های مخالف هم نحوه گزارش کردن به ما را میدانند. سنا تور فوق رهبری نامه ۱۸۶ نماینده کنگره در دفاع از سازمان رجوی را به عهده داشت. کسانی که از همان ابتدا قطعنامه ۵۹۸ را قبول داشتند میگفتند رجوی میخواهد با جلب حمایت غرب، جمهوری اسلامی را ساقط کند. ولی ما با بستن چند قرارداد اقتصادی آنها را از فرانسه اخراج میکنیم این جریان‌ها در طول جنگ نیز برای جلب حمایت غرب جهت حذف صدام و اتمام جنگ، در مذاکرات مکفارلین فعال شدند و حتی عملیات نظامی را جهت سرعقل آمدن غرب عقب میانداختند. غرب نیز از این فرجه‌ها جهت تجهیز صدام استفاده مینمود. بنظر میرسد پس از پذیرش قطعنامه ۵۹۸، سردادن شعار آزادی گروگانها در لبنان و خط عفو را جرکوی پرو... اقداماتی است که برای جلب حمایت غرب جهت پیشرفت مذاکرات صلح و بهبود روابط انجام میپذیرد که نهایتاً قصد آب کردن یخهای روابط با غرب را دارد.

با توجه به مبنای استراتژیک قطعنامه ۵۹۸ در مورد اصل "انقلاب" (نه تنها جنگ) برخی تجدیدنظرها جالب توجه میباشد. در طول جنگ افتخار تمام مسئولین این بود که برخلاف عراق و امی به دنیا ایستکبارنداریم. حال این نقطه قوت نظام براحتی زیر سوال میرود آقای امین دلیری مدیرکل دفتر روابط اقتصادی با کشورهای خارج و مجامع بین المللی در مصاحبه‌ای با روزنامه رسالت ۱۹/۷/۶۸ گفتند: "... اکثر کشورهای صنعتی و ام دار هستند بی و ام بودن افتخار نیست حتی مدیریت و ام خود بحثی مفصل است... درخواست و ام از سوی ایران بستگی به عوامل مختلفی دارد که مهمترین آنها سیاست و برنامهریزی مسئولان کشور برای بازسازی اقتصادی است و در این زمینه بحث‌هایی صورت گرفته است."

۴- مقاومت مادر جنگ ۸ ساله بدلیل ایجاد مشغله برای قدرتها استکباری، موجب کاهش نسبی فشار غرب نسبت به لبنان، پاکستان، کردستان عراق و فلسطین و افغانستان و سایر مناطق قیام خیز گردید. ولیکن پس از پذیرش تحمیلی قطعنامه ۵۹۸، غرب بطور نسبی از درگیری

## پذیرش قطعنامه ۵۹۸ از جانب ما در حکم یک شکست نبود چراکه امام از طریق زهرنا میدان قطعنامه آنرا از مشروعیت و مقبولیت ایدئولوژیک انداختند ولیکن در حد یک ضربه مطرح است

بخشند. غرب به تبع پیشرفت روند فوق، مذاکرات را از بن بست دلخواهش خارج میسازد. بعبارت دیگر در بن بست مذاکرات، عراق به تنهایی نقش نداشته، بلکه یک توطئه بین المللی در کار است تا ما را وادار به توبه از اصول و رویه های انقلابی نماید و مردم را منفعل کنند و بقولی "واقعیت مطلوب سیاسی" خود در ایران را مهیا سازند. سخن نظیف جاسم وزیر اطلاعات عراق را باید جدی گرفت که در سال ۵۹ گفت: "تلاشهایی که در دست اقدام است تا زمانیکه در ایران یک دولت (دیگر) روی کار آید ادامه خواهد یافت"

ریگان نیز در این رابطه طی مصاحبه ای با خبرنگاران ارشد چهارشنبه بزرگ آمریکایی در ۱۳/۹/۶۶ (مندرج در راه مجاهد ۴۶) با گستاخی کاملی گفت: "... من هنوز هم نمیپذیرم که قبول تقاضای افراد، نه افرادی که در داخل دولت هستند و نه نیروهای دولتی، بلکه قبول تقاضای افرادی عادی برای بحث پیرامون امکانات یک حکومت آینده ایران به شکلی که با ایالات متحده دارای روابط بهتر و مناسبتری باشد، من نمیپذیرم که اجابت یک چنین تقاضایی برای من، برای برقراری تماس با یک چنین افرادی، یک رسوایی محسوب میشود... افرادی که ما با آنها مراوده داشتیم هرگاه را ز آنها بیرون میروند و اگر آیه الله (امام) با خیر میشدند زندگی آنان تا قبل از فرود آمدن شب نیز بطول نمیانجامد."

طرح بحثهایی چون مقاله "نکته" و... بی ارتباط با همین توبه ها و ارائه تضمینهای لازم جهت پیشرفت مذاکرات صلح نمیشد چراکه و قتی با پذیرش قطعنامه ۵۹۸ از اطاعت ولایت فقیه به اطاعت ولایت شورای امنیت جهت حل بحران جنگ شش دهیم طبعاً برای خروج مذاکرات از بن بست نیز باید جلب رضایت قدرتها مورد توجه قرار گیرد.

در پر تو قطعنامه ۵۹۸ طبعاً کسانی در نظام تقویست خواهند شد که وحدت عمیقتری با قطعنامه داشته و قادر به اجرای مفاد آن باشند. استعفا، کنارگیری، انفعال یا حذف پیروان امام از نظام با چنین مکانیزمی تحقق خواهد یافت. یا بهترین نیست که نمایندگان محترم بجای انتقادات تند به این یا آن شخصیت، به ریشه برخی بقیه در صفحه ۳۷

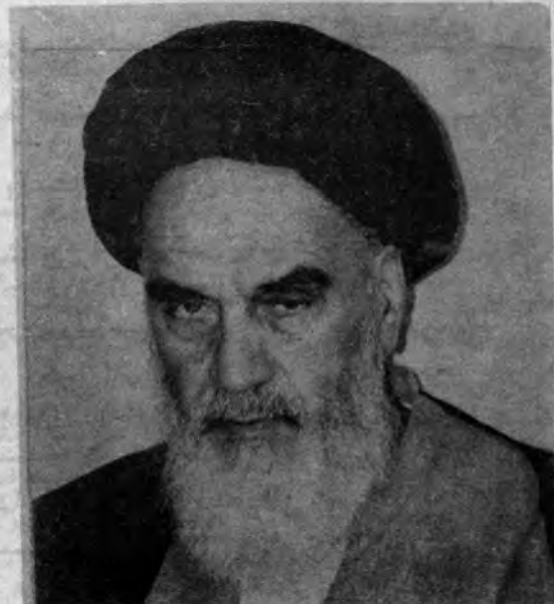
توسط جنگ شدیداً به خطر افتاده بود و دیدیم که حمله نظامی ریگان به اسکله سلمان موجب سقوط قیمت سهام شده و میلیاردها دلار به آمریکا ضرر زد چرا که سه چهارم حجم تجارت جهان را "نفت" تشکیل میدهد به همین جهت است که غرب بیشترین حساسیت را روی ارگانهای اداره کننده جنگ و در رأس آن بسیج و سپاه دارد و نمی تواند به انحلال یا بی محتوا کردن این نهادها فکر نکند چرا که موجودیت سپاه پاسداری از انقلاب اسلامی در ایران و منطقه میباشد که غرب با این موجودیت مخالف است

۶- هشت سال دفاع مقدس، دفاع از ارزشهای انقلاب را بسیار سهل کرده بود و افراد متعددی در لاسوزرا در حاکمیت و نظام سیاسی کشور تقویت مینمود ولیکن با پذیرش قطعنامه ۵۹۸ دفاع از انقلاب مشکل شده و "واقع گرایان خوش بین به غرب" پروبال گرفته اند و در واقع قطعنامه روندی است که سعی در استحاله تدریجی نظام از خط انقلابی امام به خطوط میانه روانه و در نهایت وابسته نمودن بیشتر کشور به غرب را دارد.

● غرب در قالب قطعنامه ۵۹۸ براندازی جمهوری اسلامی را دنبال میکند

بنظر ما، نظام جمهوری اسلامی که قطعنامه ۵۹۸ را در چهارچوب "پایان جنگ" (آتش بس و عقب نشینی نیروها به مرزهای بین المللی) پذیرفته است بایستی نسبت به توطئه غرب که هدفش از بین بردن "انقلاب" است هوشیار باشد. بعنوان مثال همزمان با پذیرش قطعنامه ۵۹۸ مقوله "بازسازی" قبل از هر نوع جمع بندی از گذشته مطرح و به دنبال آن نقش کشورهای خارجی در بازسازی و استقرار رایج نیز مطرح گشت. آیه الله منتظری طی مصاحبه ای به مناسبت سوگ امام رضوان الله علیه بتاريخ ۲۹/۳/۶۸ چنین گفتند: "در آخرین ملاقات که با ایشان (امام) داشتم اعلی الله درجاته و آقای حاج احمد آقا و داماد ما آنجا بودند من به ایشان اول مسئله استقرار خارجی که بر سر زبانها افتاده و عوارض منفی آن را عرض کردم که این چیز بدی است و با آن شعارهای استقلال و نه شرقی و نه غربی ما منافات دارد و موجب وابستگی سیاسی، اقتصادی و فرهنگی به شرق و غرب میشود و مرحوم سعیدی هم به همین جهت شهید شد که ایشان قبول فرمودند و بعد مسئله جنگ داخلی لبنان و انتظار دخالت و اقدام از ناحیه ایشان که امام مسلمین هستند را به عرض ایشان رساندم."

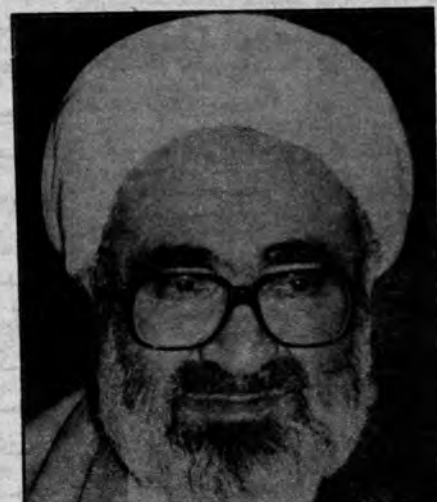
بنظر ما، خط مشی برانداز غرب علیه انقلاب و نظام جمهوری اسلامی تغییری نکرده است و بنظر میرسد که اکنون در قالب سیاسی نظامی و جبهه زهر آگین قطعنامه ۵۹۸ دنبال میشود. با این شرایط بنظر میرسد که علت عدم توفیق و عدم پیشرفت در مذاکرات صلح نیز زنده نگه داشتن اهرم فشار نظامی صدام - رجوی است تا با حفظ حالت "نه جنگ نه صلح" موجب عدول ما از آرمانهای انقلاب گردند و سایر مفاذ قطعنامه مثل ماده ۸ (تشکیل اتحادیه امنیتی با همکاری عربستان و سایر دول وابسته در منطقه) ماده ۷ (باز سازی ایران از طریق کمک و مشارکت خارجیها) را تحقق



از آنجا شیکه اخبار و اطلاعات صحیح (کما هی - هما نظور که هستند) تحلیلها را با رور مینماید، بر آن شدید مجموعه ای از اخبار مهم را در بخشی از نشریه که به اینکا را اختصاص داده ایم، درج نمائیم. اهداف مورد نظر ما در اینکار عبارتند از:

- ۱- کمک به با روری تحلیلها ی سیاسی نیروهای مکتبی.
- ۲- دادن بینش استراتژیک از رویدادهای ایران، منطقه، جهان.
- ۳- کمک به پیدا کردن دید استراتژیک از مراحل رشد خلق و افول امپریالیسم. ضمناً " راه مجاهد با این اخبار برخورد فعال میکند.

## امام خمینی از زبان آیت الله منتظری



بخش دوم

اولین آشنایی بنده با ایشان این بود که بنده در سال ۱۳۲۰ به قم آمدم. آنوقت درسم بین سطح و خارج و بالاتر از سطح بود مسائل و مسائل و کتابچه میخواندم. در حدود سه ماه که در قم بودم با شهید مطهری آشنا شدم و در مدرسه فیضیه با هم، هم مباحثه شدیم و حتی همه زندگیمان یازده سال با هم بود. در آنوقت مرحوم آیت الله العظمی امام خمینی - رضوان الله تعالی علیه - درسی که معروف بود میفرمودند فلسفه بود. منظومه و اسفار، و ما هنوز به آن مرله که منظومه و اسفار بخوانیم نرسیده بودیم. عصرهای پنجشنبه و جمعه در مدرسه فیضیه، زیر کتابخانه، ایشان یک درس اخلاق میفرمودند که علاوه بر طلاب و فضلاء حوزه دیگران از بازار و غیره هم به آن

ایشان صبر و اجر بدهد. این جمهوری اسلامی را که ایشان پایه گذار آن بودند به قدرت کامله خودش حفظ فرماید، در مقابل دشمنان داخلی و خارجی و ابرقدرتها.

● امام و مطرح کردن قدرت جهانی اسلام

خدمتی که ایشان کردند این بود که اسلام را در دنیا مطرح کردند. در مقابل شرق و غرب و ابر-قدرتها که جهان را در تیول خود داشتند واقعاً اسلام قدرتی شد که در دنیا عرض اندام کرد و ابرقدرتها به وحشت افتادند.

● آشنایی با امام خمینی (ره) در درس اخلاق

من از باب اینکه بیش از چهل سال خدمت ایشان بودم و به ابعاد علمی و انقلابی ایشان آشنا هستم ارزش وجودی ایشان را از خیلی ها بیشتر درک میکنم، انسان هر چه نعمتی را بیشتر بداند در فقدانش بیشتر متأثر است. بخصوص که من به سهم خود در اثر آشنایی به اهداف ایشان و تعقیب اهداف مقدس ایشان رنج دیده باشم در یک راهی برای بدست آوردن و آشنایی بایک نعمتی باز بیشتر از فقدان آن نعمت متأثر است. برای اینکه قدر و عظمت اصل نعمت برایش روشن است. برای اینکه این نعمت بزرگ از دست ما مسلمانها و از دست ملت ایران رفته جای تاسف و تأثر است. خداوند مقام ایشان عالی است متعالی سازد و به تمام ملت ایران و بازماندگان محترم

آیت الله... منتظری پیس از رحلت امام (ره) در خرداد ۶۸ طی مصاحبه ای چاپ نشده خاطرات خود را از سابق دوستی چهل ساله خود با امام به زبان آورده اند. آیت الله... منتظری صالحترین شخصی هستند که قادرند با عماد اسلامی علمی و انقلابی امام را شکافته و معرفی کنند. بدلیل اهمیت تاریخی این مصاحبه و مطالب مهمی که در آن وجود دارد بر آن شدید تا به چاپ نکات مهم این مصاحبه در دو بخش اقدام کنیم.

درس حاضر میشدند و خیلی درس سازنده ای بود ، روح به انسانها میداد . آن زبان زیبا و شیوای ایشان که از عمق دل برمیخواست ، آن آیات و روایات که گاهی ایشان میخواندند ونحوه بیان ایشان گساهی مجلس را به گریه میانداخت و همه متأثر میشدند و حالت تحولی در همه بوجود میآمد . من و آقای مطهری در حقیقت وظیفه خود میدانستیم که درس اخلاق را شرکت کنیم و نوعاً هم زودتر می رفتیم بعد از درس اخلاق سقوالاتی از ایشان میکردم و بالاخره اولین آشنایی با ایشان در آن درس اخلاق بود . . .

● امام خمینی (ره) و مرجعیت آیت الله بروجردی (ره)

در آن موقع اداره حوزه علمیه قم به عهده آیات ثلاث یعنی مرحوم آیت الله حجت و آیت الله صدر و آیت الله خوانساری بود قهراً چون سه نفر مرجع در رأس حوزه بودند ما طلبه ها فکر می کردیم که اگر یک مرجع واحد در رأس امور باشد ، شاید بهتر باشد چون تشتت و اختلافی در کار بود گاهی ما با ایشان همین زمزمه را میکردیم ، رو پیدا کرد بودیم و مسائل را مطرح میکردیم یادم هست یک روز بعد از درس اخلاق من و شهید مطهری به ایشان عرض کردیم که ما آیت الله بروجردی (قدس سره) را رفته ایم در بروجرد دیده ایم . تابستان هم آقای مطهری ، هم من رفته بودیم به بروجرد و گفتیم که ایشان هم بیانشان خیلی خوب است و هم مرد ملامتی و استخوان علمی است یک جویری می شد که ایشان به قم میآمدند ، مرحوم امام چون خیلی با مرحوم آیت الله بروجردی آشنا نشده بودند فرمودند میترسم سه نفر آقا و مرجع چهار

نفر بشوند و آن نتیجه کسه میخواستیم گرفته نشود ولی بر حسب تعارف مرحوم بروجردی مریض شدند و برای معالجه خود به تهران رفتند. عده ای ایشان را برای آمدن به قم دعوت کردند از جمله حضرت امام خمینی از کسانی بودند که در این راه قدم برداشتند و وقتی مرحوم بروجردی به قم آمدند ایشان برای تثبیت مرجعیت آیه الله بروجردی خیلی فعالیت کردند و از خود گذشتگی نمودند . با اینکه از نظر علمی چه بسا خودشان را محتاج نمیدانستند ولی معذالک درس ایشان میآمدند و جزء حواریون ایشان بودند و فعالیت میکردند برای ایشان و خلاصه تثبیت میکردند مرجعیت ایشان را بدون توقعی .

● مباحثه در درس فقه و اصول

حضرت امام یک درس منظومه و یک اسفار داشتند . فقط یک مباحثه فقهی با مرحوم آقای داماد و مرحوم آقای حاج سید احمد زندانی در مدرسه فاضله عصرها در اتاق مرحوم حاج آقا مرتضی حائری داشتند که خیلی هم جربو بحث می کردند با هم و مدای ایشان بلند بود . بحث فقهی داشتند ولی تدریس فقه و اصول نداشتند ، فقط منظومه و اسفار درس می فرمودند . تا این که مرحوم آقای بروجردی در سن فقه و اصول شروع کردند . ایشان هم شرکت می کردند . کم کم در همان آشنایی که در درس اخلاق با ایشان داشتیم و درس اخلاق بحبهای تعطیل شد و ایشان دیگر حاضر نشدند آن درس را ادامه بدهند ، حتی بازارها پیش مرحوم آقای بروجردی هم آمدند و اصرار کردند به ایشان که درس اخلاق را امام بفرمایند ولی ایشان عذر داشتند و قبول نکردند .

آیت الله منتظری :

من از باب اینکه بیش از چهل سال خدمت ایشان بودم و به ابعاد علمی و انقلابی شان آشنا هستم ارزش وجودی ایشان را از خیلی ها بیشتر درک می کنم

● درس منظومه ملاهادی واسفار ملامت در

ولی انس ما با ایشان بتدریج است تلقی کرد . بیشتر شد . و کم کم در درس منظومه شان شرکت کردیم که از اول منظومه تا اول

... را پیش ایشان خواندیم و آخرین درس منظومه ایشان هم بود که دیگر ایشان منظومه نگفتند و بعد منظومه هم بحث می کردند ولی ثابت نبودند مثلاً اسفار را پیش ایشان خواندیم که آن هم آخرین اسفار بود که بحث استصحاب را شرکت نمودند ایشان بعداً نگفتند و قدرت بیان ایشان در منظومه و اسفار خیلی عجیب بود و افرادی که دیده بودند می گفتند بخصوص مطهری کار دیگری جز درس و این منظومه که آخر ایشان گفتند خیلی عمیق گفتند چون منظومه مانند تقریرات و کتابهای مرحوم لب و خلاصه اسفار است و آقای نائینی ، مرحوم حاج سید محمد حسین و ... رحمهم الله تعالی را می دیدیم و در درس مطرح می کردیم و ایشان هم طبعاً آنها را می دیدند و معصلاً مطالب جدیدی و بگری داشتند

یادم است که مسئله وحدت وجود که فیهلویون می گویند کسه الفیهلویون الوجود علیهم حقیقة ذات تشکیک (۰۰۰) را که معروف است ایشان به قدری خوب بیان کردند که من به ایشان عرض کردم حاج آقا چون آن موقع ما به ایشان مطالب وحدت وجود یک مطالب بدیهی و روشن است پس چرا در باره آن بحث و تفسیق و تکفیر شده است ؟ ایشان فرمودند این مخالفتها و تفسیق و تکفیرها برای آنست که افراد فلسفه را پیش استاد و اهلش نمیخوانند می خواهند با مطالعه فقط

● شاگردان معدود امام

اول فقط من و آقای مطهری و یکی دو نفر دیگر بودند و تا

آخر هفت سال شاید حدود ۳ تا ۸ نفر بیشتر نبودیم آن وقت يك کسانی ما را که می دیدند می گفتند شما چرا به درس فلافی یعنی امام می روید می گفتم خوب و مفید است ولی آنها تعجب می کردند و می گفتند این همه مراجع و اساتید هستند این درس يك بازی سیاسی است که شما درست کرده اید - ولی ما همچنان اصرار داشتیم و می گفتیم ما واقعا از ایشان استفاده می کنیم .

● پیش بینی مرحوم آقای مطهری مرحوم آقای مطهری گفت درس ایشان در حوزه جاباز می کند و طلاب و فضلا کم کم متوجه عمق آن خواهند شد و چون ایشان به تدريس فلسفه معروف بودند طلاب متوجه بیان و عمق درس ایشان میشوند و درس ایشان در حوزه می گیرد، و اول خواهد شد و ما هم این طرف و آن طرف از عمق درس ایشان تعریف و تبلیغ می کردیم . ولی افراد زیر بار نمی رفتند و قبول نمی کردند و فکر رفتن به درس مراجع و بزرگان که عنوان داشتند ، بودند ولی ما از آن درس خیلی استفاده کردیم و مدت هفت سال طول کشید و یادم هست بعد از پایان درس اسفار ایشان ، ما يك درس فقه کتاب زکات را پیش ایشان شروع کردیم که یکی دو ماهی پیش طول نکشید و نمیدانم چرا و به چه دلیل ادامه ندادیم ولی اصول را که خارج جلد دوم گفایه باشد هفت سال پیش ایشان خواندیم و بیشتر بحث فقه را ما پیش مرحوم آقای بروجردی خواندیم .

### آیت الله منتظری :

اعلمیت امام خمینی که نظر ما بود اینطوری بود که ایشان در تمام مسائل اسلامی مورد نیاز واقعا " اعلم از دیگران بودند و درک دیدایشان نسبت به مسائل دینی از دیگران وسیعتر و قویتر بود .

مراحل بازجوشی های قم و تهران تحت فشار و تهدید و از یست ساواک بودیم ، ولی مقاومت کردیم ● احیای فریضه نماز جمعه یکی از کارهای من تاسیس نماز جمعه در نجف آباد بود که خیلی جاباز کرده بود افراد زیادی از اقشار مختلف مردم اصفهان و اطراف به آن حاضر می شدند و سرهنگ . . . رئیس ساواک اصفهان گفته بود این نماز جمعه فلافی يك پایگاه سیاسی برای مبارزه با رژیم است و من در نماز جمعه همه چیز می گفتم از مبارزات و امام و حکومت اسلامی و . . . این قبیل چیزها گفته می شد که نوارهایش شاید در دست باشد .

نامه ای به امام که نجف بودند نوشته به این مضمون که نماز جمعه خیلی برکات دارد و حضرت عالی برای رضای خدای متعال . . . و آقای خوشی اقامه شود و دستورید هید در شهرها هر کسی موجه تر و مسن تر است آن شخص انتخاب و امام جمعه شود و اگر چند نفر موجه می باشند علی التناوب اقامه نمایند و یاد آور شدم اگر نماز جمعه تاسیس شود مبارزات ما زود تر به اهدا ف خود می رسد و امام در جواب نوشته بودند که این معنی علمی نمی شود و شما معلوم می شود هنوز آخوند ها را شناخته اید تا اینکه بعد از پیروزی انقلاب در قمه ایشان عرض کردم آقا اگر آنروز زمان شاه می فرمودید امکان اقامه نماز جمعه نیست و عذر داشتیم در یگر امروز که قدرت بدست شما

را نیز مطالعه کرده بودیم ایشان قهرا آن حرفها را مطالعه می فرمودند و حرفهای جدیدی که فوق حرف بزرگان بود برای ما می آوردند . قسمتهای آخر بحث ایشان مثل استصحاب و تعادل و تراجیح و اجتهاد و تقلید را من همان موقع به قلم خودم نوشتم خود ایشان هم نوشته اند که در کتاب رسائل چاپ شد . ولی شاید نوشته های من مکمل تر از خود ایشان باشد

● درس اصول امام با ۵۰۰ نفر شرکت کننده در همین درس حضوره بود .

بعد از اتمام درس استصحاب که هفت سال طول کشید و ۷ - ۸ نفر پیش تا آخر نبودیم ایشان از اول اصول شروع کردند که در مقایسه با درس مرحوم آقای بروجردی که افرادش حدود ۷۰۰ نفر بودند در آن موقع از فضلا به درس ایشان حاضر می شدند . که آقای سبحانی حفظهم الله در همین دوره شرکت کردند و تقریرات درس اصول ایشان را نوشتند . درس خارج فقه و اصول ایشان در حوزه خیلی جا باز کرد و مورد استقبال عمومی قرار گرفت که در حوزه اول درس بود . آقای مطهری به من می گفتند بادت هست که من آن روزهای اول که درس امام می رفتم پیش بینی می کردم که بالاخره روزی درس ایشان در حوزه جاباز می کند .

● اختیاراتی از طرف امام برای رسیدگی به خانواده طلاب زندانی

است عذری نداریم و دست‌سور  
بد هید این فرضیه احیا و اقامه  
شود و ایشان اول امر قبـول  
نمیکردند تا بالاخره با اصرار من  
اجازه فرمودند در تهران اول  
توسط مرحوم آقای طالقانی  
شروع شود که من نظر امام را به  
آقای طالقانی اطلاع دادم و  
ایشان نماز جمعه را شروع کردند و  
بعد در شهرهای دیگر شروع شد  
به تعیین امام جمعه و اقامه آن  
بهر حال من روی اقامه نماز  
جمعه خیلی پافشاری نمودم  
و موافقت نماز جمعه اساساً و پایه  
تشکیل حکومت اسلامی می‌باشد.

● امام واستقرار خارجي

یاد دارم در آخرین ملاقات  
که با ایشان داشتم . اعلی الله  
درجاته و آقای حاج احمد آقا  
و داماد ما آنجا بودند من به ایشان  
اول مسئله استقرار خارجی که  
بر سر زبانها افتاده و عوارض منفی  
آن را عرض کردم که آن چیز بدی  
است با آن شعارهای استقلال  
و نه شرقی و نه غربی منافات دارد  
و موجب وابستگی سیاسی اقتصادی  
و فرهنگی به شرق و غرب میشود  
و مرحوم سعیدی هم به همین  
جهت شهید شد که ایشان قبول  
فرمودند

● چهره ملکوتی و قد است  
معنوی امام

چون حضرت امام شدیدا حضرتعالی نسبت دهند من  
مورد علاقه من بودند و اولین مرتباً عرض می‌کنم علاقه من به  
کسی بودند که حکومت اسلامی ایشان بعدی بود که يك ساعت  
را تشکیل دادند دلم میخواستم هم از ایشان فاصله نگرفتم هدف  
هیچ سوزی علیه ایشان نباشد من از نوشتن نامه‌ها حفظ موقعیت  
و اگر من نامه‌هایی به ایشان بود ایشان به اسلام آبرو  
می‌نوشتند به همین منظور بوده و قدرت دادند . ابر قدرتها  
و همه می‌دانند که بخاطر وقار را به زانو در آوردند . اولین کسی  
و آن چهره ملکوتی که داشتند بودند که حکومت اسلامی را تشکیل  
افراد معمولاً جرأت حرف زدن دادند . البته من در تشخیص  
با ایشان را نداشتند و شاید خود چه بسا اشتباه کرده باشم  
تنها من بودم که با صراحت ولی هرگز نمی‌خواستم ایشان نگران  
مطلب خودم را با ایشان مطرح شوند حالا اگر در ذهن ایشان  
می‌کردم و این بدلیل علاقه چیزهایی بوده یا برداشتهایی  
شدیدی بود که من به ایشان داشتم و از نامه‌ها و تذکرات می‌شده است

آیت الله منتظری به امام خمینی :

هدف اصلی من از این نامه ها و تذکرات در ملاقاتها

این است که آن چهره پاک ، مقدس و ملکوتی همچنان مثل روز اول که

تشریف آوردند به ایران باشد و

کسی نتواند به حضرتعالی ایرادی و اشکالی در آینده وارد سازد

و اگر خلاف ویاتندی در جاهایی می‌شود به حضرتعالی نسبت ندهند

می‌خواستم ایشان با همان  
چهره ملکوتی و قد است معنوی  
باشند .

عرض کردم آقا مطالبی که من  
می‌گویم یا نامه‌هایی که به شما  
می‌نویسم کسی به من درس  
نمی‌دهد و القا نمی‌کند گرچه  
فعلاً شایع کرده‌اند و شما به در  
ذهن حضرتعالی هم رفته باشد  
نه منافقین و نه نهضت آزادی به

من چیزی القا نمی‌کنند بلکه  
این مسئولین ارگانها و شخصیتها رفیق خود می‌گویند و ما شرعاً  
و افراد خود این مردم هستند که وظیفه داریم که از باب النصیحه  
می‌آیند و یا نامه می‌نویسند مرتباً  
کمبودها و اشکالات را به من  
می‌گویند و راه حل پیشنهاد  
می‌کنند و عرض کردم آنچه هدف  
اصول من از این نامه‌ها و تذکرات  
در ملاقاتهاست این است که آن  
چهره پاک و مقدس و ملکوتی  
همچنان مثل روز اول که تشریف  
آوردید به ایران باشد و کسی  
نتواند به حضرتعالی ایرادی و  
اشکالی وارد سازد و اگر خلاف  
یاتندی در جاهایی می‌شود به

من دانستم که نظرش را برای  
این مسئولین ارگانها و شخصیتها رفیق خود می‌گویند و ما شرعاً  
و افراد خود این مردم هستند که وظیفه داریم که از باب النصیحه  
می‌آیند و یا نامه می‌نویسند مرتباً  
کمبودها و اشکالات را به من  
می‌گویند و راه حل پیشنهاد  
می‌کنند و عرض کردم آنچه هدف  
اصول من از این نامه‌ها و تذکرات  
در ملاقاتهاست این است که آن  
چهره پاک و مقدس و ملکوتی  
همچنان مثل روز اول که تشریف  
آوردید به ایران باشد و کسی  
نتواند به حضرتعالی ایرادی و  
اشکالی وارد سازد و اگر خلاف  
یاتندی در جاهایی می‌شود به

من دانستم که نظرش را برای  
این مسئولین ارگانها و شخصیتها رفیق خود می‌گویند و ما شرعاً  
و افراد خود این مردم هستند که وظیفه داریم که از باب النصیحه  
می‌آیند و یا نامه می‌نویسند مرتباً  
کمبودها و اشکالات را به من  
می‌گویند و راه حل پیشنهاد  
می‌کنند و عرض کردم آنچه هدف  
اصول من از این نامه‌ها و تذکرات  
در ملاقاتهاست این است که آن  
چهره پاک و مقدس و ملکوتی  
همچنان مثل روز اول که تشریف  
آوردید به ایران باشد و کسی  
نتواند به حضرتعالی ایرادی و  
اشکالی وارد سازد و اگر خلاف  
یاتندی در جاهایی می‌شود به

من دانستم که نظرش را برای  
این مسئولین ارگانها و شخصیتها رفیق خود می‌گویند و ما شرعاً  
و افراد خود این مردم هستند که وظیفه داریم که از باب النصیحه  
می‌آیند و یا نامه می‌نویسند مرتباً  
کمبودها و اشکالات را به من  
می‌گویند و راه حل پیشنهاد  
می‌کنند و عرض کردم آنچه هدف  
اصول من از این نامه‌ها و تذکرات  
در ملاقاتهاست این است که آن  
چهره پاک و مقدس و ملکوتی  
همچنان مثل روز اول که تشریف  
آوردید به ایران باشد و کسی  
نتواند به حضرتعالی ایرادی و  
اشکالی وارد سازد و اگر خلاف  
یاتندی در جاهایی می‌شود به

من دانستم که نظرش را برای  
این مسئولین ارگانها و شخصیتها رفیق خود می‌گویند و ما شرعاً  
و افراد خود این مردم هستند که وظیفه داریم که از باب النصیحه  
می‌آیند و یا نامه می‌نویسند مرتباً  
کمبودها و اشکالات را به من  
می‌گویند و راه حل پیشنهاد  
می‌کنند و عرض کردم آنچه هدف  
اصول من از این نامه‌ها و تذکرات  
در ملاقاتهاست این است که آن  
چهره پاک و مقدس و ملکوتی  
همچنان مثل روز اول که تشریف  
آوردید به ایران باشد و کسی  
نتواند به حضرتعالی ایرادی و  
اشکالی وارد سازد و اگر خلاف  
یاتندی در جاهایی می‌شود به

من دانستم که نظرش را برای  
این مسئولین ارگانها و شخصیتها رفیق خود می‌گویند و ما شرعاً  
و افراد خود این مردم هستند که وظیفه داریم که از باب النصیحه  
می‌آیند و یا نامه می‌نویسند مرتباً  
کمبودها و اشکالات را به من  
می‌گویند و راه حل پیشنهاد  
می‌کنند و عرض کردم آنچه هدف  
اصول من از این نامه‌ها و تذکرات  
در ملاقاتهاست این است که آن  
چهره پاک و مقدس و ملکوتی  
همچنان مثل روز اول که تشریف  
آوردید به ایران باشد و کسی  
نتواند به حضرتعالی ایرادی و  
اشکالی وارد سازد و اگر خلاف  
یاتندی در جاهایی می‌شود به

من دانستم که نظرش را برای  
این مسئولین ارگانها و شخصیتها رفیق خود می‌گویند و ما شرعاً  
و افراد خود این مردم هستند که وظیفه داریم که از باب النصیحه  
می‌آیند و یا نامه می‌نویسند مرتباً  
کمبودها و اشکالات را به من  
می‌گویند و راه حل پیشنهاد  
می‌کنند و عرض کردم آنچه هدف  
اصول من از این نامه‌ها و تذکرات  
در ملاقاتهاست این است که آن  
چهره پاک و مقدس و ملکوتی  
همچنان مثل روز اول که تشریف  
آوردید به ایران باشد و کسی  
نتواند به حضرتعالی ایرادی و  
اشکالی وارد سازد و اگر خلاف  
یاتندی در جاهایی می‌شود به

می‌دهم و اگر هم نتوانستم  
ما دیگر آخر عمرمان است .

● اعلمیت و احاطه امام به  
تمام سیاستهای دنیا

مجتهد اعلم کسی است که  
در تمام مسائل مورد نیاز جامعه

از قبیل مسائل سیاسی اقتصادی  
و غیره بداند که سیاست اقتصادی  
نظامی اسلام در هر زمانی چگونه

باید باشد و خلاصه اینکه باید  
مجتهد اعلم در اینگونه مسائل هم

اهل اطلاع باشد و هم صاحب نظر  
و دیدگاه خاص امام قدس سره این

حنین بودند که در اینگونه مسائل  
هم دید وسیع داشتند و با همین

دید، نظر و فتوا میدادند ایشان  
به تمام مسائل و سیاستهای جاری

دنیا احاطه و اطلاع کافی  
داشتند .

اعلمیت امام خمینی که نظر ما بود  
اینطوری بود که ایشان در تمام

مسائل اسلامی مورد نیاز واقعا  
اعلم از دیگران بودند و درک و

دید ایشان نسبت به مسائل  
دینی از دیگران وسیعتر و قویتر

بود .  
راه محاهد :

امید داریم با دقت در این  
خاطرات و نزدیکی‌ها جناحهای

مختلف خط امامی که " محتوای "  
خط امام یعنی اسلام محمدی

ضد سلطنت و ضد امپریالیسم  
و ضد صهیونیسم را می‌پیمایند

به هم نزدیکتر شده و هراختلافی  
را قبل از ریشه یابی نفسانی ،

ریشه‌یابی فکری و معرفتی نمایند  
چرا که به صورت معرفتی و آموزشی

در آوردن مسائل انقلاب از  
ظرایف و هنرهای هر انقلابی

است .



● امام و کتاب اسرار هزارساله

آیت الله سیدعزالدین زنجانی: ..... آن مرحوم براستی غمخوار و دلسوز برای اسلام بود. البته طبیعی است که تمام مسلمانان و مراجع به اسلام علاقه دارند و برای آن دل می سوزانند و غمخوار هستند؛ اما غمخواری حضرت امام «ره» چیز دیگری بود و کیفیت دیگری داشت.

یک وقت شما عیادت مریضی می روید از باب این که عیادت مریض صواب دارد. بطور طبیعی هم برای مریض دل می سوزانید و از بیماری او ناراحت هستید. در اینجا مادر مریض هم ناراحت است و دل می سوزاند، آیا می شود میان ناراحتی شما، با ناراحتی و دل سوزاندن مادر مریض مقایسه کرد؟

غم خوارگی حضرت امام، رضوان الله تعالی علیه، برای اسلام، اینگونه بود. غیر قابل مقایسه با غمخواری دیگران بود. این امر در تمام زوایای زندگی ایشان بوضوح مشخص است.

این خاطره، هیچگاه از یادم نمی رود که حدود چهل و چند سال پیش، یکی از نوجوه های کسروی کتابی نوشت به نام «اسرار هزارساله» و در آن کتاب همه چیز را به مسخره گرفته بود و به تمام مقدسات اهانت کرده بود. آن زمان به لحاظ قدرت طاغوت، اوضاع بگونه ای بود که می توانست این حرفها، طرف دارانی پیدا کند.

در حوزه های علمیه، نسبت به پاسخ گوئی به اینگونه شبهات احساس خلاء می شد. هنوز سیدنا الاستاد، مرحوم علامه طباطبائی، به قم تشریف نیاورده بودند.

من به اقتضای شورش و حال جوانی و به لحاظ احساس خطری که از نشر این کتاب پیدا کرده بودم، به همراه تعدادی از طلاب جوان، با یک دنیا امید، خدمت یکی از آقایان مراجع رفتیم و عرض کردیم: چنین کتابی نوشته شده است و به سرعت دارد نشر می یابد. ترس از این می رود که این شبهات بدون جواب در اذهان مردم، بویژه طبقه جوان و تحصیل کرده باقی بماند. باید برای آن فکری بشود و آقایان مراجع نسبت به تهیه جواب برای این کتاب، مسؤلیت بیشتری دارند.

آن آقای مرجع، با ناراحتی زیاد به ما فرمودند: شما به این کارها، کاری نداشته باشید.

شما سرتان را پایین بیندازید و مشغول درس و بحث خودتان باشید و این عبارت را خواندند «الباطل یهجر بترك ذكره» ما که با یک دنیا امید رفته بودیم، هیچگاه انتظار چنین پاسخی را نداشتیم و بسیار افسرده خاطر و ناراحت شدیم. این غمخواری مرجعیت، بسیار حساس بود، مخصوصاً که ایشان در اطراف آذربایجان نفوذ بسیاری داشتند. مرحوم حضرت امام، رضوان الله تعالی علیه، آن زمان، یک مدرس عادی

اسفار بودند و هنوز حتی تدریس فقه و اصول را شروع نکرده بودند. حضرت امام، درس را تعطیل کردند و بعد معلوم شد، به تهیه جوابی برای این کتاب مشغول شده اند. بر اثر کار زیاد، روی این جواب، چشم شریف ایشان ناراحتی پیدا کرد، بگونه ای که در آن ایام مجبور شدند از یک عینک دودی رنگ استفاده کنند. حاصل زحمت ایشان، کتاب کشف الاسرار است که در پاسخ به کتاب اسرار هزارساله، به خط زیبای خودشان، تألیف کرده اند.

از راه تواضع زیاد و روحیه شاکر دپروری قبل از چاپ، آن نوشته را به حقیر دادند و فرمودند اگر نظری دارید بیان کنید.

بنده از مطالعه آن دریافتم که جای هیچ گونه حرفی نیست و آنچه گفتنی بوده است، ایشان فرموده اند و مطلب باقی مانده ای ندارد.

در چاپهای اولیه، حضرت امام، رضوان الله تعالی علیه، راضی نشدند که نام مؤلف بیاید و در توجیه عدم رضایت خود می فرمودند: من این کتاب را برای رضای خدا نوشته ام، نه برای نام آوری خودم. این کتاب را بعداً، ساواک با دقت و وسواس از کتاب فروشی ها جمع می کرد و نگهداشتن آن را جرم می شمرد که مجازات سختی داشت. ....

# امام و

# حوزه های علمیه

# از زبان شاگردان امام

حوزه شماره ۳۲ - خرداد و تیر ۱۳۶۸  
مجله حوزه سی و دومین شماره خود را بصورت ویژه نامه ای در باره امام خمینی (ره) درآورد است. قسمت اعظم این شماره (۱۳۰ صفحه) اختصاص دارد به صحبت های یاران و شاگردان امام در مورد شخصیت علمی و سیاسی امام خمینی و وضعیت حوزه های علمیه. نظریه اهمیت مطالبی که مطرح شده است، ضروری دیدیم برگزیده ای از نکات مطرح شده را نقل کنیم.

● امام و برنامہ کشف حجاب رضا خان

آیت الله سید رضا بهاء الدینی:

یک نمونه از آن گفتگوها را نقل می کنم: حدود ۵۶، ۵۷ سال پیش بود که از طرف حکومت پهلوی، جشن کشف حجاب برگزار شده بود و ما در فیضیه بودیم و عده ای از رفقا هم آنجا بودند. در آن شب جشن، همه ناراحت بودند؛ چون با اصطلاح، رجال دعوت شده بودند که با بانوانشان مکشفه بروند فرمانداری. فیضیه خلوت شد. امام، تنها در صحن فیضیه بود. وقتی که خلوت شد، امام به ما گفت: اگر فرمانداری از ما دعوت کرد، چه باید کرد؟

تا وقتی که ما خواستیم فکر کنیم و یک چیزی بگوییم که امام به ما فرصت نداد و فرمود: ما قبول نخواهیم کرد. این حرف را امام در جمع نزد؛ چون اطمینان به نفوس نبود و فقط به ما گفت. ما هم ذخیره کردیم و جائی بروز ندادیم.

البته رضاخان، آخوندها را رها کرد و گفته بود: نمی شود سربه سر اینها گذاشت. از روحانیت دعوتی برای آن کار به عمل نیامد؛ زیرا عده ای مخالفت کرده بودند و گفته بودند: اگر سرمان هم برود، تن به این چنین کاری نمی دهیم. این حرف را نسبت به روحانیت تهران می دهند.

از باب نمونه: در حوزه‌های علوم دینی، معمول بود که بعد از فوت مرجعی، اطرافیان دیگر مراجع، تلاش فراوانی می‌کردند که مجلس ختم بر پا کنند و رساله توزیع کنند. تأیید و تمجیدهای فراوان می‌کردند و خلاصه، پولهای زیادی در ترویج از مرجع مورد نظرشان صرف می‌کردند؛ اما امام، رضوان الله تعالی علیه، بطور کلی از این مسائل به کنار بودند و هیچگاه اجازه ندادند، حرکتی در ترویج از ایشان صورت بگیرد. هرچه از مقام و منزلت و محبوبیت برای ایشان آمده است، خودش آمده است، نه این که ایشان به سراغش رفته باشد.

### ● روحیه شاگرد پروری

آیت الله سیدعزالدین زنجانی:

حضرت امام، رضوان الله تعالی علیه، اگر احراز می‌کردند طلبه‌ای زحمت کش است و درس می‌خواند، خیلی احترام قائل بودند در ایام طلبگی، در قم به بیماری سختی دچار شدم. آن مقدار که حضرت امام، رضوان الله تعالی علیه، در مدت بیماری به من مهربانی کردند و از من مراقبت فرمودند به جد اطهرم سوگند، اگر پدرم در قم بود، این مقدار از من مراقبت نمی‌کرد. این تنها به لحاظ این بود که من طلبه‌ای بودم غریب و در قم درس می‌خواندم. روحیه شاگرد پروری و غریب‌نوازی ایشان، موجب شده بود که از من مراقبت کنند.

### ● حاشیه‌ها ما مبر مکاسب نشانه‌دهنده قدرت علمی ایشان

آیت الله سیدعزالدین زنجانی:

کتاب مکاسب شیخ انصاری، میدان فقاہت فقیه است.

اگر فرد بتواند مکاسب را خوب بخواند و درک کند و حرفی بالاتر از آن داشته باشد، فقیه خوبی است.

جولانگه فقه، کتاب مکاسب شیخ انصاری است مبارزین در این میدان، باید ادعای خود را ثابت کنند. در سایر کتب فقه، قدرت فقیه آنچنان که باید روشن نمی‌شود. حواشی حضرت امام، رضوان الله تعالی علیه، بر کتاب مکاسب موجود است و مبنای بسیار عالی و علمی ایشان مشخص است. این مبنای، خیلی قابل مطالعه و بررسی است. به اعتقاد من نسبت به این مرد بزرگوار، باید گفت که جهان اسلام از غیبت کبری تاکنون «من حیث المجموع» نظیر ایشان را نداشته است.

### ● حوزه‌های علمیه وجدایش از امور اجتماعی

آیت الله سیدعزالدین زنجانی:

هر کدام از علماء که در یک یا چند رشته علمی کار کرده بودند و برجستگی خاصی در آن رشته کسب کرده بودند، کناری می‌نشستند و به آن سرگرم می‌شدند و کاری با امور اجتماعی نداشتند و در امور سیاسی دخالت نمی‌کردند و در نتیجه، افراد فاسد و جائر بر اوضاع مسلط می‌شدند. این چنین افراد، تنها کاری که می‌کردند، در مقدمه کتابهایشان، به روضه خوانی می‌پرداختند که: بله، اوضاع خراب است؛ فساد همه جا را فرا گرفته است؛ مردم به حقایق علوم توجه ندارند و... از اینگونه مقدمات در ابتدای کتب علمی کم نداریم. از باب نمونه: مقدمه کتاب اسفار را بنگرید که چگونه مرحوم ملاصدرا، از این که مردم از حقیقت، واقعیت و علم دور افتاده‌اند، می‌نال و شکوه می‌کند. قبل و بعد از ایشان هم از اینگونه شکایات‌ها داریم. ابتدای کتاب شرح منظومه را بنگرید که حکیم سبزواری، اوضاع زمان خود را نکوهش می‌کند. ایشان بیان می‌کنند که چرا درخت علم، خشک شده و مردم نسبت به آن بی‌توجه‌اند و در ترویج آن کوشش نمی‌کنند.

قبل از مرحوم صدرالمآلهین، قطب‌الدین رازی، صاحب کتاب حکمت الاشراق، همین ناله را سر می‌دهد و زمانه را نکوهش می‌کند.

این حالت و اینگونه برخورد با مسائل، به فقهاء نیز سرایت کرده بود و آنان نیز، دچار این مشکل شده بودند. آنان که باید در امور دخالت کنند و به صلاح مردم و جامعه قیام کنند، خود را کنار کشیده بودند و در اثر این کنارماندن، رأی و نظرشان نیز، تغییر کرده و به محدودیت دامنه ولایت فقیه، معتقد گشته بودند.

دخالت در امور سیاسی - اجتماعی، دخالت در امور دنیائی محسوب می‌گشت و دون شأن علماء! آنان باید فقط درس بخوانند و به اصطلاح، به امور معنوی بپردازند که این امور معنوی، هروله بین منزل و محراب بود.

البته کم نبودند علمای بزرگی که در جهت اصلاح امور سیاسی - اجتماعی، در مسائل دخالت می‌کردند و در این جهت، منشأ آثار و اصلاحات زیادی شدند؛ اما جو غالب و فکر حاکم بر حوزه‌ها، همان بود که عرض کردم.

هر کس می‌خواست در این امور، دخالت کند، از جانب همان جو غالب و فکر حاکم، مورد طعن و طرد قرار می‌گرفت. شاید کسان زیادی بودند که احساس وظیفه می‌کردند و دخالت در اوضاع نابسامان را وظیفه خود می‌دانستند؛ ولی از آنجا که قدرت نداشتند بر جو حاکم، غلبه کنند، خود را کنار می‌کشیدند.

برای ما که در این زمان واقع شده‌ایم، مشکل است که اوضاع آن زمان را تصور کنیم. اوضاع، بگونه‌ای بود که فردی مانند مرحوم آیه الله نائینی را در فشار قرار دادند و ایشان را با مشکل روبرو کردند.

مرحوم نائینی، از جمله فقهای درجه یک و بسیار برجسته تاریخ فقاہت شیعه بود. بزرگان زیادی را تربیت کرد که هر کدام از آنان، خود، فقیهی عالی و صاحب نظر بودند. شاگردان مرحوم آیه الله نائینی، همواره، نسبت به تحصیل در محضر ایشان، احساس غرور داشتند و از ابراز آن، خرسند بودند. تحصیل در محضر ایشان، خود، موجب امتیاز بود.

مرحوم والد، که از جمله شاگردان ایشان بودند، کراراً، اظهار می‌داشتند که اگر مرحوم نائینی در دوران خفقان رضاخانی و ضدیت او با علم و علماء نبود، بدون شک، شهرت علمی و آوازه تفکر و فقاہت او، نام مرحوم شیخ انصاری را تحت الشعاع قرار می‌داد. ایشان بدون شک، مرحوم نائینی را نابغه‌ای در تفکر و فقاہت می‌دانستند و همواره به تحصیل در محضر ایشان، افتخار می‌کردند، مرحوم والد، کتاب «تنبيه الامه و تنزيه الملة» مرحوم نائینی را یکی از آیات علم و دلیل ملأئی و عظمت علمی ایشان می‌دانست.

پس از انتشار این کتاب، حوزه چنان بلایی به سر مرحوم نائینی درآورد که آن مرحوم، مجبور شد، با تمام تلاش، کتاب را جمع‌آوری و از دسترس عموم خارج کند. انتشار این کتاب، به شدت ایشان را منزوی کرد.

بله، اوضاع اجتماعات علمی و جو حاکم بر حوزه‌ها به آنگونه بود که مرحوم نائینی باید کتاب فقهی، سیاسی و اجتماعی خود را از دسترس عموم جمع‌آوری کند. طبق نقل مرحوم والد، گاهی می‌شد که مرحوم نائینی، یک لیره قرض می‌کردند و آن را صرف جمع‌آوری کتاب می‌فرمودند. آنچه که ما شاهد آن بودیم، این بود که اندک آشنائی با واژه‌هایی همچون: استعمار، مستعمرات، استعمار فرهنگی و... انسان را از وجاهت حوزوی می‌انداخت. این موارد کافی بود که به انسان بگویند: آخوند سیاسی. این صفت «سیاسی» هم باعث طرد کلی انسان از حوزه می‌شد.

گاهی که خدمت بعضی از بزرگان از نابسامانی اوضاع صحبت می‌شد، اطرافیان آقا، فوراً، می‌گفتند: آقا ما با این کارها هیچ کار نداریم. ایشان فقط، عبا را بر سر مبارک می‌کشند و تشریف می‌برند مسجد و بر می‌گردند. در خدمت ایشان، از دنیا و مافیها صحبت نکنید.

شنیدم که: در اوج طغیان و ظلم محمدرضاخانی، عده‌ای از آقایان، خدمت یکی از

یادم نمی رود، در یک جلسه ای که من همراه مرحوم والد و مرحوم حاج آقا روح الله خرم آبادی، برای بازدید به خدمت مرحوم آیه الله بروجردی، رسیدیم. در محضر ایشان، قدری صحبت از بدی اوضاع، واحوال شد و سخن از مظالم شاه به میان آمد. در اینجا مرحوم آیه الله بروجردی، خطاب به مرحوم والد فرمودند: بعضی ها تصور می کنند اگر من حکمی بدهم، مردم در لرستان برای اجرای آن، سر و دست خواهند شکست، در حالی که به جده شما سوگند، اینگونه نیست همراهی نخواهند کرد. و بعد فرمودند: من دستگاه طاغوت را با این تصور نگه داشتم که آنها نیز همین تصور را دارند؛ یعنی فکر می کنند مردم از من اطاعت کرده و حکم مرا اجراء می کنند؛ به این جهت دستگاه از من حساب می برد و از من رعبی در دل دارد.

نمی خواهم با اقدامی، این رعب را از بین ببرم و آنها بفهمند که مردم با من نیستند. حال، شما می توانید از آنچه که عرض کردم، میزان بآس و ناامیدی حاکم بر حوزه های علوم دینی و علماء را نسبت به مردم، حدس بزنید. آیه الله بروجردی، کم قدرت نداشتند. همانطور که عرض شد، از مرجعیت مطلق و از محبوبیت کم نظیری برخوردار بودند. ایشان که تا این اندازه از مردم ناامید و مأیوس باشند، حال دیگران معلوم است. تنها کسی که توانست به خدا تکیه و به مردم، اعتماد کند، حضرت امام، رضوان الله تعالی علیه، بود. ایشان، واقعاً به مردم، اعتماد داشت. آن مرحوم، دارای آن عظمت و نبوغی بود که در متن یأسها و در درون ناامیدی ها، مردم را شناخت و به آنان اطمینان کرد و ما هم دیدیم و شاهد و ناظر بودیم که مردم چگونه پاسخ ایمان و اطمینان ایشان را دادند.

### ● پایبندی امام به سنتهای شرعی

#### آیت الله سیدعزالدین زنجانی:

امام، رضوان الله تعالی علیه، مراقبت بر حضور در نماز جماعت بود. به مناسبت این که مرحوم آیه الله محمد تقی خوانساری، یکی از مراجع بسیار بزرگ بود و از حیث علم و عمل نمونه بود و سابقه مبارزاتی ایشان هم معروف بود؛ و در جنگ مسلمانهای عراق علیه انگلیسها هم شرکت کرده بودند؛ حضرت امام، رضوان الله تعالی علیه، مرتب در نماز ایشان شرکت می جست. این که می گویم مرتب شرکت می کردند، از روی دقت می گویم، نه از روی مسامحه. همان زمان جو بگونه ای بود که زیاد مشرف شدن به حرم، درویش مسلکی و عقب ماندگی تلقی می شد؛ اما ایشان به اینگونه حرفها هیچ توجه نداشتند و به محض این که نماز مغرب و عشاء تمام می شد، بلافاصله، مشرف می شدند حرم.

### ● نامه امام (ره) برای تشکیل شورای انقلاب

- آیت الله میرزا حسین نوری:
- خواستم خدا حافظی کنم نامه ای به این مضمون نوشته به بنده مرحمت کردند:
۱. پس از اهداء سلام و تحیت ما احتیاج به رجالی متدین و قابل اعتماد داریم که در عضویت شورای پس از سقوط رژیم، شرکت کنند و دارای شرایطی باشند:
  ۱. نداشتن افکار مکاتب انحرافی، بلکه عدم تمایل به آن مکاتب، فقط افکار اسلامی داشته باشند.
  ۲. لیاقت اداره یک وزارتخانه را داشته باشند؛ یعنی مطلع و ما بر باشند.
  ۳. معروف به ملیت و خوشنام باشند.
  ۴. در دولتهای فاسق و مجلسین معروف به فساد عضویت نداشته باشند.
  ۵. از سرمایه داران و معروف به سرمایه داری نباشند. با اسرع اوقات در مجمعی از رفقای با اطلاع روشن مطلب را طرح و بیدرنگ کوشش کنید در بیدایش چنین اشخاصی. حداقل ۵ نفر تعیین ولو به کمک از مطلعین بلاد دیگر به اینجانب معرفی نمائید، با تصدیق واجدیت شرایط و امضای آن. این مطلب به

بزرگان رفته بودند و گفته بودند: اوضاع نابسامان است، شاه ظلم می کند و... آقا، فوراً، گفته بودند: غیبت نکنید که غیبت حرام است. ما، افراد حوزه، باید بیش از هر کس دیگر، خود را مدیون حضرت امام بدانیم؛ چرا که ایشان، بیش از هر جای دیگر به حوزه ها خدمت کرده اند.

در متن این نوع نگرش و بینش، این چنین قیام کردن و صحبت از اداره اجتماع و ولایت مطلقه فقیه، به میان آوردن و حوزه ها را نسبت به امور جاری اجتماع، مسؤول و حساس کردن، مشکلی بود در حد محال، که امام، رضوان الله تعالی علیه، آن را انجام دادند. حوزه ها، نه تنها به این امور نمی اندیشیدند که بر اثر دوری از مسائل جاری اجتماع، گرفتار یک توهمات و موهوماتی شده بودند که امروز برای ما باور کردنی نیست و بیشتر به افسانه می ماند. نمونه ای را که خود شاهد بودم ذکر می کنم:

بنده، قبل از انقلاب، سالی یک مرتبه برای زیارت، مشهد مشرف می شدم. در آنجا منزل یکی از علمای آن شهر، که نماز جماعت هم می خواند، وارد می شدم. این آقا، که مرحوم شده اند، از نجف با مرحوم والد، ارتباط گرم و صمیمی داشتند و به من اظهار لطف می فرمودند. در یک دهه محرم، ایشان به من فرمودند: انشاء الله، روز عاشورا، شما را به یک مجلسی که در آن ناطق زبردستی سخنرانی می کند، می برم. من خرسند شدم. روز شماری می کردم که کی روز عاشورا بشود و در آن مجلس حاضر شوم. روز عاشورا، به اتفاق ایشان رفتیم به آن مجلس، مجلس وزنی بود و افراد زیادی شرکت کرده بودند. من و چند نفر دیگر از روحانیون، در مکانی نزدیک به منبر نشسته بودیم. جناب خطیب، شروع کرد به سخنرانی. موضوع سخن را انتقاد از مسائل جاری اجتماع قرار داده بود. از اوضاع نابسامان فرهنگی سخن می راند. وضع اسف بار جوانان: دخترها و پسرها را تشریح می کرد. مضرات سینما و دیگر مراکز فساد را تشریح می کرد و... بعد گفت: «من علت تمام این دردها را یافته ام.»

من خوشحال شدم که خطیبی در مسائل اجتماعی سخن می گوید و برای نابسامانیها، علت و درمان یافته است.

خدا را شاهد می گیرم که ایشان در مقام ذکر علت این نابسامانیها گفت: «علت تمام این نابسامانیها، در این است که شما مردم با قاشق غذا می خورید.» بعد اضافه کرد: «حال از شما مردم بگذریم، بدبختی اینجاست که اینها هم [یعنی این روحانیون] با قاشق غذا می خورند.» این جریان را من نقل کردم، تا گوشه ای از آنچه که در زمان گذشته می گذشت، برای شما و خوانندگان مجله حوزه، روشن شود.

لحاظ ما می بینیم که از زمان صفویه به این طرف، تمجید از حکومتها معمول می شود و در لسان علماء بزرگ جاری می گردد. گاهی بعضی از این تعریفها از یک عالم متعارف معمول بعید است، تا چه رسد به علمایی با درجات شامخ، مثل: قطب الدین شیرازی. ایشان در تجلیل از طاغوت زمان خود می گوید:

لَهُ هِمَمٌ لَامَنْتَهِي لِكِبَارِهَا وَ هَمَّةُ الصَّغْرَى أَجَلُ مِنَ الدَّهْرِ.  
برای او همتهای بزرگ غیر قابل انتهاست. همت کوچک او از روزگار و آنچه در او هست بزرگتر است.

این عبارت را در مقدمه کتابش دارد. در مقدمه کتب دیگر علماء هم هست. مثلاً مرحوم نراقی، صاحب کتاب مستند، فقهی با آن عظمت و بزرگی، در مقدمه کتاب معراج السعاده، به قدریک صفحه، از کتاب را اختصاص می دهد به تعریف و تمجید از فتحعلی شاه.

مرحوم شیخ جعفر کاشف الغطاء که رب النوع فقه است و بقول مرحوم والد که از اساتید خود نقل می فرمودند: ایشان را نبی الفقهاء می گفتند. چنین فقیه بزرگواری در اول کشف الغطاء تعریف زیادی از فتحعلی شاه می کند.

تهران هم تذکر داده شده است.

بنده که آمدم اینجا با آقای بهشتی و آقای مطهری (ره) دو جلسه داشتم و تقریباً ده نفر را در نظر گرفتیم که بنده خودم به پاریس تلفن کردم و اسامی را به امام گفتم.

### ● سعی در ساختن افکار

آیت الله میرزا حسین نوری:

امام برای ساختن افراد و مهیا کردن آنان برای حرکت و انقلاب خیلی تلاش می کردند.

در زمانی که ایشان در پاریس بودند، بنده از آخرین تبعید گاهم (سقر) به قم آمدم و پس از آن روانه پاریس شدم. من اغلب در آنجا می دیدم که ایشان نشسته و برای ۵ یا ۶ نوجوان دختر و پسر جلسه ای ترتیب داده، دارد صحبت می کند و برای ساختن آماده کردن و روشن نمودن آنها وقت طولانی مصرف می کنند. گاهی من تعجب می کردم از این که مثلاً یک مرجع بزرگی، یک ساعت نشسته برای عده ای نوجوان دارد اوضاع سیاسی را تحلیل می کند و مسائل اسلام را تشریح می کند، ولی هنگامی که بیاد سیره پیغمبر بزرگ اسلام می افتادم که برای ساختن یک نفر چقدر زحمت می کشید و وقت صرف می کرد تعجب بر طرف می شد.

### ● تجهیز علمی طلاب

آیت الله میرزا حسین نوری:

در زمان آقای بروجردی (ره) یک روز با جمعی از رفقا که همدرس و از شاگردان امام نیز بودیم خدمت حضرت امام (ره) در منزلشان شرفیاب شدیم در محضر قدسی ایشان از شبهاتی که مادیین در آن عصر مطرح می کردند و به این وسیله جوانان را گمراه و اغفال می کردند بحث شد.

معظم له فرمودند: برای این که در حوزه کار اساسی و ریشه ای انجام بگیرد، من اگر جای آقای بروجردی، که امروز رئیس مسلمین است، باشم چند تن از کمونیستهای با معلومات را از شوروی به ایران می آورم، حقوق و دیگر مخارج آنان را تأمین می کنم که بیایند شبهات کمونیستها و مطالب علمی آنها را، که بر اساس آن الحاد را پایه گذاری کرده اند، مطرح کنند تا علماء و فضلاء از شبهات آنان به طور کامل آگاه شوند؛ تا با آنان به مقابله علمی برخیزند و پاسخهای مستدل و محکمی به آن شبهات و استدلالهای آنها بدهند تا نتوانند دیگر اینقدر تبلیغات کنند.

### ● علاقه شدید به شجاعت و دفاع از حق

آیت الله میرزا حسین نوری:

در روز اول افتتاح مجلس، پیش از ظهر ما با جمعی از رفقاء به تهران رفتیم و در افتتاح مجلس شرکت کردیم. بعد از ظهر همان روز قرار شد که آقایان و کلا بیانند قم یک جلسه هم اینجا داشته باشیم. ما از تهران برگشتیم و بعد از ظهر به مدرسه فیضیه رفتیم، سالن مطالعه کتابخانه، مملو از جمعیت بود آقایان رفسنجانی، خامنه ای و وکلاء همه تشریف داشتند. عده ای از غیر وکلا، از علمای تهران هم آمده بودند و عده ای از علمای قم هم حضور داشتند. آقای مهندس بازرگان و آقای عزت الله سبحانی هم آمدند. منتهی قدری دیر آمدند. آقای رفسنجانی قدری صحبت کردند و بعد از صحبت ایشان، آقای مهندس بازرگان پا شدند و رفتند پشت تریبون. ابتداء علت تأخیر را این طور بیان کردند که بله، در خدمت یکی از علماء بودم. (البته منظورشان یکی از روحانیون مساله دار بود) سپس صحبت را طوری زمینه چینی کردند که علماء خوب است نظارت داشته باشند و در اداره مملکت دخالت نکنند. تعبیر ایشان این بود که قداست خودشان را حفظ کنند. قداست مقام و موقعیت علمی خودشان را حفظ کنند.

اسمی از آیت الله العظمی خوانساری، آقا سید محمد تقی خوانساری، رحمة الله علیه، بردند و گفتند که ایشان هم در سیاست دخالت می کرد، ولی نه بطوری که خودش مدیریت را بعهده بگیرد، بلکه راهنمایی می کرد. در ضمن حرف، می خواست انتقاد کند از پیشامدها و این را هم باز حساب سوء مدیریت علماء بگذارد. لذا گفت که یک خانمی چند روز قبل در میدان تجریش، در میان جمعیت سخنرانی کرد و گفت ای مردم من پیش از انقلاب نماز می خواندم قرآن می خواندم، روزه می گرفتم، ولی حالا، بعد از انقلاب، نماز نمی خوانم، قرآن نمی خوانم روزه هم نمی گیرم و بعد یکمرتبه چادرش را برداشت و انداخت کنار و گفت این هم خجابت! البته ایشان را بلا جواب نگذاشتند. یک نفر از وکلا گفت که جناب مهندس بازرگان این هم از برکت دولت موقت شما بود. بعد ایشان یک جُکی گفت. گفت در اطراف اصفهان جایی هست که از نظر فرهنگی و اقتصادی در مضیقه هستند، اینها وقتی که در زمستان جُنُب می شوند، یک چوب دارند به آن چوب علامت می گذارند. وقتی که بهار شد و هوا خوب شد و آب زیاد شد می روند آن چوب را به همان مقداری که علامت گذارده شده است، زیر آب می کنند و دزمی آورند. بعد خودش خندید! یکی از وکلا گفت که اگر این راست باشد جای خنده نیست، بلکه جای گریه است. چرا باید وضع مملکت ما به اینجا رسیده باشد. باید ما سعی کنیم درست کنیم. همینطور صحبت می کرد تا این که گفت: علما خوب است که در سیاست دخالت نکنند، در مدیریت مملکت دخالت نکنند. علماء تجربه شان کم است فقط نظارت داشته باشند. ما که تجربه مان زیاد است بهتر است که مدیریت مملکت را بعهده داشته باشیم و... که ناگهان آقای سید حسین موسوی تبریزی، داماد ما، که یکی از وکلای دوره اول مجلس شورای اسلامی از تبریز بود و در آخر جمعیت نشسته بود، از جایش بلند شد آستینهایش را کم کم بالا زد و قدم به قدم جلو آمد و گفت که گوش کردن به این حرفها خلاف شرع است. آمد و دستش را با سرعت و شدت بلند کرد و خواست یک کشیده بسیار محکمی به صورت آقای مهندس بازرگان بزند که بعضی از کسان که اطراف آقای بازرگان بودند بلند شدند و نگذاشتند. مجلس به هم خورد. فردای آن روز رفتم جماران خدمت حضرت امام برسم. خلوت بود کسی هم نبود و تا رسیدم گفتمند: امام فراغت دارند بفرمائید. من رفتم مطالبی که در نظر داشتم به عرض رساندم و بعد از آن به امام عرض کردم که جریان دیروز مدرسه فیضیه، خدمتتان عرض شد؟ فرمودند: نه. شروع کردم به بیان کردن. وقتی که حرفهای مهندس بازرگان را گفتم، امام خیلی گرفته شدند معلوم بود ناراحت شدند. بعد تا گفتم که آخر مجلس یکی از طلبه های قم (اول اسم نبردم) نشسته بود و ایشان از جای خود برخاست و آستینهایش را هی بالا زد و قدم به قدم جلو آمد به طرف مهندس بازرگان و گفت: گوش کردن به این حرفها خلاف شرع است و از گناهان کبیره است. وقتی که به نزدیک بازرگان رسید دستش را برد بالا که کشیده ای به صورت مهندس بازرگان بزند که آقایان باشند و گرفتند و نگذاشتند. امام خیلی خوشحال شدند و فرمودند آن آقا کی بود؟ آن آقا کی بود؟ بعد سؤال کردند: بقیه هم نشسته بودند؟ بنده عرض کردم: آن آقا، سید حسین موسوی تبریزی بود. امام خیلی خوشحال شدند. خیلی خیلی خوشحال شدند. فرمودند: احسن، امام روحاً اصلاً از شجاعت خوشش می آمد. این که کسی در جای خودش اقدام کند و شجاعت بخرج بدهد و حرف بزند و کار بکند خیلی خوشش می آمد این هم یک خاطره ای است که از ایشان دارم.

### ● نحوه برخورد امام "ره" با هدایا

آیت الله میرزا حسین نوری:

هرگاه کسی از بزرگان و معارف هدیه ای برای امام بوسیله بنده یا اشخاص دیگر می فرستادند، معظم له در صورتی که مصلحت را در قبول آن هدیه می دیدند، قبول می کردند، ولی پس از این که آورنده هدیه بخانه خود بر می گشت، عیناً آن هدیه را بوسیله یک شخص، مخصوصاً، برای آورنده هدیه می فرستاد و به او اهدا می کردند.

● فعالیت‌های امام خمینی قبل از شهریور ۱۳۲۰

آیت الله جعفر سبحانی:

زندگی حضرت امام، تا سال ۱۳۶۰ هجری قمری، برابر با ۱۳۲۰ به همین شیوه بود که یا درس می‌خواند و یا درس می‌گفت. بالاخره، در این بیست سال، بیشتر به تدریس و تألیف می‌پرداخت، ولی در عین حال از مسائل جاری کشوری خبر نبود. گاهی نیز برای شرکت در مجلس شورای ملی آن روز، به تهران می‌رفت و از این طریق با مرحوم مدرس و دیگر شخصیت‌های سیاسی آشنا شد.

● موضع امام در برابر رژیم پهلوی در دوران

آیت الله بروجردی از سال ۱۳۲۴ تا ۱۳۴۰

آیت الله جعفر سبحانی:

در این دوران، سکوت با شکوهی را از حضرت امام شاهدیم که از روز ورود مرحوم بروجردی به قم تا روز درگذشت ایشان (شوال ۱۳۸۰، برابر با فروردین ۱۳۴۰) گرد مسائل سیاسی نگشت و کاری جز تدریس و تألیف و سعی در تهذیب نفوس و تذکر به مراجع، بالأخص، مرجع بزرگ، مرحوم بروجردی، نداشت. در حالی که انتظار می‌رفت که نویسنده کتاب کشف الاسرار، آن افکار سیاسی را در این فضای نیمه باز سیاسی، تعقیب کند، ولی برعکس، جز سکوت و قلم زدن و تربیت شاگرد، به چیزی نپرداخت. چه شد که آن غرث و فریادهای کوبنده امام، پس از ورود مرحوم بروجردی، به خاموشی گرائید؟ نکته آن این است که وی مرد خدا بود. حرکت و سکون او، سخن گفتن و سکوت او، بر محور وظیفه می‌گشت. پس از زعامت گسترده مرحوم بروجردی، دیگر امام وظیفه‌ای جز «التصحیح لائمة المسلمین» نداشت و به همین جهت در این مقطع فقط به بحثهای علمی و تربیتی پرداخت.

این سکوت امام، در برابر مرحوم بروجردی، بسان سکوت علی «ع»، در برابر پیامبر «ص» بود.

امام علی بن ابی طالب «ع» گوینده ۱۲۰۰۰ خطبه و کلمات قصار، در حیات پیامبر مهر خاموشی بر لب داشت؛ ولی پس از درگذشت پیامبر «ص» خصوصاً دوران خلافت، با غرث قابل تحسینی با خطب و کلمات خود، دلها را تسخیر کرد و کاخها را لرزاند. آن سکوت وظیفه بود، چنانکه شکستن مهر خاموشی نیز وظیفه بود.

به خاطر دارم در سال ۱۳۳۰، که تب انتخابات بالا گرفته بود و حوزه‌های انتخاباتی میان طرفداران مصدق و شاه تقسیم گشته بود و هیچکدام از کاندیداها مورد رضایت فضلا نبود. یکی از دوستان، به نام آقای حاج شیخ اسدالله نوراللهی، در جلسه درس، از ایشان خواست که به مسأله انتخابات وارد شود و وکلای مؤمن و متعهد را معرفی کند و یا لااقل برای قم یک وکیل مناسب در نظر بگیرد.

ایشان، پس از اعتذار، یادآور شدند که فعلاً وظیفه من درس گفتن است و بس. البته جمع بین این دو خصیصه متضاد یکی از نشانه‌های مردان بزرگ است.

● فعالیت‌های امام خمینی (ره) در سالهای ۱۳۲۴ تا ۱۳۳۰

آیت الله جعفر سبحانی:

حضرت استاد تا سال ۱۳۶۴، برابر ۱۳۲۴، سطوح عالی را به ضمیمه کتب فلسفی تدریس می‌کرد. گذشته از این، بحثهای مشترکی با بزرگان حوزه پیرامون مسائل فقهی و اصولی داشت، ولی پس از قدوم مرحوم بروجردی، خارج اصولی را آغاز کرد که هسته نخستین آن را شاگردان باوفای ایشان، آقایان: مطهری، منتظری، نوراللهی و خندق آبادی تشکیل می‌دادند. به مرور زمان، بر تعداد افراد افزوده می‌شد، از آن جمله مرحوم دکتر بهشتی. پس از چندی به علاقمندان درس زیاد شد و اینجانب و حضرات: ابراهیم امینی و خزعلی و مرحوم سعیدی و غیرهم جزء خوشه چیتان درس

حضرت استاد درآمدیم.

اما هنوز درس جنبه خصوصی داشت. در سال ۱۳۷۰، برابر ۱۳۳۰، مباحث خارج اصول، جلد اول کفایه، را آغاز کرد. درس حالت عمومی و گسترده‌تری پیدا کرد که نتیجه آن درسها، همان کتاب تهذیب الاصول شد که در سه جلد منتشر گشت و از این طریق حضرت استاد، در زمان مراجعی، مانند: مرحوم بروجردی، مرحوم حجت و مرحوم خوانساری در ردیف مدرسان بزرگ قرار گرفت که درس او از پرجمعیت‌ترین درسها بود. در کنار این درس اصول، خارج فقهی را آغاز کرد که در آن نیز جمعیتی از فضلاء بنام حوزه، شرکت می‌کردند و تا معظم له در قم بود،

● فعالیت‌های امام خمینی بعد از فوت مرحوم آیت الله بروجردی

آیت الله جعفر سبحانی:

درگذشت مرحوم آیه الله العظمی آقای بروجردی، سبب شد که فصل نوینی به روی حضرت استاد گشوده شود و مهر خاموشی را بشکند و فقه و فقاقت را با درایت و سیاست، که جزء لاینفک اسلام است، به هم بیامزد. و پرخاشگرهای خود را با دولت منصوب شاه؛ یعنی دولت علم آغاز کرد. درحقیقت به مصداق «رهبان باللیل و اسد بالنهار» بار دیگر ظاهر شود. نیمه شب با خدا در مناجات باشد و روز برای فضلاء، فقه و اصول تدریس کند و در عین حال مراقب اوضاع کشور و جهان باشد و تجلی گاه حدیث «العالم بزمانه لایهجم علیه اللوابس» به شمار آید.

پر خاشگرهای امام، بر تصویب انجمنهای ایالتی و ولایتی و از آن پس، لوایح ششگانه و از آن به بعد، به تصویب نامه ننگین (مصونیت مستشاران آمریکائی)، ایران را به صورت باروتی در آورد که پس از یک جرعه، نظام ستم شاهی را برمی‌چید. از این جهت در سال ۱۳۸۳، به ترکیه تبعید و پس از دو سال واندی اقامت در آن دیار، به نجف انتقال یافت.

در طول پانزده سال اقامت در نجف، هسته‌های مقاومت در ایران، در پرتو هدایت و عنایت امام، قوی‌تر و استوارتر شد و کشور آستان انقلابی بزرگ گردید که در ۲۲ بهمن ۱۳۵۷، به وقوع پیوست.

● پرده‌ای از روحيات امام

آیت الله جعفر سبحانی:

او در حالی که فردی متعبد و شب‌زنده دار بود؛ ولی از تظاهر به قدس و تقوا در انظار مردم، فوق العاده بیزار بود. در طول عمر، دیده نشد که در انظار مردم تسبیح بدست بگیرد و ذکر بگوید. او در حالی که مردی زاهد و وارسته بود و هرگز دل به دنیا نبسته بود، سعی می‌کرد که از نظر لباس و وضع ظاهری در سطح مطلوبی باشد و از پوشیدن لباسهای کهنه و پاره و یا لباسهای کم قیمت اجتناب می‌ورزید و گویا منطق او این بود که در این شرائط چنین زندگی نشانه تکدی است نه نشانه زهد.

او در حالی که مسأله تعدد زوجات را یک اصل اساسی می‌دانست و پیوسته از آن، تحت شرائطی، دفاع می‌کرد. ولی برای یک فرد روحانی، تجاوز از یک همسر را، در شرایطی که الزام آور نباشد، نمی‌پسندید و به عنوان مطالبه می‌گفت: برای ما یک زن زیاد و نصف آن کم است. و از این طریق یادآور می‌شد که مردم از یک فرد روحانی انتظارات دیگری دارند.

● نحوه برخورد امام (ره) با مقلدین

آیت الله محمد هادی معرفت:

..... روشهایی که ایشان داشت برای ما کاملاً افتخار آمیز و حیاتبخش و آموزنده بوده مادر همین جلسات یک چیزهایی گاهی دیدیم از ایشان که خیلی آموزنده بود مثلاً یک دفعه ما نشسته بودیم یکمده‌ای از ایران آمده بودند و برای ایشان سهم امام آورده بودند، یک پول زیادی بود، در همان جلسه می‌خواستند پول را خدمت ایشان بدهند.

## ● امتیازات شیوه تدریس امام خمینی (ره)

آیت الله یوسف صانعی:

در رابطه با تبیین مبانی فقهی، باید عرض کنم بعد از شیخ انصاری، کتب فقهی را که من مطالعه کرده‌ام یا درسهایی که از بزرگان دیده‌ام، فقهی به مانند امام امت، در تبیین مبانی فقهی و تثبیت مطالب فقهی نیافتم.

اینک چند امتیاز را، که مبنای کار ایشان در فقه بود، نقل می‌کنیم:

۱. امام، اکتفا نمی‌کرد به نقل مطالب دیگران و یا به نقل مطالب به همانگونه که در کتب آمده، بلکه امام یک مسأله فقهی را وقتی که وارد می‌شد بطور کلی سبک ورود و خروج در مسأله را عوض می‌کرد، این از ابتکارات امام بود. بارها من عرض کرده‌ام به دوستان، در جلسات بحث، که سبک تدریس امام و تبیین مطالب فقهی، بلا تشبیه، شبیه وجود ذات باری و جهان خلقت است، که می‌گویند «داخل فی الاشیاء لا بالممازجه خارج عن الاشیاء لا بالمباینه» یعنی او با اشیاء است اما نه به صورت امتزاج، بیرون از اشیاء است اما نه به صورت جدایی و مباینت، درس ایشان کل مطالب بزرگان بود، اما نه به صورتی که در کتب آنها آمده و بیرون بود از مطالب بزرگان؛ اما نه به صورت ضدیت و مباینت؛ یعنی اصل کل بحث عوض می‌شد، همانها بود اما با عوض شدن و با تغییر پیدا کردن. فایده اینگونه درس این بود که طلبه مجبور بود برای فهمیدن درس امام بسیاری از کتبی را که در رابطه با درس امام لازم است مطالعه کند، تا فردا بدانند امام چی دارد می‌گوید و چه جوری وارد شده است. اگر مطالعه نمی‌کرد فردا که می‌آمد درس امام، اگر آدم با انصافی بود، می‌گفت درس امام مشکل بود، من نفهمیدم و اگر آدم مغرض و نادانی بود، می‌گفت که: بله، این فقه امام خیلی خوب نیست.

چون فقهانی که آنها دیده بودند، بخصوص بعد از مرحوم بروجردی، کسانی بودند که متن حدائق یا جواهر را می‌خواندند و چند اشکالی هم اگر به ذهنشان می‌رسید می‌کردند.

وقتی می‌آمدند در درس امام، می‌دیدند که درس امام اینجور نیست درس ایشان مکاسب شیخ نیست، بیانات شیخ نیست، تقریرات مرحوم نائینی نیست، تعلیقات کمپانی و ایروانی و مرحوم سید نیست، ولی در عین حال به آنها توجه و تحلیل و نقد می‌شود. امتیاز درس امام، این بود که مطلب را زیرورو می‌کردند و در نتیجه، طلبه‌ها را وادار به کار می‌کردند.

۲. امتیاز دوم درس امام این بود که روی ضوابط فقهی دقت داشت و ضابطه فقهی بیان می‌کرد. شاگرد، وقتی که از درس بیرون می‌رفت حتماً یک ضابطه فقهی دستش بود. البته ضابطه‌ای که دستش می‌آمد، ضابطه‌ای بود همراه با تحقیق.

۳. امتیاز سوم درس امام، ارج نهادن فراوان به روایات اهل بیت، صلوات الله علیهم اجمعین، بود. مبدع این شیوه، مرحوم آیت الله العظمی آقای بروجردی، قدس الله روحه، بود و تکمیل کننده این شیوه امام، قدس الله روحه. در نجف این جور نبوده است. الان هم می‌گویند در نجف اینجور نیست و حتی از کتابهای شیخ هم این معنی بر می‌آید. امام گاهی اشاره می‌کردند. مثلاً شیخ، رضوان الله تعالی علیه، در مکاسبش، چه در بیع و چه در خیارات، می‌گویند ما روایاتی را نقل می‌کنیم تیمناً و تبرکاً. روایات جنبه تیمن و تبرک پیدا کرده است. در حالی که روایات اصل است:

«انی تارك فيكم الثقلين: كتاب الله و عترتي» این روش در نجف چون معمول بوده است شیخ هم در همان حوزه بوده، لذا روایات را می‌گویند تیمناً و تبرکاً. اما امام، عنایت داشت به این که روایات را نقل کند. به سند روایت و متن آن هم عنایت داشت.

بعد از فوت مرحوم بروجردی و تبعید امام، مدتی پای درس بعضی از بزرگان، رفتیم. آنان روایت می‌خواندند و درباره آن هم بحث می‌کردند. اما درس آنان دو تفاوت با درس امام داشت:

خوب، مانعی نداشت. این افراد به امام گفتند: در محل، یک مسجد بسازیم، یا می‌خواهند بسازند، اجازه بدهید مقداری از این پول را آنجا صرف کنیم. ایشان با کمال صلابت و سختی گفتند: ابداً، اجازه نمی‌دهم. آنها التماس می‌کردند. نوعاً انسان راجع به کسی که می‌خواهد پول بدهد تند نمی‌شود؛ ولی امام تند شد. بعد ایشان فرمودند: جزء شوون اسلامی مسلمانان هر منطقه است که برای خودشان مسجد بنا کنند.

این از شوون زندگی مسلمان است. مسلمانان که در مکانی زندگی می‌کنند، نباید مسجد داشته باشند؟ آیا مهری که می‌خواهی داخل جیبت بگذاری و با آن نماز بخوانی، باید من بخرم؟ تومی خواهی نماز بخوانی باید مهرش را هم خودت بخری. در یک منطقه‌ای که عده‌ای مسلمان هستند نیاز به مسجد دارند. من نمی‌توانم از سهم امام پول بدهم و مسجد بسازند. من از سهم امام چطور اجازه بدهم که شما در شوون زندگی خودتان مصرف بکنید. بالاخره، امام به افراد پول نداد. آنوقت این را فرمودند: آری، اگر یک منطقه‌ای فرض کنید بهایی نشین باشد که مسجد ساختن در آنجا برای دعوت به دین است تبلیغ دین است آن حسابش جدا می‌شود، مثل راه امام زمان می‌شود. این مطالب برای ما در عین تازگی آموزنده بود این جور برخوردها و این جور تحقیقات واقعاً برای ما آموزنده بود.

خاطره‌ای دیگر نقل می‌کنم که مربوط می‌شود به کربلا: من در کربلا، حرم امام حسین (ع) بودم که ایشان تشریف آوردند. کربلاء هفت زیارت مخصوصه دارد در سال. نجف سه زیارت مخصوصه دارد. علاوه بر شبهای جمعه ایشان هفت زیارت را عقید بودند مشرف بشوند کربلا.

شبهای جمعه نمی‌رسیدند تشریف بیاورند.

ایشان در حرم متعب بودند، مثل سایر متعبین، دعا و نماز بخوانند. سایر آقایان علماء اینجور نبودند، حریشان ده دقیقه و فوش یک ربع ساعت طول می‌کشید و دعا را هم از حفظ می‌خواندند و یک - دو رکعت نماز می‌خواندند و می‌رفتند؛ اما ایشان مثل سایر مردم می‌نشستند و مفاتیح می‌خواندند.

## ● شیوه جدید امام در تدریس

آیت الله محمد هادی معرفت:

آن وقت ایشان تحولی که در نجف، حداقل در ما ایجاد کرد و موجب شیفتگی ما به ایشان شد و روز بروز بیشتر می‌شد این بود که: مسأله اقوال بزرگان در فقه، بعنوان یک حریمی مقدس بود؛ مثلاً اگر می‌گفتیم این نظریه مرحوم نائینی است، کافی بود برای دلیل. اینقدر مسأله شخصیت روی آراء اثر می‌گذاشت. این، در واقع فقه را از صورت تحقیقی به صورت تقلیدی می‌برد. همانطور که مسبوق هستید، می‌گویند:

بعد از شیخ، تا قبل از ابن ادریس، فقه صورت تقلیدی به خودش گرفته بود. آن بزرگ، آمد و این حریم را درید و مسأله تحقیق را شروع کرد. اخیراً فقه، واقعاً رنگ تقلیدی به خودش می‌گرفت. کلام، کلام مرحوم آقا ضیاء است یا کلام مرحوم نائینی است یا کلام آقا شیخ حبیب الله رشتی است یا مرحوم فشارکی اصفهانی است یا میرزا یا شیخ. انتساب قول به این گوینده‌ها یک نوع حریم ایجاد می‌کرد. لذا طلبه‌هایی مانند ما، جرأت کنیم و بخواهیم یک رأی بر خلاف رأی بزرگان بدهیم، یا تحقیق بکنیم، این جرأت را به خودمان نمی‌دادیم. این ویژگی که می‌خواهم عرض بکنم این است: امام یک تحول ایجاد کرد؛ یعنی راه مناقشه کلام بزرگان را باز کرد و حریم را شکست. به عالم تحقیق و قضاوت این درس را داد که باید حریم کلام بزرگان را شکست؛ زیرا احترام به کلام بزرگان مناقشه کردن در کلام آنهاست و الا انسان که در کلام هر کسی مناقشه نمی‌کند.

تحقیق اگر می‌خواهید راجع به آنچه در رسانه‌های گروهی در زمان امام، قدس الله روحه، پخش می‌شده و تا به امروز هم که روز دهم ذی‌قعدة ۱۴۰۹ هجری قمری است، پخش می‌شود، نظر بدهید، بروید همه جوانب قضیه را بنگرید. بروید ببینید که راجع به کلمه غناء پیش از سی تفسیر شده است.

بعد از آن هم به آنچه که در جامعه امروز می‌گذرد و آنچه که در جامعه دیروز می‌گذشته درست و به دقت بنگرید آن وقت نظراتان را بدهید. نه این که فوری تا ما می‌گوییم تعبد این معنایش این باشد که بگویید: بله، حرام است.

با گفتن حرام است، نه تنها تعبد حفظ نشده که خلاف تعبد عمل شده و تعبد حذف گردیده است. باید توجه داشت که امر را بر مردم مشکل کردن، خلاف سهولتی است که اسلام برای او آمده است.

● چند نظر فقهی از امام خمینی

آیت الله یوسف صانعی:

کتاب کشف الاسرار شاهد این مدعا است. آدم وقتی کتاب کشف اسرار را بر می‌دارد و نگاه می‌کند مسائل را جدید می‌یابد و فکرمی‌کند که امام در همین جو فعلی کتاب را نوشته است.

امام راجع به مسائل اسلامی، آنجا نظر می‌دهد، یک نظریاتی که به حق همان است و به حق همان جور است و گویای آگاهی امام به همه مسائل است. از باب نمونه: یکی از شبهاتی که آنجا مطرح می‌شود این است که: اسلام زکاة قرار داده برای کشاورزی و دامداری در حالی که امروز جهان، جهان صنعت و کارخانه‌داری است. این که ما می‌گوییم اسلام به درد نمی‌خورد برای همین جهت است که اسلام، زکاة را بر کشاورزی و دامداری قرار داده و آنهم دارد از بین می‌رود. دنیای امروز دنیای صنعت است و کارخانه و اسلام چیزی برای آنها قرار نداده است. اگر کسی وارد به مسائل نباشد در جواب می‌ماند؛ اما امام همانوقت (حدود ۵۰ سال قبل) می‌گوید نخیر، اسلام این پیش‌بینی را کرده است و مالیاتی را که در اینجا قرار داده است خیلی بیشتر از مالیاتی است که بر کشاورزی و دامداری قرار داده است.

بر کشاورزی فووش یک دهم مالیات قرار داده ولی در صنعت و کارخانه و... یک پنجم.

یکی از شبهاتی که مطرح می‌شود در کشف الاسرار و امام جواب می‌دهند این است که می‌گوید: چرا بر گندم زکاة قرار داده شده است؛ اما بر برنجی که قیمتش بالاتر است زکاة قرار داده نشده؟ جوابی را که امام می‌دهند، آگاهی ایشان را به مسائل می‌فهماند. کانه امام، کشاورزی هم بلد است.

می‌فرمایند علت این که زکاة را اسلام بر گندم قرار داده و بر برنج قرار نداده، این است که تهیه برنج بشدت زحمت دارد؛ اما گندم بیشترش دیم است. گندم را می‌ریزند توی بیابان، باران هم می‌آید سبز می‌شود. آن مقداری هم که دیم نباشد و چشمه و قنات باشد زحمتی ندارد. از قضا اینجور هم هست تنها حاصلی که در کشاورزی زحمتش کمتر از همه است، گندم است.

اما دلیل دیگر من بر این که امام، بطور مستمر، در زمانی که درس و بحث داشته‌اند، مطالعه جنبی می‌فرموده‌اند و اخبار را پی‌گیری می‌کرده‌اند و به مسائل سیاسی، اجتماعی توجه داشته‌اند از این قرار است: مرحوم آیت الله کاشانی را بخاطر درگیرها و مخالفتهایی که با مصدق داشت از شخصیت اجتماعی انداختند و ایشان مریض شدند. تنها کسی که از قم به عیادت آیت الله کاشانی رفت امام بود. به این خاطر حوزه درس اصول امام، عصر تعطیل شد.

صبح درس فقه شان را دادند ولی درس اصول بخاطر رفتن ایشان به عیادت مرحوم کاشانی تعطیل شد. این حرکت امام، زمانی بود که برای مرحوم آقای کاشانی سرودهای مبتذل می‌خواندند.

۱. انسان، یک سری مطالب دستش می‌آید؛ اما ضابطه و قاعده‌ای که بتواند برای خودش استفاده کند، دستش نمی‌آید.

۲. عدم عنایت عملی به روایات. امام، عملاً به روایات عنایت داشت.

۴. امتیاز چهارم درس امام، این بود که به فقهاء و فتاوی‌ای آنان عنایت داشت.

این هم باز چیزی است که از آقای بروجردی گرفته شده است.

آقای بروجردی، شهرت قدماء و اصحاب را هم جابرمی‌دانست و هم کاسر؛ یعنی نظرشان این بود که: شهرت قدماء و اصحاب هم ضعف سند را جبران می‌کند، هم یک روایت صحیح را اگر شهرت قدماء بر خلافتش باشد از حجت می‌اندازد. این اصل آقای بروجردی بود که شهرت را هم جابرمی‌دانست و هم کاسر. این مبنا را امام، هم در اصول خیلی خوب تحقیق کردند و تثبیت فرمودند و هم در فقه به این مبنا عنایت داشتند که حفظ کنند. این روش، قطع نظر از این که از نظر مبانی فقهی ارزش دارد، از جهات دیگر هم ارزش دارد. زیرا گویای ارج نهادن به علماء و زنده نگاه داشتن فقهاء و زنده نگاه داشتن آثار بزرگان است. ما اگر بگوییم آراء قدماء و اصحاب نه شهرتشان کاسر است و نه جابرونه اعتراضشان مسقط از حجت است و نه عملشان به یک روایت ضعیف، جابرمی‌دانستند. این قطع نظر از این که به نظر ما مبنأ غلط است، سبب می‌شود که ما برای آراء بزرگانمان ارزش قائل نشویم. عدم مطرح کردن آراء بزرگان، مثل: ابن جنید اسکافی، ابن بابویه، ابو عقیل عمانی، شیخ طوسی، شیخ مفید، سید مرتضی و... کم کم منجر به بی‌ارزشی اجتماعات در نظر ما می‌شود.

وقتی که نام این بزرگان در مجامع علمی مطرح نشد، قداست آنان اسوه بودن آنان از بین می‌رود. بعد کم کم این خطر را دارد، خدای ناخواسته، یک روز گار به جانی برسد که وسائط با ائمه از بین برود، زیرا ما آراء آنان را وقتی نادیده بگیریم، خدای ناخواسته، و در رأی فقهایمان تحت تأثیر محیط قرار بگیریم و بطور کلی فقه ما سراز یک فقه جدید در بیارود، تا آنجا که به قیاس و استحسان هم عمل کنیم واضح است که ارتباط ما و ائمه قطع می‌شود. من این خطر را اینجا گوشزد می‌کنم.

جالب است که امام هم صاحب بیان بود و هم صاحب قلم. در بین فقهاء ما کم پیدا می‌شوند که جامع این دو باشند.

۶. امتیاز ششمی که درس امام داشت، این که ایشان مباحث فلسفی را از مباحث فقهی و اصولی جدا کردند. مباحث فلسفی بعد از فخرالمحققین خیلی در مسائل اصولی ما راه پیدا کرد.

● نظرا امام در مورد غناء

آیت الله یوسف صانعی:

امام، کمال تعبد را دارد. وقتی از امام راجع به رسانه‌های گروهی و آنچه از رسانه‌های گروهی پخش می‌شود، سؤال می‌شود، امام می‌گوید که بسیاری از اینها جایز است و من خلاف شرعی در آنها نمی‌بینم. این را کسی می‌گوید که در رابطه با غناء چهل صفحه در مکاسب محرمه بحث کرده است. حالا یک فقهی خواهد بگوید: مگر شما نگفتید که باید متعبد باشیم پس چطور می‌گویید: آنچه در رسانه‌های گروهی است جایز است؟

نخیر، اینها همه حرام است، اینها همه غناء است، اینها همه لهو است و... می‌گوییم آقا، چند ساعت راجع به موسیقی بحث کرده‌اید؟ می‌گوید: یک صفحه بیشتر بحث نکرده‌ام. این بی‌انصافی است. امام می‌گوید تعبد را حفظ کنید، اما با

## مجموعه اخبار استراتژیک

### ● ماهیت د مکرسی آمریکا!

نقل از صدای آمریکا ۶۸/۹/۸  
آمریکا تهدید نمود که اگر مجمع عمومی سازمان ملل به سازمان آزاد بیخوش فلسطین بعنوان يك کشور مستقل رای دهد، اولاً: سهم خود را از بودجه سازمان ملل قطع خواهد کرد. ثانیاً مذاکرات مذاکرات آمریکا و ساف به مخاطره خواهد افتاد.

این است ماهیت فاشیستی د مکرسی آمریکا. ملاحظه میشود از يك طرف آمریکا روش رای گیری د مجمع عمومی را قبول دارد و از طرفی دیگر سازمان ملل را به محاصره اقتصادی و انحلال تهدید مینماید.

همچنین هم زمان به ساف هشدار میدهد که اگر به تلاشهای خود د مجمع عمومی ادامه دهد مذاکرات فیما بین بخطر خواهد افتاد.

فاشیستی بودن د مکرسی آمریکا را د لبنان هم میتوان به آشکارا دید چرا که اکثریت مردم لبنان برحق و مسلمانند ولی آمریکا با طراحي و حمایت از توطئه های مختلف صحنی دارد اقلیت مارونی را بر اکثریت حاکم نماید. و از این نمونه ها بسیار است.

### ● شورا د مکرسی از د بدگاه رجوی

یکی از محورهای تبلیغاتی تشکیلاتی رجوی شعار صلح و آزادی است. ماهیت صلح طلبی آنها را د رگرنده و اسلام آباد مشاهده کردیم. ماهیت آزادی راهم در شعارشوراها خلاصه میکنند و شورا

راه د و محور استراتژیک مبارزه مسلحانه با امام خمینی و نابودی ایشان مشروط مینمایند. با این شرایط حتی مخالفین سیاسی و فرهنگی جمهوری اسلامی نیز نمیتوانند به این شوراها راه پیدا کنند و حتما باید به مبارزه مسلحانه با نظام و نابودی رهبرانقلاب اعتقاد داشته باشند.

مشروط کردن شورا به دو خط مشی را چگونه میتوان د مکرسی نامید؟ هر نظامی حتی حکومتی چهارچوب منافع خود را ضربه زدن آزادی بدهند. رژیم شاهنشاهی پهلوی نیز حاضر به دادن هرگونه آزادی و تشکیل شورا بود مشروط بر اینکه سه محور اعتقاد به نظام شاهنشاهی، اعتقاد به قانون اساسی مشروطیت، اعتقاد به مواد چهارده گانه شاه پذیرفته شود. بد نیست بدانیم د ریگی از شهرستانها؟ نفراز تشکیلات رجوی اخراج شده بودند اتهام آنها این بود که سوال در د ناکی را مطرح کرده من پرسیدند، چرا سازمان از یکطرف د تبلیغات بیرون، شعار د مکرسی و آزادی میدهد و از طرف دیگر آموزشها د روش معتقد است، سازمان در حوقا فاشیسم و اختناق است که رشد میکند!

علا هم مشاهده کردیم همیشه زمینه های خشونت را خود رجوی فراهم میکند و متقابلاً از خشونت های موجود تغذیه میشود. د نظام جمهوری اسلامی نیز هستند کسانی که از خشونت های رجوی خوشحالند تا بدین بهانه سایر نیروهای عدل طلب را که با رژیم ستم شاهی مبارزه میکردند از بین ببرند.

### ● بحران در تشکیلات رجوی

بنظر میرسد خط مشی امپریالیسم در رابطه با نظام جمهوری اسلامی و تشکیلات رجوی این بوده و هست که از تشکیلات رجوی برای ضربه زدن و تعدیل نظام استفاده نماید. امپریالیسم به خوبی می داند که رجوی در درون ملت ما پایگاهی برای به حاکمیت رسیدن ندارد. همچنین میدانند که رجوی همواره در تلاش بوده تا به حاکمیت ایران برسد. با توجه به نکات فوق آمریکا و غرب تلاش تبلیغاتی شان این بوده که قدرت رجوی را بزرگ جلوه دهند و با به وحشت انداختن مسئولین، از نظام امتیاز بگیرند. د نظام نیز مسئولینی هستند که بجای سازندگی مانده های که در تشییع جنازه امام شرکت کردند و با سازماندهای انبوه غیرتهایی که در کردند و اسلام آبا د بسیج شدند و به جای منجم کردن قدرت مردمی که در یوم... قدس ۶۴ به صحنه آمدند، حاضرند قراردادها یی با غرب ببندند تا از این طریق محدودیتهایی برای رجوی ایجاد کنند.

بحران تشکیلات رجوی از آن جایی شدید میشود که نظام تعدیل گردد. در آن موقع غرب دیگر نیازی به تشکیلات رجوی ندارد و با خود نظام تعدیل شده کنار خواهد آمد. در این معادله چشم انداز به حاکمیت رسیدن رجوی منتفی شده و بحران اوج میگیرد. رجوی یکی ز افتخارات خود را د انفجار دفتر حزب جمهوری میدان و چنین عنوان میکنند که با از بین بردن مغزهای برنامهریز نظام، جمهوری اسلامی به روزمرگی افتاده و دچار کم کیفیتی میشود و عملاً خط مشی تبعی و نفوذ پذیر پیدا میکند. ا و در یک تبعیت مستقیم از امپریالیسم سعی دارد جمهوری اسلامی را در درازمدت به تابعیت غیرمستقیم از امپریالیسم بکشد. یکی دیگر ز افتخارات تشکیلات رجوی در رابطه با قطعنامه این

است که وی اعلام کرد "ما زهر را به امام نوشاندیم" رجوی خطاب به غرب پذیرش قطعنامه را از طرف جمهوری اسلامی امتیاز استراتژیک برای خود برشمرد. پذیرش قطعنامه و ولایت شورای امنیت سازمان ملل را امام خمینی برای خود زهر میداند. نست. اما رجوی انجام این عمل را برای خودش افتخار برشمرد. سعید شاهی هسونند در آخرین مصاحبه تلویزیونی خود خطاب به هواداران سازمان گفت اکنون که جمهوری اسلامی قطعنامه شورای امنیت سازمان ملل را پذیرفته و همه کارها از طریق مذاکره باید انجام گیرد و شما هم دم از قطعنامه و ملاکها و معیارهای بین المللی میزنید، دیگر چه منطقی برای محاربه مانده است. شاهسونند همه هواداران را دعوت کرد که به ایران بازگردند. با تمام این صحبتها بحران تشکیلات رجوی عمیقتر از این مسائل است. به نظر میرسد رجوی به همین دلیل از کار اجرایی کناره گیری کرد تا وقت بیشتری را صرف مقابله با بحران نماید.

### ● ریشه یابی انحراف

یا ریشه یابی ضربه؟ شنیده شده است که مریم عضد انلو سخنانی بدین مضمون گفته است که در قضیه کردند و اسلام آباد ما از قدرت تشکیلاتی (امام) خمینی نبود که ضربه خوردیم بلکه (امام) خمینی مردم را با قدرت ایدئولوژیک و اندیشه های خود بسیج نمود. بنظر میرسد تحولات اخیر در کار رهبری که منحربه تقسیم مسئولیت بین عضدانلو و رجوی شده است بدنبال جمع بندی فوق باشد. بر این اساس قرار است کارهای اجرایی و وقت گیر را عضدانلو انجام دهد و رجوی وقت بیشتری برای کارهای ایدئولوژیک اختصاص دهد. با ید خاطر نشان کرد که در قضیه کردند و اسلام آباد تشکیلات رجوی از حداکثر



قدرت تشکیلاتی برخوردار بود و حالا بنظر میرسد در ریشه‌یابی شکست خودبه ضعف‌ایدئولوژیک رسیده باشد.

در شرایطی که مردم ماقضیه رجوی را در کنار صدام، ملک حسین مبارک و امپریالیسم بررسی میکنند و بعنوان یک نیروی داخلی به آن نگاه نمیکنند، بکار بردن واژه‌هایی نظیر "ریشه‌یابی ضربه" یا "ریشه‌یابی شکست" در کردار و اسلام‌آباد از جانب رجوی تکرار خطاهای گذشته است و باید به ریشه‌یابی انحراف ایدئولوژیک، بپردازد، که چگونه تشکیلاتش در کنار دشمنان قسم خورده خلق قرار گرفته است. در زندان آریامهری نیز غرور رجوی به وی اجازه، ریشه‌یابی درونی ضربه ۵۴ رانداد و پیش‌بینی میشد که در آینده به چنین روزی بیفتد.

در این رابطه باید افزود که مریم عضدانلو در بین صحبتهایش مطلبی را بناچار اعتراف کرده است و گفت که تشکیلات رجوی از عظمت خاصی برخوردار است. چرا که با (امام خمینی درگیر بود. او سلطنت ۲۵۰۰ ساله شاهنشاهی را واژگون کرد. این اعتراف افتخار نیست بلکه جای سؤال است که چرا آن تشکیلات بایستی در یک خط مشی انحرافی فعال شود که هر چه میگذرد پیوندش با امپریا-لیسم بیشتر میگردد.

### ● آرمان‌گرایی یا رفاه اولویت با کدام است؟

احسان نراقی (که در شماره‌های قبل معرفی شده است) در سال ۶۱ طی یک تحلیل ستراتیژیک گفته بود: "ثبات ایران را دو چیز حفظ نموده است، یکی امام حسین (آرمان‌گرایی) و دیگری پول‌نگفت (رفاه)".

در همین راستا رجوی نیز در اوایل انقلاب در محفلی چنین گفته است: "بافت اکثریت جامعه ما را خرده‌بور ژوازی

راست تشکیل می‌دهند و بدون تکیه به این طبقه وسیع نمی‌توان حاکم شد".

باید توجه داشت که خرده‌بورژوازی راست در ایران زیر طبقه یا جیره‌خوار کمپرسور یعنی سرمایه‌داری وابسته است جوهر سرمایه‌داری وابسته نیز سرمایه‌داری نفتی بوده است. یعنی خرده‌بورژوازی راست رفاه خود را مدیون درآمد نفت می‌داند. با این اوصاف رجوی که خود را سخنگوی مجاهدین آرمان‌گرا می‌داند، چنین تحلیلی را در رابطه با جامعه ایران بیان میکند.

تحلیل اساسی برخی مسئولین ما نسبت به بافت ایران این است که اکثریت افراد جامعه از دو ویژگی آرمان‌گرایی و رفاه طلبی برخوردار هستند.

در شرایط جنگ می‌گویند اکثریت مردم برای نان و مسکن قیام نکردند و پس از جنگ می‌گویند اکثریت مردم رفاه طلب هستند و عده کمی هستند که میتوانند بر خواسته‌های رفاهیشان غلبه کنند.

ملاحظه میشود نکته مشترکی بین سه تحلیل استراتژیک فوق وجود دارد. اگر مرز بنسندی بین آرمان‌گرایی و رفاه نشود معلوم نگردد اولویت و جوهریت با کدامیک می‌باشد، بطور خزنده به خط مشی احسان نراقی و رجوی نزدیک خواهیم شد. از نظر ما ویژگی پایدار انسانها در هر جامعه‌ای و به خصوص جامعه ایران، "خداجویی"، "عدل طلبی" و "آرمان‌گرایی" می‌باشد. که رفاه و وابستگی‌ها "حد" این ویژگی پایدار است اصولاً با ایمان و رفاه نموتون برخورد آمار نمود و مثلاً گفت اکثریت آرمان‌گرا هستند یا مرفه هستند. بلکه عدالت‌طلبی و آرمان‌گرایی جوهره هر انسانی است. منتهی در شرایطی بروز ظاهری ندارد و مسلمین بسا شناخت این جوهره انسان قادرند مردم را بسیج نمایند.

کما اینکه ما شاهد بوده‌ایم که حداقل در تاریخ معاصرمان بارها رهبران صالح مردم ما را در عمل صالح بسیج کرده و "حد" وابستگی‌های جانی و مالی مردم را شکسته‌اند. در حالیکه قبل از دوران بسیج، نظر عامه ایران بود که اصولاً روی مردم ایران خاک قبرستان پاشیده‌اند و مردم ایران "راکد" و "رفاه طلب" هستند.

● انقلاب اسلامی و انتخابات اردن  
بر اساس گزارش خبرگزاری‌ها و مطبوعات اخیراً در انتخابات مجلس نمایندگان اردن ۳۰ کرسی از ۸۰ کرسی نصیب بنیادگرایان اسلامی شده. از این ۳۰ کرسی، ۲۰ کرسی متعلق به تشکیلات اخوان المسلمین و ۱۰ کرسی متعلق به بنیادگرایان دیگر بوده است.

رادیو بی بی سی طی تفسیری گفت انتخابات اردن نشان داد خطری که ملکه حسین را تهدید می‌کند نه خطر کمونیسم است، نه خطر ملیون. بی بی سی اضافه کرد لیبرال‌های اردنی و فلسطینی نیز از نتایج این انتخابات ناراحت هستند.

اخوان المسلمین سازمانی است که دو هدف زیر را دنبال می‌کند: ۱- آزادی فلسطین ۲- اجرای احکام شرع

تشکیلات اخوان المسلمین اردن قبلاً توسط ارتش اردن آموزش نظامی می‌دیدند و در سوریه دست به ترور و انفجار و عمل مسلحانه می‌زدند. پس از پیروزی انقلاب اسلامی، از آنجا که این تشکیلات اسلام را در شکل پذیرفته بود از محتوای انقلاب اسلامی متاثر گردید و تسز تشکیل حکومت اسلامی در مسلمانان اردن و این تشکیلات احیا شد و به تهدیدی برای ملک حسین بدل گشت. رژیم اردن هم محدودیت‌هایی پیشمار برای آنها بوجود آورد و عده زیادی از آنها را دستگیر نمود.

بنظر می‌رسد انتخابات آزاد در اردن به منظور پیشگیری از تکرار انقلاب اسلامی است، چرا که برخی از تحلیل‌گران غربی معتقدند اگر شاه ۲ سال زودتر فضای باز سیاسی ایجاد میکرد و انتخابات واقعاً آزاد در ایران صورت می‌گرفت اپوزیسیون یا نیروهای مخالف، در مجلس نظام شاهنشاهی شرکت کرده و ابتکار عمل به دست شاه می‌افتاد. در این صورت مخالفین در کار نظام شاهنشاهی فعال می‌شدند و نمی‌توانستند به صورت یک نیروی برانداز سلطنت در آمده و خواهان حکومت اسلامی شوند.

چند سال پیش پیرامون ملاقات رجوی با ملک حسین مقاله‌ای در راه مجاهد نوشته شد. در آنجا علت اصلی ملاقات، استفاده ملک حسین از تجربیات رجوی در مقابله با "انقلاب اسلامی" و اندیشه‌های امام خمینی ذکر شده بود. چرا که اصلی‌ترین خطر برای ملک حسین مسلمانانی هستند که ضد صهیونیست و ضد امپریالیست بوده و خواهان حکومت اسلامی باشند.

هر چند که تشکیلات اخوان المسلمین با آن سوابق آتچنانی نماینده حرکت اسلام محمدی در اردن نمی‌باشد. ولی می‌تواند نشان دهنده رشد حرکت اسلامی و گسترش آن در منطقه باشد.

ملک حسین می‌خواهد بسا این عقب‌نشینی محدود از رشد و گسترش اسلام محمدی در اردن، جلوگیری نماید.

باید توجه کرد بنیادگرا از دیدگاه تحلیل‌گران غربی در منطقه عربی به کسانی اطلاق می‌شود که از پنج ویژگی برخوردار باشند:

- ۱- عربیت.
- ۲- پیوند عربیت با اسلام.
- ۳- اسلام ضد امپریالیسم.
- ۴- اسلام ضد صهیونیسم.
- ۵- تز حکومت اسلامی.

## درباره

## برنامه پنج ساله

## توسعه و بازسازی

## ● مقدمه

اخیراً "آقای مهندس عزت‌الله سبحانی درباره برنامه پنجساله توسعه و بازسازی" نامه ای خطاب به نمایندگان مجلس شورای اسلامی و مسئولین و عامه مردم نوشته اند.

آقای مهندس سبحانی از چهره های صادق، مسلمان و مبارز ایران بوده و می باشد که ایشان در پیدادگاههای ستمشاهی یکبار همراه مرحوم طالقانی و سران نهضت آزادی به ۴ سال و بار دیگر به ۱۱ سال زندان محکوم شدند. تمامی دوستان و هم بندیهای ایشان از روحیات اسلامی، دلسوزی، سلامت نفس و متانت ایشان حکایتها داشته و دارند. ایشان چه قبل و چه پس از ۲۲ بهمن، در پیروزی و تحکیم انقلاب نقش بسزایی داشته و از اعضای شورای انقلاب نیز بوده اند. قانون حفاظت صنایع مصوب شورای انقلاب توسط ایشان اجرا گردید و مدتی نیز سمت وزارت برنامه و بودجه را عهده دار بوده اند.

آقای سبحانی از جمله شخصیتهایی هستند که چه داخل نظام و چه خارج آن دلسوز اسلام و انقلاب و جمهوری اسلامی بوده و از ارائه طرح و مشورت و پیشنهاد دریغ نکرده اند. امیدواریم مسئولین نیز با نظرات ایشان دلسوزانه برخورد نمایند. از آنجا که نامه ایشان حاوی مطالب مهم استراتژیک میباشد بر آنیم تا گزیده‌هایی از آن نامه را در این شماره درج نمائیم.

## ● دیدگاه سه جناح در نظام در رابطه با تولید

"جناحی در اندیشه حاکم ساختن تجارت و دلالتی در متنی از استبداد و خفقان دینی است و گروهی به شعار و تخریب، بدون ارائه برنامه و راه حل عملی می پردازند و جناحی هم تولید و افزایش تولید را تبلیغ می نماید".

## ● برنامه ریزی آری، اما استقرائنه

گرچه باید اظهار خوشوقتی کرد که حاکمیت سرانجام متوجه شده است که اداره امور کشور بدون تنظیم و ارائه برنامه امکانپذیر نیست و از این رو مسئله برنامه پنج ساله توسعه و بازسازی کشور را به جریان انداخته است. اما با اندک دقت به هدف دولت جدید تمویب این برنامه در مجلس که عمدتاً گرفتن مجوز قانونی جهت وامهای دریافت شده و با درحال دریافت است - اظهار خوشوقتی جایش را به اظهار تأسف و درد می دهد.

## ● کدام تحول بنیادی در نظام اجرایی ضامن اجرای این برنامه است؟

اداری و اجرایی دولت هیچ بودجه‌ای، و هیچ برنامه‌ای بر وفق شکل و محتوای مصوب آن اجرا نمی شود، و حتی درصد محدودی از اهداف اعلام شده آن نیز حاصل نمی گردد؟ چنین تحقیقی ضرورتاً به این سؤال کشانده می شود که چه تحول بنیادی و فراگیری در نظام و تشکیلات اداری - مالی دولت صورت گرفته است که ضمانتی بر اجرای این برنامه پنج ساله تواند بود؟ این همان بوروکراسی و تشکیلات اداری - مالی است که سالهای متمادی بودجه ها و منابع مالی و انسانی

فراوانی را بلعیده و تفریط کرده و کارآیی عملی و واقعی نزدیک به صفر داشته است. همان بوروکراسی که در ده سال گذشته بیش از ۱۲۰۰ میلیارد دلار در آمد نفتی را مصرف کرده و طرحهای نیمه کاره برنامه پنجم رژیم گذشته را هم تمام نکرده است و علاوه بر آن بنا به اظهار آقای رئیس جمهور (روزنامه رسالت ۱۹/۹/۶۸) حدود ۱۲ میلیارد دلار بدهی خارجی هم به میراث گذارده است. در این دستگاه کمتر طرح و پروژه‌ای را می توان سراغ گرفت که با هزینه‌های چندبرابر تخمین اولیه، و مدتی چندین برابر مدت پیش بینی شده، و با ظرفیتی زیر ظرفیت هدف، تمام نشده و به بهره برداری نرسیده باشد، در حالی که تمام بودجه های سالانه طی بیست سال گذشته، خود بودجه برنامه‌ای - یعنی بخشی یا مقطعی از یک برنامه میان مدت پنج ساله - بوده اند. هنوز بعد از گذشت ۱۵ سال بسیاری از اهداف و طرحهای برنامه عمران پنجم کشور که سالها قبل از انقلاب اسلامی (۱۳۵۲) آغاز شد، اتمام نیافته است.....

## ● در مورد صادرات غیرنفتی ساده اندیش نباشیم

در طی ۲۵ سال گذشته که بعضاً "شرایط مساعدتر تجارت جهانی هم وجود داشته است کشور ما فقط یکبار، در سال ۱۳۶۶ توانسته است حجم صادرات غیرنفتی خود (جمع صادرات سنتی و صنعتی) را به یک میلیارد دلار برساند، و تولید همین میزان کالا برای صادرات، حدود نیم میلیارد دلار واردات مواد و غیره لازم داشته است. نتیجتاً خالص تراز بازرگانی این صادرات برای کشور فقط پانصد میلیون دلار بوده است - (یعنی سرانه هر نفر ده دلار در سال - ظرفیت صادراتی غیرنفتی داشته است). حال چه معجزه‌ای اتفاق افتاده یا خواهد افتاد که در پنج سال آینده این مبلغ (طبق لایحه برنامه پنج ساله) به حدود ۱۸ میلیارد دلار جمعاً، متوسط سالانه ۴/۵ میلیارد دلار یعنی بیش از چهار برابر برسد؟!

## ● طی ۵ سال برنامه محصولات گاز و پتروشیمی به بازار نخواهد آمد

... در تبصره ۲۹ لایحه مذکور در بندهای "د"، "ح"، "ی"، "و"، "ز" ارقامی آمده است که تحت عناوین (ایجاد تعهد) یا (تضمین بانک مرکزی)، یا (پیش فروش محصولات گاز و پتروشیمی)، جمعاً معادل ۲۲/۹ میلیارد دلار می باشد. پیش فروش محصولات گاز و پتروشیمی، در حالیکه طرح آنها هنوز در دست مطالعه یا بحث برای قرارداد است، تا پایان دوره (سال ۷۲) به بازار نخواهد آمد. بنابراین تعهد آن بر عهده دولت باقی خواهد ماند و تأمین و بازپرداخت ۱۷/۵ میلیارد دلار ارز از محل صادرات صنایع کشور با توجه به ظرفیت و توان صنایع کشور و احتساب بازار مصرف داخلی، بسیار دور از امکان و عملاً محال است و همه اینها بصورت تعهدات و تضمینهای بانک مرکزی باقی خواهند ماند. به هر حال صرف نظر از امکان بازپرداخت کاملاً ماهیت وامی و تعهدی دارند که در جدول منابع و مآارف ارزی لایحه مذکور منعکس نشده است بدین ترتیب جمع وامها و تعهدات خارجی لایحه برنامه به حدود ۲۵/۴ میلیارد دلار می رسد و اگر عدم تحقق درآمد نفت را، در اثربیش فروش نیز بر آن بیفزاییم، جمع منابع وامی لایحه به بیش از ۲۵ میلیارد دلار بالغ می گردد.

## ● سیاست صادراتی این برنامه منشاء وامهای خارجی است.

..... همین طلبه سیاست صادراتی که در برنامه پنج ساله آمده است - در عین آنکه اصولاً مطلوب است - بدلیل قطعیت عدم تحقق آن، خود منشاء دیگری برای وامهای خارجی جدید خواهد شد. اگر دولت بطور جدی بدنبال اجرای چنین برنامه‌ای باشد، و به اعتبار آن دست به انعقاد قراردادهای خارجی و واردات و ریخت و پاشهای ارزی بزند، در پایان برنامه پنج ساله، حجم وام خارجی برای تأمین هزینه‌های ارزی برنامه، که متأسفانه از همان آغاز تعهدات آنرا ایجاد خواهند کرد، دو تا سه برابر میزان موری اعلام شده در برنامه، یعنی بیش از ۲۵ میلیارد دلار خواهد رسید. در حالی که اولاً - میزان و شرایط

و طرف هر وامی باید بطور روشن به اطلاع و تصویب قوه مقننه برسد که در این لایحه نرسیده است و ثانیاً - ورود این میزان وام به اقتصاد ایران و بازپرداخت انساط آن بکلی از استطاعت و ظرفیت اقتصادی این کشور خارج است. زیرا انساط این وام را اگر به نیاز ارزی واردات کالاهای اساسی، که با کمال تاسف در این برنامه هیچ فکری جدی برای جانشینی آن نشده است اضافه گردد، جمعاً تمام درآمد ارزی کشور از محل صادرات نفت و گاز را خواهد بلعید و باقیی هزینه ها و نیازهای ارزی کشور به امان خدا رها خواهد شد. در آن صورت، اثرات تولیدی و سرمایه گذاری و رشد و توسعه صنعتی این برنامه به کجا خواهد انجامید؟! لذا برای دولت چاره ای نخواهد ماند که جهت تأمین سایر نیازهای ضروری ارزی خود (تقویت بنیه دفاعی - سرمایه گذاریهای زیربنایی مثل برق و نفت و گاز و راه و بسیاری نیازهای ضروری دیگر و نیز هزینه های ارزی سیاسی تبلیغاتی دیگر که دولت فعلی به هیچوجه نمیتواند از آن صرف نظر، یا در آن صرفه جویی نماید) به استقراضهای جدید و متعدد و پرداخت بهره ها - بهره اندر بهره های مکرر با فروش منابع و ذخایر سرمایه های طبیعی و ملی دیگر روی آورد.

● فروش سهام کارخانجات و بانکی پای صاحبان قدرت پولی را به کشور باز می کند

بدون نام سهام کارخانجات و بانکی در بورس پای صاحبان قدرت پولی و مالی داخلی و خارجی را به کشور باز می کند و دست آنها را در فعالیت های اقتصادی باز می گذارد. آنها سرانجام نبض حیات اقتصادی کشور را در دست خواهند گرفت. خرید این سهام - بدون گذر از هفت خوان گزینش و پذیرش، و بررسی های اطلاعاتی انجام می گیرد. - که عموماً برای وارد شدن یک فرد وطن خواه و ملی به دانشگاه و یا موسسه یا مقام دولتی اعمال می شود!! از این رو میدان برای آنهاست که طی ده سال گذشته از غارت منابع ملی، درآمدهای اقشار زحمتکش و حقوق بگیر، ثروتهای کلانی گردآورده اند باز است تا هرچه از اموال تولیدی دولت و ملت را که چرب تر است بخرند و قدرت اقتصادی و سپس سیاستشان را تحکیم نمایند.

● سرمایه گذاری، نظارت و اجراء دست طرف سرمایه گذار

..... تلاش برای است که راه خارجیان گشوده شده و کارهای اجرایی طرحها، بصورت کلید در دست (Turn Key) یعنی سپردن تمامی عملیات مهندسی و اجرایی یک طرح از آغاز تا آخرین مرحله اتمام آن به دست یک پیمانکار خارجی - انجام پذیرد. بدون آنکه بسنجند اینگونه سیاستها، متضمن چه میزان بار ارزی، سیاسی و مرادف با چه میزان تضییع و هدر رفتن سرمایه های انسانی و تجارب و تلاشها و امیدها و امکانات بالقوه و بالفعلی خواهد شد که در بطن نیروهای اجرایی و فنی این کشور، به برکت انقلاب و در اثر فشارهای جنگ تحمیلی شکل گرفته است. جنگ تحمیلی برای ملت ما خسارات بسیار داشت، اما فایده های هم داشت و آن زنده شدن و بسیج بسیاری از نیروهای فنی و تخصصی و اجرایی کشور و نیز پی ریزی روحیه مقاومت و حماسه در رزمندگان بود. تنها، بهره برداری مدبرانه از این سرمایه هاست که می تواند از یک سوی تضمینی بربیک برنامه واقعی توسعه و تولید باشد، و از سوی دیگر، تمام یا بخشی قابل توجهی از خسارات جنگ را جبران نماید. اگر قرار باشد جبران خسارات جنگی با میزانی که تاکنون دولت اعلام کرده است از طرق عادی اجرایی صورت گیرد معادل چهل سال درآمد نفت ما را خواهد بلعید، و این کار امکان ندارد مگر در یک فضای سرشار از عشق و شور و امید و تفاهم و آگاهی که البته اگر حاصل آید معجزه خواهد کرد و نصر و حمایت الهی هم در پشت آن خواهد بود. ولی این فضا، در اثر روندهای سیاسی و اجرایی و امنیتی چندساله اخیر لطمه فراوان دیده است و می بایست، قبل از هرکار، با تدبیر و بینش و شرح صدر به ترمیم این فضا پرداخت.

● اولویت با رفاه یا استقلال

..... در کشور فقیر و ب مانده و خسارت دیده ای مثل ما که تولید و اشتغال و فقر عمومی در آن ابعاد شش تنگی یافته (نسبت درآمد سرانه سال ۶۷ به سال ۵۶ با قیمت ثابت برابریک

و طرف هر وامی باید بطور روشن به اطلاع و تصویب قوه مقننه برسد که در این لایحه نرسیده است و ثانیاً - ورود این میزان وام به اقتصاد ایران و بازپرداخت انساط آن بکلی از استطاعت و ظرفیت اقتصادی این کشور خارج است. زیرا انساط این وام را اگر به نیاز ارزی واردات کالاهای اساسی، که با کمال تاسف در این برنامه هیچ فکری جدی برای جانشینی آن نشده است اضافه گردد، جمعاً تمام درآمد ارزی کشور از محل صادرات نفت و گاز را خواهد بلعید و باقیی هزینه ها و نیازهای ارزی کشور به امان خدا رها خواهد شد. در آن صورت، اثرات تولیدی و سرمایه گذاری و رشد و توسعه صنعتی این برنامه به کجا خواهد انجامید؟! لذا برای دولت چاره ای نخواهد ماند که جهت تأمین سایر نیازهای ضروری ارزی خود (تقویت بنیه دفاعی - سرمایه گذاریهای زیربنایی مثل برق و نفت و گاز و راه و بسیاری نیازهای ضروری دیگر و نیز هزینه های ارزی سیاسی تبلیغاتی دیگر که دولت فعلی به هیچوجه نمیتواند از آن صرف نظر، یا در آن صرفه جویی نماید) به استقراضهای جدید و متعدد و پرداخت بهره ها - بهره اندر بهره های مکرر با فروش منابع و ذخایر سرمایه های طبیعی و ملی دیگر روی آورد.

● برنامه ای با نیت تولید با سر! نجا می ضد تولید

..... برنامه ای که به نیت تولید و توسعه آغاز می شود، خود سرانجام به ضد تولید و توسعه بدل می گردد! مگر نجریه، برزیل و مکزیک از همین گونه ذخایر طبیعی و انسانی عظیم برخوردار نبوده و نیستند؟ تصادفاً مکزیک و برزیل تقریباً صنعتی شده و پیشرفته تر از ما هستند و بسیاری مسائل و بلاتکلیفی های اجتماعی - سیاسی ما را هم ندارند. بهر حال اکنون سرنوشت این سه کشور و نظایر آنها چگونه است؟ آنها بخش عظیمی از درآمد ارزی ناشی از فروش منابع طبیعی (نفت، گاز و ذخایر معدنی دیگر) و کالاهای صنعتی تولیدی خود را صرف بازپرداخت انساط وامهای خارجی می کنند و معذالک اصل بدهی خارجی آنها مرتباً رو به افزایش دارد! فاعتبروا یا اولی الابصار.

● شرایط بانکیها و موسسات مالی بین المللی برای اعطاء وام

..... استراتژی توسعه صادرات از طرف محافل حاکمه بانک جهانی و - صندوق بین المللی پول الف، و با ترفندهایی تحصیل می شود. هدف اعلام شده جهانی آن، جذب اقتصاد کشورهای مستقل در بازار جهانی است و معمولاً تا این اعل از طرف کشوری بخرفته نشود هیچگونه اعتبار و وامی از طرف شبکه بانکهای خارجی به آن کشور اعطاء نمی شود. تعیین کننده میزان و نوع صادرات و واردات هر کشور، در این استراتژی، نیازهای بازار جهانی است که توسط رهبران قدرتهای بزرگ اقتصادی و چندملیتی تعیین می شود. لذا مصالح ملک و ملت و ضرورتهای برنامه توسعه داخلی کشور در آن نقشی ندارد. استراتژی توسعه صادرات، کاملاً در راستای یک نظام تقسیم کار نوین در سطح جهان طراحی شده و مرزهای استقلال اقتصادی و سیاسی ملت ها و کشورهای جهان سوم را تخریب می نماید و همگی را تابع یک نظام سرکردگی جهانی سرمایه. و حکومت چند ملیتیها می سازد.

شرایط دیگر دریافت وام و اعتبار از مؤسسات مالی و بانکی بین المللی ارائه مهر تجویز آن از طرف صندوق بین المللی پول است. صندوق بین المللی پول بعنوان ابزار مرکزی قدرتهای بزرگ اقتصادی جهان و چند ملیتیها مهر تجویز خود را منوط به اصلاح ساختار اقتصادی مالی کشورهای خواهان وام و اعتبار می سازد. عمده ترین اصولی که در اصلاح ساختار اقتصادی، اجتماعی برای تجویز اعطای وام و اعتبار خواسته می شود عبارتند از: اجرای سیاست درهای باز (که از طریق حذف تدریجی موانع گمرکی، خودداری از اعمال سیاستهای حمایتی از صنایع داخلی)، تثبیت نرخ ارز همراه با کاهش نرخ پول داخلی، اعطاء مشوقهایی برای سرمایه گذاری خارجی و استفاده از - خدمات خارجی، واگذاری

به انقلاب و اسلام و استقلال ملی، چنین سختگیر و نگران و ترسانند؟

● مشکلات پیچیده کشور ما تنها با دست و اندیشه جمعی مردم ما حل می شود .

..... از يك طرف شرایط اجتماعی- فرهنگی داخل کشور ما، انقلاب و انتظارات آرمانی مردم بخصوص نسل جوان، و مصرف زدگی ناشی از بینش نفتی در کل جامعه، و از سوی دیگر، خسارات عظیم سرمایه‌ای (مادی، انسانی، اجتماعی) که بعد از پیروزی انقلاب و بخصوص در اثر هشت سال جنگ تحمیلی، مجموعاً شرایط خاصی را در کشور ما ایجاد کرده است که وضع ما و راههای درمان و رفع بیماریها و نابسامانیهای موجود را بکلی با تمام کشورهای دیگر جهان، اعم از صنعتی یا نیمه صنعتی یا عقب مانده، متفاوت می‌گرداند. و لذا، اولاً الگوی قابل تقلید و حاضر و آماده، و یا کارشناس و محفل کارشناسی جهانی وجود ندارد که مسائل جامعه ما را بهتر از ما بشناسد و بتواند راه ویژه‌ای برای حل مسائل پیچیده کنونی ارائه نماید. هر مشکل و مسأله‌ای صرفاً باید به دست و با فکر و اندیشه جمعی مردم ما حل شود. استفاده کامل از تجارب و عبرتهای ملل تنها با هدایت و حاکمیت ملی خودی باید صورت گیرد. ثانیاً میزان فقر عمومی و خسارات وارده بر ما آنچنان است که به ما اجازه پرداخت هزینه‌ها و حقوقها و سودها و کمیسیونهای فراوان به بیگانگان، بخصوص غربی‌ها - که بسیار گرانقیمت است - رانمی‌دهد. اینها همه مؤید بر این امر است که راه توسعه درون‌زا و نگاه و تکیه به داخل یگانه مصلحت ملت ایران و تنها راه در مقابل انقلاب اسلامی است و بی.

**پیشنها دات**

● برنامه توسعه و بازسازی دز سرزمین جنگ‌زده و خسارت دیده‌ای چون ما. باید بسر حداکثر صرفه جویی و امسال در هزینه‌های ریالی و ارزی، و حداکثر بهره‌برداری و بسیج نیروهای داخلی، و استفاده از ظرفیتهای و طرحهای نیمه تمام و تکمیل و بهره برداری اقتصادی از آنها باشد. و این ایجاب می‌کند که در برنامه اول:

- ۱- با سرعت، ولی با تعقل در اصلاح بنیادی بوروکراسی و نظام اداری و سیستم حسابداری و نظارت ملی، و تمهید و تحویل، اقدام عاجل صورت گیرد.
- ۲- فقط به انجام و تکمیل و بهره برداری مقتصدانه از طرحهای نیمه تمام صنعتی، کشاورزی و زیربنایی پرداخته شود و هیچگونه سرمایه‌گذاری جدید آغاز نشود. مگر طرحهای صنایع سرمایه‌ای و واسطه‌ای، که موجب خودکفایی منسایع موجود کشور می‌شود. و اغلب موافقت اصولی آنها، تاکنون برای بخش دولتی یا خصوصی صادر شده است.

۳- در میان طرحهای نیمه‌کاره دولتی و خصوصی طبقه‌بندی و تمایز صورت گیرد و آنها که صنایع واسطه‌ای و سرمایه‌ای را تشکیل می‌دهند اولویت اول یابند.

۴- در مورد کارها و طرحهای جدید باید اولین و بالاترین اولویت به تکمیل

و گسترش مبانی تولید کالاهای اساسی (گندم، علوفه، دانه‌های روغنی، چغندر و نیشکر، برنج و ...) و صنایع مربوط به آنها داده شود. این کارها، کمترین هزینه ارزی و ریالی را در بر خواهد داشت و آثار اقتصادی و استراتژیک آن نیز بسیار مهم است. و ضمناً، هم زودتر و سریعتر به بهره‌برداری و ایجاد درآمد برای مردم و صرفه جویی ارزی برای دولت خواهد رسید و هم با مجموعه نیروی انسانی کارشناس و غیرکارشناس درونی کشور قابل اجراست و نیازی به پیمانکار و مشاور خارجی ندارد.

۵- در مورد اشتغال باید تاکید و تکیه را بر ایجاد اشتغال در امور زیربنایی، مثل راه و راه آهن و تاسیس شبکه‌های آبیاری و مهندسی زراعی و ایجاد مجموعه‌های وسیع مسکن ارزان قیمت برای اقشار حقوق‌بگیر دولتی و خصوصی. قرارداد در اجرای تمام این کارها باید از طریق، دستی و کارگری استفاده کرد که امروزه در کشورهای هند و پاکستان و چین و غیره مرسوم است. نه با طریق ماشینی.

۶- تاکید و فشار بر آموزش فنی و حرفه‌ای و تربیت نیروهای متخصص طراح، مجری، و مدیریت در تمام سطوح.

دوم هده است) و علاوه بر آن تاسیسات سرمایه‌ای بسیاری نیز در جنگ تحمیلی هشت ساله ویران شده یا ضایعات سنگینی یافته است، در چنین کشوری هزینه‌های رفاهی تنها می‌تواند درصد کوچکی از ارزش افزوده تولیدات کشور را بخسود اختصاص دهد و بخش اعظم ارزش افزوده باید صرف سرمایه‌گذاری تولیدی گردد تا به تدریج که حجم تولیدات بالا رفت و خسارات سرمایه‌ای رو به جبران نهاد، سهم رفاهی هم افزایش یابد. از اینجاست که تمام صاحب نظران اقتصادی معتقدند که در جوامع فقیر و وابسته، رفاه و توسعه اقتصادی یا رفاه و استقلال اقتصادی کشور با هم تضاد پیدا می‌کنند، لذا باید با دقت، نسبت معقولی بین این دو سیاست ایجاد گردد و تمام سهم رفاهی به نیازهای اقشار کم درآمد اختصاص یابد و کسری باقی مانده در این بخش، از درآمدهای اغنیاء، بصورت داوطلبانه اسلامی و یا بطریق سازمان یافته دیگری تأمین گردد. حال دولت جدید که در آغاز تصدی خود حدود پنج میلیارد دلار به واردات کالاهای اساسی و ارز مسافر و فروش در بازار (که از آن طبعاً مرفهین و دلان ارز منتفع خواهند بود) برای چشم‌روشنی به مردم، تخمینی داده است، آیا می‌داند که در سالهای آینده، دیگر نمی‌تواند از این میزان عقب نشینی نماید؛ و در این صورت تخصیص تقریباً نصف درآمد ارزی کنونی دولت به یک امر مصرفی جاری چه جایی برای توسعه و سرمایه‌گذاری تولیدی و سایر امور زیربنایی و دفاعی واجب باقی می‌گذارد؟ .....

● در شرایط متلاطم فعلی هیچ شرکت معتبر خارجی بدون تضمین سنگین به ایران نمی‌آید

ده سال کارشناسی و نیروی کاردان علمی و فنی کشور و بطور کلی تخصص و عقلانیت را در این سرزمین به عنوان وابسته و غرب زده و طاغوتی و ملی‌گرا و چپ‌گرا و ... تحقیر و سرکوب و طرد نمودند، و امروز همانهایی را که از این معرکه‌ها جان بدر برده و یا علاقتشان به مملکت و انقلاب آنچنان بوده است که به رغم آن فشارها و تحقیرها و عدم امنیت‌ها در کشور باقی مانده و به خدمت ادامه داده‌اند. آیا امروز باید آنها را برای باز کردن راه پیمانکار خارجی به عنوان بی‌کفایت و نادان و عقب مانده کوبید و تحقیر نمود؟ در حالی که هر آشنایی به امور می‌داند که هیچ پیمانکار و مشاور و یا کمیانی معتبر و با حیثیت بیگانه، در شرایط متلاطم و بی‌ثبات سیاسی - اجتماعی کنونی ایران به این کشور نمی‌آید، مگر با اخذ تضمینهای سنگین و قیمت‌های بسیار سنگین‌تر که هرگز برای ملت و کشور جنگ‌زده و خسارت دیده ما قابل تحمل نیست، و یا شرکتها و اشخاص شارلاتان و دلال کهمدفی جزء - سرکیسه کردن کشور ما را ندارند. آیا باید

● گسترش صادرات، در صورت تکیه بر منابع داخلی مفید است

..... پس در نفس گسترش صادرات تردیدی نیست، اما این صادرات به شرطی مفید به استقلال و اعتلای اقتصادی و صنعتی می‌تواند باشد که حداکثر تکیه را به منابع داخلی (منابع طبیعی، سرمایه، نیروی کار و مدیریت) داشته و نیازهای جاری واقعی و قناعت - آمیز داخلی و نه نیازهای کاذب و لوکس گرایانه جامعه را تأمین نماید. ....

● با زسازی از طریق بسیج نیروهای داخلی

حکومتی که قصد بازسازی همه جانبه کشور را دارد و می‌خواهد عقب ماندگی‌ها و خسارات چند ده ساله اخیر را جبران نماید، بدون جلب اعتماد و ایمان اکثریت اقشار تولیدگر، و بخصوص افراد فنی؛ کاردان و کارشناس آگاه داخلی، هرگز قادر به کوچکترین موفقیتی نخواهد بود.

بالاتر از همه، مگر امر به معروف و نهی از منکر به معنای مراقبت و نظارت همه مردم بر اعمال و رفتار و سیاست‌های حکومت‌ها و کرسی نشینان قدرت، از ضروریات و واجبات شرع مقدس اسلام نیست؟ و مگر در فرهنگ قرآن و اهل بیت رسول خدا این امر به عنوان یگانه ضامن سلامت و کمال جوامع انسانی معرفی و تأکید نشده است؟ چگونه است که نسبت به مشورت و رای و نظر و راهنمایی گرفتن از صاحب نظران دلسوز و حضور فعال تر اقشار متعهد

ادامه " گذشته چراغ راه .... "

تحولات ناخوشایند توجه نمایند؟ و آیا با این زمینه‌های موجود، اگر خودنیز مسئول شوند راهی جز حرکت در این راستا دارند؟

طبعاً اجرای مفاد زهرآگین قطعنامه، به شیوه‌های استبدادی نیز نیاز خواهد داشت که در این رابطه مارکها تکفیرها و حذفها و جوسازیها راه میافتد. غرب تا تمام مفاد اسارت با قطعنامه را که بقول امام به مثابه زهر است پیش نبرد، مذاکرات را از بن بست خارج نخواهد ساخت. این قطعنامه، استراتژی غرب جهت حل معادله‌اش با بنیادگرایی اسلامی است. آقای اصغرزاده نماینده محترم تهران در نقد سخنان آقای رجایی خراسانی بتاریخ ۶۸/۷/۵ گفتند: " ولی من متأسفانه میبینم این روزها

### درواقع قطعنامه

روندی است که سعی در

استحاله تدریجی نظام از خط انقلابی امام

به خطوط میانه

و در نهایت وابسته نمودن بیشتر کشور

به غرب را دارد.

کسانی به اسم وزارت خارجه یا به اسم کسانی که دست اندرکارند، در کار سیاست خارجی صحبت میکنند که اینها اغلب افکارشان ترجمه شده مقالات خارجی است. اینها تئوریهای ترجمه‌ای را بکار میبرند و هیچگونه استقلالی از این جهت که افکار و تئوریهای خودشان را بر مبنای ارزشهای انقلاب استوار نکنند ندارند. اینها حرفهایشان به ضرر منافع ملی ماست "

توجه شود که آقای رجایی خراسانی بر مبنای پذیرش استراتژیک قطعنامه ۵۹۸ آن صحبتها را کردند و در تاریخ ۶۸/۶/۲۸ گفتند: " بعد از پذیرفتن قطعنامه ۵۹۸ سیاست خارجی کشور ما در منطقه خلیج فارس بخصوص در جهت صلح و تسنح زدایی تعریف شده ... معنی ندارد که ما با عراق حاضر باشیم با روشهای مسالمت آمیز حل اختلاف کنیم و بعد، از تجدید رابطه سیاسی با عربستان روگردان باشیم " برادر اصغرزاده علی‌رغم انتقاد به برقراری روابط با عربستان، در مورد استناد و استدلالی که آقای رجایی خراسانی به قطعنامه ۵۹۸ داشتند، صحبتی نکردند.

تاکید این نکته را لازم میدانیم که قصداً نفعی قطعنامه ۵۹۸ نیست بلکه در عین پذیرش تحمیلی قطعنامه بایستی با اقتدا به امام:

اولاً در مذاکرات صلح فعالانه شرکت کنیم و برای خارج نمودن مذاکرات از بن بست به استکبار جهانی کوچکترین امتیاز استراتژیکی ندهیم بلکه از طریق برخورد های صادقانه با مردم و بسیج عمیق تر آنها - موجبات یکپارچگی امت را فراهم آوریم. بنظر ما راه حل کوتاه مدت و عاجل در مذاکرات فوق:

- طرح قطعنامه ۵۹۸ در حد آتش بس و عقب نشینی نیروها به مرزهای بین المللی است. غرب با تکیه بر

مفاد زهرآگین قطعنامه، حاضر به پذیرش عقب نشینی نیروها نبوده و خواهان اسارت هر دو ملت ایران و عراق است نه خواهان صلح و حل ریشه تجا و نز. در صورت عناد قدرتها و ادامه تجا و زات صدام بایستی برای شورای امنیت جهت عقب نشینی نیروها ضرب العجل زمانی تعیین کرده و در صورت عدم اقدام مجامع بین المللی در این زمان، با تکیه بر نیروی لایزال ملت اقدام به دفع تجا و ز نماییم. تنها از این طریق است که بدون دادن امتیاز به استکبار موفق به دفع تجا و ز میشویم

در رابطه با عناد شورای امنیت در تمام جنگ، آقای مهندس آخوندزاده و دکتر لاریجانی طی مصاحبه‌ای با روزنامه رسالت ۶۸/۹/۲۹ سخنانی داشتند که ذکر آن را مفید میدانیم: مهندس آخوندزاده: " اولین سوالی که مطرح میباشد این است که به چه علت شورای امنیت پس از انتشار قطعنامه ۵۹۸ که حدود دو سال از صدور آن میگذرد دست به هیچ اقدام دیگری نزده است و این در حالی است که در بنده قطعنامه ۵۹۸ پیش بینی شده است که در صورت عدم اجرای قطعنامه شورا اقداماتی را به منظور اجرای قطعنامه انجام خواهد داد ... روند تحولات اخیر در جهان و حل و فصل مناقشات منطقه - ای از طریق سازمان ملل، فارغ از الزامات حقوقی بوده و صرفاً بر اراده سیاسی متکی است "

دکتر لاریجانی: " در عین اینکه من احترام زیادی برای سیستم سازمان ملل قائل هستم اما نمیتوانم این را مخفی کنم که اصلاً سیستم سازمان ملل هم اگر چه ظاهر آن برای حفظ حدود و ثغور کشورها بوجود آمد و خدمات زیادی همان انجام داد، اما منطقی که آنرا تشکیل داد همان منطق مترنیخی و بیسمارکی بود یعنی اداره دنیا توسط چند قدرت بزرگ و همین منطق سبب میشود که در سازمان ملل مؤلفه توافقات چند قدرت، دبیرکل را حرکت بدهد ... من معتقد نیستم که ما باید تسلیم چند قدرت جهان بشویم اما در عین حال آن چیزی که ما پشت سر سیستم بین الملل داریم یک چنین ماهیتی را با خود حمل میکند "

امید داریم با یقینی که در یک سال اخیر در رابطه با وابستگی کامل سازمان ملل و دبیرکل، به استکبار جهانی ایجاد شده است در رابطه با حل مناقشات خود با عراق و رسیدن به صلح عادلانه، به شورای امنیت بیش از این امید بسته و دست روی دست نگذاریم.

ثانیاً - در درون خود، قطعنامه را زهری مهلک دانسته و علت کشندگی آن را بیایم و اگر علت زهر بودن آن را برای مردم بیان نمیکنیم و از این طریق موجب غفلت آنان نسبت به توطئه‌های استکبار جهانی میشویم لا اقل از طریق راهنمای عمل کردن آن در سیاست داخلی و خارجی برای استراتژی غرب پایگاه مردمی درست نکنیم و بعد بگوییم مردم رابطه با آمریکا میخواهند. البته هرگز نبایستی فراموش کرد که راه حل اساسی و دراز مدت آن است که به دنبال کشف علل و زمینه‌های داخلی باشیم که موجب فراهم آوردن شرایط اضطرار شد و امام و مردم را علی‌رغم میل باطنی مجبور به پذیرش قطعنامه نمود که در محور بعد به این مهم خواهیم پرداخت.

## دلایل اضطرار مادر پذیرش قطعنامه ۵۹۸

همزیستی مسالمت آمیز دائمی با کفر حربی معنی و مفهوم ندارد حتی همزیستی تاکتیکی نیز از موضع اضطرار و اکراه بوده و مدت دار و محدود است امام (ره) هم با زهرنا میدن قطعنامه ۵۹۸ محتوی آنرا در ردیف گوشت میته و خوک قرار دادند.

- ۳- در انجام عمل اکراه داشته باشد و احساس لذت ننماید.
- ۴- در شرایط واقعا اضطراری، عدم انجام این عمل حرام است.
- ۵- وقتی این عمل را انجام میدهد استغفار کند. یعنی خودسازی کند و توان خود را آنچنان بالا ببرد که با ردیگر مضطرب نگردد. البته این عمل عقوبت اخروی ندارد.
- ۶- انجام عمل در حد دفع ضرر باشد و آن حدتجا و زنشود.
- ۷- این عمل موقت و گذرا و نسبی است یعنی وقتی شرایط اضطرار از بین رفت باید به حکم و روال اول برگردیم.

بنظر میرسد شرایط پذیرش قطعنامه از جانب امام نیز مانند این حکم قرآنی به علت اضطرار بوده است به این دلیل که امام رضوان الله علیه بارها تاکید کرده بودند که صلح بین اسلام و کفر معنا ندارد. بنظر ما، آنچه در صدر اسلام هم داشته ایم در حدیبیه، در صلح امام حسن ع، همسه محدود و مدت دار بوده است همزیستی مسالمت آمیز دائمی با کفر حربی در اسلام معنی و مفهوم ندارد حتی همزیستی تاکتیکی نیز از موضع اضطرار و اکراه است امام رضوان الله علیه با زهرنا میدن قطعنامه ۵۹۸، محتوی آنرا در ردیف گوشت میته و خوک و پذیرش آنرا در ردیف "اکلمیته" در شرایط اضطرار قلمداد کرده اند و با اینکار به دو دلیل، قطعنامه را از اعتبار ایدئولوژیک انداخته و به عهدنامه و مقاولسه نامه موقت و گذرا تبدیل نموده اند. اول اینکه آنرا زهر دانستند دوم اینکه راه مبارزه با اسلام آمریکا را گشودند. و شاید منظور امام این بوده که اگر در شرایط اضطرار مجبور هستیم امتیازی بدهیم در عوض امتیاز بزرگتری را نصیب ملت ایران کنیم که همانا پاکسازی ایدئولوژی آمریکایی در درونمان میباشد. تا زمانیکه این ایدئولوژی جاری و جاری است مسلمانی نمیتوان با غرب مبارزه ای بنیادین کرد که این خودمیتوانند یکی از عوامل پذیرش قطعنامه ۵۹۸ باشد.

دلایلی که حجه الاسلام هاشمی رفسنجانی در مصاحبه ۲۷ تیر ۶۷ تحت عنوان علل پذیرش قطعنامه ۵۹۸ مطرح کردند بدین مضمون بود: ۱- کاربرد شدید و وسیع سلاح شیمیایی توسط عراق ۲- موضع عمدی آمریکا در قسوت و بیگناه

اصلیترین وظیفه وفاداران جان به کف حرکت ضد استکباری امام رضوان الله علیه در شرایط حاضر این است که با درک نیازهای اصیل امام، درصدد پاسخگویی به آن باشند تا روح آن بزرگوار را از این طریق شاد نمایند. بنظر میرسد که اهم این وظایف بطور اجمال عبارتند از: ۱- تلاش در جهت خروج از اضطراری که موجب نوشاندن زهر مهلک ۵۹۸ به امام گردید (ریشه یابی استراتژیک قبول قطعنامه ۵۹۸)

- ۲- مبارزه با اسلام آمریکا و ارائه اسلام ناب محمدی ص (ریشه یابی ایدئولوژیک پذیرش قطعنامه ۵۹۸)
- ۳- بررسی اینکه چرا امام رضوان الله علیه، قطعنامه ۵۹۸ را یک استراتژی دانستند.

۱- تلاش ما، در جهت خروج از اضطراری که موجب نوشاندن زهر مهلک ۵۹۸ به امام گردید (ریشه یابی استراتژیک پذیرش قطعنامه ۵۹۸)

مفهوم اضطرار:

انما حرم علیکم المیتة والدم و لحم الخنزیر و ما اهل به لغير الله فمن اضطر غیر باغ ولا عاد فلاثم علیه ان الله غفوراً رحیم" بقره ۱۷۳

"جزاین نیست که حرام کرد بر شما مردار و خون و گوشت خوک و آنچه نام خدا بر آنان برده شد. پس اگر کسی ناچار شود نه ستم کننده و نه تجاوز کننده، نیست گناهی بر او و همانا خداوند آمرزنده و مهربان است"

طبق آیه شریفه فوق و آیات دیگر در این زمینه مثل آیه ۳ سوره مائده، حکم قرآن به این صورت است که اگر بنده ای مضطرب و ناچار شد در شرایط خاصی برای دفع ضرر میتواند عمل حرامی را انجام دهد اما به شرط و شروط خاصی که بدین مضمون در تفسیر "پرتوی از قرآن" مرحوم طالقانی جلد دوم ص ۴۵ و ۴۶ آمده است:

- ۱- دلایل محکمی برای شرایط اضطراری داشته باشد.
- ۲- انجام حرام برای رضای خدا باشد یعنی تن به حکم قرآنی بدهد.

قوتشان بشمار میایدنقطه ضعف ما نیز فقدان سلاح سنگین و مدرن، آنهم به مقدار کافی بود. دست شستن یک انقلاب از نقطه قوت خود یعنی تکیه بر انسان مومن و روشهای جنگ چریکی خودکفا که به میلیتاریسم غرب ضربه میزند و چرخش به سمت نقطه ضعف خود یعنی تکیه بر سلاحهای پیچیده تنها با کلاسیک کردن جنگ ممکن بود که انقلاب را در مقابل هجوم میلیتاریستی غرب ضعیف نمود. تا جائیکه مجبوره پذیرش قطعنامه ۵۹۸ شدیم. چرا که دولت قادر به تامین سلاح، بدلیل فشارهای اقتصادی- مالی که با آن مواجه بود نبوده و با اجبار، ادامه جنگ در شکل کلاسیک نیز به بن بست میرسید (ر- ش به مقاله بن بستهای استراتژیک عملیات چشمگیر مندرج در راه مجاهد ۴۹ مهر و آبان ۶۷)

## ۲- اتکا به درآمد نفت :

فرمول فروش نفت جهت تهیه ارز برای خرید سلاح و سایر نیازها احتیاج اقتصادی ضروری کشور موجب شد تا ثبات جنگ و تا حدودی نظام سیاسی کشور به درآمد نفت وابسته شود و بحران و شوکهای وارده توسط غرب به درآمد نفتی ایران موجب فلج شدن منبع مالی جنگ گردد. با یک توجه ظریف ملاحظه میکنیم که از یک طرف جنگ دفا عیمان متکی به درآمد نفت شده بود و از طرف دیگر درآمد نفتمان هم به چهار نوع بی ثباتی وابسته بود که توضیحاً به قرار زیر است:

- صادرات نفت وابسته به امنیت در محیط آسیایی خلیج فارس و دریای عمان و آبهای بین المللی بود که با حضور ناوگانهای دشمنان این امنیت آسیایی به خطر افتاد و بعلاوه، مجموعه استکبار جهانی از نظر نیروی دریایی نسبت به ما برتری داشتند.

- صادرات نفت وابسته به امنیت هوایی بوده و هست که از این جهت نیز در پوشش هوایی چاههای نفت علیرغم موفقیتهایی که داشتیم ولی در ابعاد استراتژیک با توجه به هماهنگی نیروی هوایی آمریکا، اسرائیل، عراق و عربستان نهایتاً برتری هوایی با غرب بود.

- برای فروش نفت با زارهای مناسب نداشتیم چرا که بخاطر انقلابی بودنمان، نفت را حتی به قیمت اوپک نیز با تولید بالا نمیخردند و اضطراراً تخفیفهایی داده میشد. تازه این مقدار نفتی هم که غرب از ما میخرد، برای این بود که خرج بوروکراسی ادارات تامین شود زیرا غرب سقوط نظام بوروکراسی را به مصلحت خود نمیدید و الا با آن درآمد نمیشد کار عمرانی یا دفاعی عمیقی دست زد در واقع درآمد نفت صرف حفاظت از نفت میشد و در یک محاسبه عمیق، از صد و هربشکه نفت خود ضرر میدادیم.

- به فرض اینکه سه مشکل فوق یعنی امنیت آسیایی امنیت هوایی، رسوخ در بازار جهانی را حل میکردیم با دلارهای حاصله، هر نوع اسلحه ای که لازم داشتیم را به ما نمیدادند. کارتلهای فروش اسلحه خط مشیهای دارند که حاضر نمیشوند به کشور مستضعفی که در حال دفاع در مقابل دنیا است اسلحه مورد نیازش را بدهند چنانچه ملاحظه شد، در طول جنگ بدیهیترین اصل سیاست، (وابسته نمودن جنگ دفا عیمان به نفت، با عبور از چهار

کشی مسافرین ایرباس ۳- انگ اشغالگری و جنگ طلبی به جمهوری اسلامی زدن که هواداران ما را مسئله دار مینمود ۴- مبارزه با علت و رها کردن ظاهری معلول برای مبارزه بهتر با آنها.

بنظر میرسد که امام برخی از دلایل خود را برای تشخیص شرایط اضطرار در پیا م حج ۶۷ آورده اند. نظیر سادها اندیشی برخی از مسئولین و روحانیون نسبت به سرمایه داران و مرفهان بی درد، عملکرد غلط روحانیون و مسئولین در برخورد با التقاط فکری و سوق دادن آنان به سمت تشکیلات ستون پنجم رجوی، عدم مرز بندی بین اسلام آمریکایی و اسلام ناب محمدی.

با توجه به مسئله "اضطرار" در پذیرش قطعنامه ۵۹۸ توسط امام، بنظر میرسد که وظیفه ما این است که با اقدام به یک جمع بندی از علت پیدایش شرایط "اضطرار" نقاط ضعف گذشته را اصلاح نماییم و از این طریق بتدریج نظام جمهوری اسلامی را یاری نموده و از شرایط اضطرار نجات دهیم.

## ● عوامل اضطرار :

تا آنجا تیکه به نظرمان میرسد، برخی از عوامل عمده که موجب ایجاد شرایط اضطرار گردیده قرار زیر میباشد :

### ۱- کلاسیک نمودن جنگ :

بطوریکه در گزارش سنا تور تا آورده است بعد از عملیات رمضان (سال ۶۲) جمع بندی اسرائیلیها مبتنی بر این نظریه بود که ایران آنها به جنگ کلاسیک روی آورده اند و از آنجا که جنگ کلاسیک به سلاح زیاد و تجهیزات مدرن نیاز دارد، بایستی از طریق تامین نیازهای تسلیحاتی ایران، به این کشور نزدیک شده و قدرت تاثیر گذاریمان در روند تحولات سیاسی - نظامی جنگ را فزونی بخشیم - آنطور که معروف شده، مذاکرات مک فارلین بعنوان معامله اسلحه با آزادی گروگانها بوده است ولی نظر ریگان، آمریکا اهداف ۴ گانه ای را دنبال نمیکرد است ریگان در مصاحبه ای گفت (کیهان ۱/۹/۶۵): "... هدفهای ما چهار جنبه داشت چیز بهتری را جانشین مناسبات کلاسیک ما خصانه موجود سازیم، جنگ ایران و عراق را از راه گفتگو به پایان برسانیم، به تروریسم پایان بخشیم و در حقیقت موجبات آزادی گروگانها را فراهم آوریم... آنها (ایرانیها) به ما اطلاع دادند که از تروریسم حمایت نمیکنند."

کیهان ۱۸/۸/۶۵: " طرح مک فارلین که طی یک یادداشت رسمی ارائه شده میگوید بهبود روابط ایران و آمریکا به چند شرط وابسته است- توافق ایران دایر بر توقف صدور انقلاب و تروریسم در منطقه خلیج فارس - مذاکره برای خاتمه جنگ ایران و عراق - همکاری در آزاد سازی گروگانهای آمریکایی"

چنانچه ملاحظه شد اسرائیل و آمریکا به کلاسیک شدن یک جنگ ضد امپریالیستی امیدفرآوانی داشته و دارند زیرا که ویژگی اصلی آنها میلیتاریسم بوده که از نقاط

کانال بی ثبات" زیرا گذارده شد. بی‌جان نبود که امام رضوان الله علیه در پیاپی حج سال ۶۴، از نعت به عنوان "بت" یاد کردند و برای رهایی از اسارت آن دعا نمودند.

### ۳- انگ التقاط زدن به نارساییها:

در طول ۸ سال جنگ دفاعی و حتی قبل از آن، حرکت اصطلاحاً "ضدالتقاطی راه افتاد که منجر به تصفیه و سرکوب عده بسیاری از جوانان شد. همان جوانانی که اولاً عدل طلب بودند ثانیاً - شورانقلابی داشتند ثالثاً بدنبال "اسلام راهنمای عمل" میگشتند. در راستای دستیابی به قرآن در صحنه، بدلیل خلائی که حوزه‌های علمیه در این مورد داشتند و بسیاری از روحانیون نیز به آن اعتراف کرده‌اند، خود اقدام به این امر مقدس نمودند بالطبع در این مسیر، ضعفها و فرازونشیبهایی نیز داشتند که برای یک حرکت نوپا طبیعی بود. از طریق برچسب التقاط، بسیاری از این جوانان عدل طلب که به قول امام رضوان الله علیه، قلبشان برای اسلام می‌طپید حذف شدند و به دام ضدانقلاب افتادند. طبعاً عافیت طلبانی که مبارزه‌ای نکرده بودند تا انحرافشان آشکار گردد، بتدریج پروبال گرفتند. نتیجه این حرکت بظاهر ضدالتقاط که انفعال بسیاری از مبارزین را در برداشت، توانایی داخلی ما را در مبارزه با تهاجم بین المللی قدرت‌ها کاهش داد و نهایتاً از موضع اینکس مردم بریده‌اند و از جنگ خسته شده‌اند و به جبهه نمی‌روند. ... مبادرت به پذیرش قطعنامه ۵۹۸ شد.

باتوجه به این خطر بود که امام در پیاپی حج سال ۶۷ یعنی همان پیامی که قطعنامه را پذیرفتند گفتند: "علما و روحانیون انشاء الله به همه ابعاد و جوانب مسئولیت خود آشنا هستند ولی از باب تذکروتاکید عرض میکنم امروز که بسیاری از جوانان و اندیشمندان در فضای آزاد کشور اسلامی احساس میکنند که نمیتوانند اندیشه‌های خود را در موضوعات و مسائل مختلف اسلامی بیان دارند باروی گشاده و آغوش باز، حرفهای آنان را بشنویید و اگر بپراهم می‌روند، بابیانی آکنده از محبت و دوستی، راه راست اسلامی را نشان آنها دهید و بایده این نکته توجه کنید که نمی‌شود عواطف و احساسات معنوی و عرفانی آنان را نادیده گرفت و قورا" انگ التقاط و انحراف بر نوشته‌هاشان زد و همه را یکباره به وادی تردید و شک انداخت. اینها که امروز اینگونه مسائل را عنوان میکنند مسلمانان دلشان برای اسلام و هدایت مسلمانان می‌طپد و الا داعی ندارند که خود را با طرح این مسائل به درد سربیانندازند اینها معتقدند که مواضع اسلام در موارد گوناگون همان گونه ایست که خود فکر میکنند. بجای پرخاش و کنار زدن آنها، با پدیری و الفت با آنان برخورد کنید. اگر قبول هم نکردند ما یوس نشوید در غیر این صورت خدای نا کرده به دام لیبرالها و ملی گراها و یا چپ و منافقین می‌افتند و گناه این کمتر از التقاط نیست"

اینکه امام رضوان الله علیه از باب "تذکروتاکید" مطلب بسیار مهمی را جمع به عمل کرد غلط ۱۰ ساله در مورد

### دست شستن از نقطه قوت خود

یعنی تکیه

بر انسانهای مومن و

چرخش بسمت نقطه ضعف خود

یعنی تکیه بر

سلاح های پیچیده (جنگ کلاسیک)

از عوامل پذیرش قطعنامه ۵۹۸ بود.

مبارزه با "التقاط" را عنوان میکنند مطلب کم اهمیتی نبوده و بسیار جدی میباشد. بنظر میرسد یکی از ریشه‌های انفعال در بین مبارزین و صاحب نظران و لذا تحمیل قطعنامه به امام همین مسئله باشد. چنانچه ذکر شد، امام گناه "انگ التقاط" را کمتر از "التقاط" نمیدانستند. در طول ۸ سال جنگ، خط باندهای مرموز و بدون اسم و رسم و جریانات جوساز و برخی از مسئولین و روحانیون در نظام، مارک "التقاط" زدن به مخالفین خود بود حتی جرم اصلی سید مهدی هاشمی، "التقاط" معرفی شد. به عبارتی عده‌ای در نظام خطی داشته‌اند (انگ التقاط) که خطرش از خود "التقاط" کمتر نبوده است.

اصولاً تا زمانیکه یک "اسلام راهنمای عمل" که راهنمای مبارزه و علم و سیاست و اقتصاد و جنگ و ... باشد تدوین نشده است هرگونه کوشش در این راستا، قرین با عدم انسجام خواهد بود و بنا بر سستی سیر تاریخی این حرکت و تلاش را با التقاط اشتباه کنیم. در یک موشکافی عمیق، نظام جمهوری اسلامی نیز با این نگرش التقاطی است از جمهوری فلاتونی و اسلام محمدی. کوبیدن التقاط در این شرایط بدون راه حلی اثباتی، نتیجه‌ای جز کوبیدن تمام حرکتها و تلاشها و مبارزات بدلیل نقاط ضعفی که دارند نخواهد داشت. از طرف دیگر در مبارزه با "التقاط" باید دید که ناخودآگاه با چه جریاناتی همسومیشویم آیا مگر ساواک قبل از انقلاب تمام مبارزین راه حق را با برچسب "التقاط" یا مارکسیست اسلامی سرکوب نمیکرد؟

جهت توضیح بیشتر رجوع شود به مقالات:

پیرامون مسئله التقاط راه مجاهد ۴۰

ریشه‌های پذیرش قطعنامه ۵۹۸ - راه مجاهد ۵۲

دیپلماسی جمهوری اسلامی و قطعنامه ۵۹۸ - راه مجاهد ۵۰

خطر صلح مسلح - راه مجاهد ۵۰

زمینه‌سازان تحمیل قطعنامه - راه مجاهد ۵۰

درسهای از ضربه‌های فاو و شلمچه - راه مجاهد ۴۷

پیوند با مردم یا گریز از خصم - راه مجاهد ۵۵



۲- مبارزه با اسلام آمریکایی و ارائه اسلام ناب محمدی  
ص (ریشه‌یابی ایدئولوژیک پذیرش قطعنامه ۵۹۸):

اما خمینی رضوان الله علیه در پیام اسفندماه ۶۷ با مشخص کردن استراتژی آینده جمهوری اسلامی گفتند: "... آنانکه هنوز برایین باورند و تحلیل میکنند که باید در سیاست و اصول و دیپلماسی خود تجدید نظر نمایند و ما خامی کرده ایم و اشتباهات گذشته را نباید تکرار کنیم و معتقدند که شعارهای تند یا جنگ سبب بدبینی غرب نسبت به ما و نهایتاً نزوای کشور شده است و اگر ما واقع‌گرایانه عمل کنیم آنان با ما برخورد متقابل انسانی میکنند و احترام متقابل به ملت ما و اسلام و مسلمین میگذارند این یک نمونه است که خدا میخواهد پس از انتشار کتاب کفرآمیز آیات شیطانیه در این زمان اتفاق بیفتد... ترس من این است که تحلیلگران امروز، ده سال دیگر بر کرسی قضاوت بنشینند و... نتیجه‌گیری کنند که چون بیان حکم خدا آثار و تبعات داشته است و با زار مشترک و کشورهای غربی علیه ما موضع گرفته‌اند پس باید خامی نکنیم"

با تاکیدات مکرری که امام روی مبارزه با اسلام آمریکایی داشتند در واقع برای جلوگیری از آلترناتیوی لیبرالها و عافیت طلبان طریقه مبارزه ایدئولوژیک را ارائه نمودند حتی ریشه ترور علامه عارف حسینی را در وجود اسلام آمریکایی معرفی کرده و بتاريخ ۶۷/۶/۹ گفتند: "روشن ساختن این حقیقت که ممکن نیست در یک مکتب و در یک آئین دو تفکر و در دو وجود داشته باشد از واجبات سیاسی بسیار مهمی است که اگر اینکار توسط حوزه‌های علمیه صورت پذیرفته بود به احتمال بسیار زیاد سید عزیز عارف حسینی در میان ما بود"

بنظر ما بدون مبارزه با اسلام آمریکایی و ارائه اسلام ناب محمدی ص قادر به جلوگیری از تقویت واقع‌گرایان خوش بین به غرب در نظام جمهوری اسلامی نخواهیم بود و اینکار بایستی در دو وجه انجام گیرد:

الف- ارائه اسلام ناب محمدی ص به شیوه‌های تفضیلی و راهنمای عمل بدور از کلی‌گویی و شعار در کلیه زمینه‌های اقتصادی و سیاسی و علمی و اجتماعی. که در این رابطه کنگره‌ها و سمینارهای مستمری لازم است.

ب- مبارزه با اسلام آمریکایی در دو محور زیر:

۱- به لحاظ تشکیلاتی کشف و پاکسازی شبکه ایادی مرموز که یک نمونه آن توسط وزارت اطلاعات انجام شد امید آن داریم که استمرار یابد.

۲- به لحاظ ایدئولوژیک که لازم است سمینارهای زیادی تشکیل و شیوه‌های اسلام آمریکایی را معرفی و پاکسازی کنیم بنظر ما مجموعه ۶۸ جلد اسناد لانه جاسوسی بهترین دانش‌مندیان ایرانی موجود بوده و شیوه‌های جاری آمریکا - نیان را خوب نشان میدهد.

دکتر سید حسین نصر که در حال حاضر استاد اسلام شناسی دانشگاه جرج واشنگتن می‌باشد در گذشته رئیس انجمن شاهنشاهی فلسفه و رئیس دفتر مخصوص فرح پهلوی بوده است. دکتر نصر در سمینار انستیتوی امورا اسلامی واشنگتن که به منظوری فتن راه‌های سازش بین تمدن غرب و اسلام تشکیل

دوم - تداوم خط امام در شرایط کنونی چیست؟

## مرزبندی

## اسلام آمریکائی -

## اسلام محمدی (ص)

روشن ساختن این حقیقت که

ممکن نیست در یک مکتب و در یک آئین

دو تفکر و در دو

وجود داشته باشد

از واجبات سیاسی بسیار مهمی است که

اگر اینکار توسط حوزه‌های علمیه

صورت پذیرفته بود

به احتمال بسیار زیاد

سید عزیز ما عارف حسینی

در میان ما بود.

امام خمینی

بدون ارائه اسلام ناب محمدی (ص)

ومبارزه با اسلام آمریکایی

قادر به جلوگیری از تقویت باصطلاح

واقع گرایان خوش بین به غرب نخواهیم بود

شده بود مطالبی گفت که در راه مجاهد ۳۵ آمده است و در اینجا گوشه هایی از آنرا نقل میکنیم: "... متفکرانی که به ریشه های اسلام سنتی وفادار باقی مانده بودند همزمان به این نتیجه رسیده اند که نوعی رابطه با غرب ضروری به نظر میرسد و جهان غرب نیز میتواند در اسلام، مکمل وجود خود را بیابد این دونیرو میتواند ندره اتفاق یکدیگر قدرت خلاقه ای شده و روندی را آغاز نمایند... آنها تیکه با طرز فکر مکمل بودن مذاهب شناسایی میشوند به آنچه که من مکتب سنتی مینامم تعلق دارند بویژه آن نوع از مکتب سنتی که صدای خود را به گوش همگان میرساند و غرب را میشناسد و میتواند با غرب ارتباط داشته باشد و همزمان میتواند همزیستی غرب و اسلام را بداند چگونه در قرون وسطی برقرار بود محترم بشمارد"

دکتر نصر در این سمینار گفته بود اسلام خمینی و طالقانی اسلام رویاروی غرب است و آیه الله خمینی با اینکار خود بدعتی در جهان شیعه بوجود آورد.

خوشبختانه تلاشهای آیه الله منتظری در وارد کردن درس تفسیر نهج البلاغه به سیستم آموزشی حوزه های علمیه گامی در راه درک اسلام ناب محمدی ص بوده است که امیدواریم در رابطه با تفسیر قرآن کریم نیز دنبال گردد. این تلاش در حالی است که در حوزه های علمیه ما منطق، از دروس پایه آموزشی بوده و حتی منطق یونانی - غربی ارسطو بعنوان روش تفکر در دین توسط بسیاری از علماء پذیرفته شده است در حالیکه امام بسال ۶۲ گفتند: "اشخاصی قبل از اسلام بودند در عین حالیکه اشخاص بزرگی بودند مثل ارسطو و امثال او، معذک وقتی کتابهای آنها را ملاحظه میکنیم بویی از آنچه در قرآن کریم است در آنها نیست... فلسفه ارسطو با فلسفه ای که بعد از اسلام پیدا شده است فاصله اش زمین تا آسمان است"

با توجه به پذیرش منطق، از طرف شرق و غرب بطور رسمی بنظر من سده پذیرش منطق ارسطو بعنوان کلید فهم قرآن و روش درست اندیشیدن، اساس ایدئولوژیک خوش بینی به دنیای غرب میباشد. جدایی راه بشر از راه و روش انبیا و تمسک به شیوه های عقلانی و تجربی بشری برای حل معضلات سیاسی - اجتماعی از مشکلات اساسی در جنبش ایران است که منجر به پذیرش الگوهای شرقی و غربی میگردد. این انسجام یعنی جدا کردن راه بشر از راه انبیا منشاء اصلی ضربه ۵۴ در سازمان مجاهدین بوده و هنوز در انقلاب اسلامی ایران لاینحل مانده است قبلا در مقاسلات متعددی پیش بینی کرده و هشدار دادیم که اگر یک نیروی

جدی در جهت حل این امر نگذاریم ضربه فوق در سطح وسیعتری از انقلاب تکرار خواهد شد و امروز شاهد تکرار آن در سطح وسیعی هستیم بطوریکه رابطه "شریعت و علم" کلیه اذهان را به خود مشغول ساخته و در حال تبدیل شدن به یک بحران اجتماعی است. دستا وردهایی که در رابطه با این معضل ایدئولوژیک و شناسایی اسلام آمریکایی داشته ایم را ذیلا معرفی میکنیم:

کتاب: تا زیا نه تکامل - مبنای وجود - مکتب راهنمای عمل و شرح آن - قرآن راهنمای عمل - منطق توحید نشریات راه مجاهد:

- سیر تحول فکری مجاهدین - راه مجاهد ۳۰، ۳۱، ۳۲، ۳۶، ۴۲، ۴۴
- فقر بینشی ریشه نارسا ثبها و مشکلات - ۳۰
- فقه امام خمینی - ۳۸، ۴۶، ۵۲، ۵۴، ۴۷، ۴۸، ۴۹
- اساس خوش بینی به غرب - ۴۰
- تبدیل اسلام رویاروی غرب به اسلام مکمل غرب - ۴۰
- اسلام فقه اهی فقه سنتی - ۴۲
- مرز بندی اخلاق فطری و اخلاق قرار دادی - ۴۲
- فقه اصالت انسان خدا جویا اصالت مالکیت - ۴۱
- شهید مطهری و مبانی فقه - ۴۱
- نامه ای به آیه الله آذری قمی - ۴۵
- برهان رب برهان ناس - ۴۲
- پای صحبت درباره فقه و روحانیت و اسلام آمریکایی راه مجاهد ۵۰
- پیام امام مویا کسای شیوه های حجتیه در درون - ۵۲



روشنی نفس های ما

مدیون خاموشی دو یست هزار چراغ لاله است .

کم نیست

بیائید لاله ها را دوست داشته باشیم .

بیائید نقطه نظرات آنها را جدی بگیریم .

بیائید بدون سمینار، وصیت نامه ها یشان را بخوانیم .

بیائید دوشا خدایم را از بهریش شرق و غرب بیرون بکشیم .

بیائید کارت لعنت را همیشه به آدرس آمریکا پست کنیم .

بیائید یک موی افغانها را به ذوب آهن های روسیه ندهیم

بیائید آزادی "هاید پارک" را با ورن نکنیم .

بیائید خودمان باشیم، مسلمان، ایرانی، مثل امروز،

و ماندنی تا مرز همیشه، با چشمانی منتظر،

از منظومه هشت ساله "صدار ریحانه

حوزه هنری انتشارات سازمان تبلیغات اسلامی

نامه ۵۹۸ را بپذیرند تا پس از طی مراحل در حل معضلات ایدئولوژیک جامعه و اثبات اینکه غرب حتی با پذیرش قطعنامه از جانب ما نیز ضربه صلب نبوده و با ما هیبت انقلاب و هویت ما تضاد دارد موجب ایجاد تحولاتی در داخل گردند و سپس با انسجامی عالیتر، خط مشی ضد استکباری شان را ادامه دهند. چنانچه در پیا مج ۶۷ خطاب به مردم و مسئولین گفتند: " نکته مهمی که همه ما باید به آن توجه کنیم و آنرا اصل و اساس سیاست خود با بیگانگان قرار دهیم این است که دشمنان ما وجهان خواران تاکی و کجا ما را تحمل میکنند و تا چه مرزی استقلال و آزادی ما را قبول دارند به یقین آنان مرزی جز عدول از همه هویتها و ارزشهای معنوی و الهی ما نمی شناسند به گفته قرآن کریم هرگز دست از مقاتله

و ستیز با شما برنمی دارند مگر اینکه شما را از دینتان بر گردانند... آری اگر ملت ایران از همه اصول و موازیم اسلامی و انقلابی خود عدول کند و خانه عزت و اعتبار پیا مبر وائمه معصومین (ع) را با دستهای خود ویران نماید آنوقت ممکن است جبهان خواران او را بعنوان یک ملت ضعیف و فقیر و بی فرهنگ برسمیت بشناسند. ولی در همان حدی که آنها آقا باشند و ما نوکر، آنها ابر قدرت باشند ما ضعیف آنها ولی و قیم باشند ما جیره خوار و حافظ منافع آنها... "

البته علی رغم تذکرات امام و عناد ابر قدرتتها، هنوز طرز تفکر برخی این است که خط غرب تشنج زدایی و عادی کردن روابط می باشد و با این تحلیل نسبت به شرایط بین المللی برای اجرای برنامه ۵ ساله امیدوار میشوند.

آقای رجایی خراسانی در نطق پیش از دستور ۶۸/۶/۲۸ گفتند: " اگر به همان خطا به حضرت امام دقت بفرمایید روح تشنج زدایی و حل اختلافات با روشهای مسالمت آمیز را در بیانات ایشان ملاحظه میکنیم "

اما م در پیا مج ۶۷ گفته بودند: "... ما با تمام وجود از گسترش باج خواهی و مصونیت کارگزاران آمریکایی حتی اگر مبارزه قهرآمیز هم شده باشد جلوگیری میکنیم... اولین گام در مبارزه اراده است و پس از آن تصمیم بر اینکه سیادت کفر و شرک جهانی، خصوصا آمریکا را برخورد حرام کنید "

ثانیا - امام با زهرنا میدان قطعنامه ۵۹۸ آنرا از مشروعیت ایدئولوژیک انداختند و از این طریق مانع تثبیت استراتژیک آن در بین مردم گردیدند اگر این قطعنامه بعنوان یک استراتژی انقلابی (نه استراتژی تحمیلی) از جانب امام پذیرفته میشد دیگر دلیلی بر زهر خطاب کردن آن نبود عده ای که از ابتدا قطعنامه را

قبول داشتند اکنون نیز به پذیرش آن افتخار میکنند و کوچکترین تلخی را احساس نمیکنند.

بی اعتبار نمودن ایدئولوژیک قطعنامه از یک طرف و معرفی آن در حد یک استراتژی از سوی دیگر، توسط امام بدین معنی است که زمینه های پذیرش قطعنامه ۵۹۸ - میان فکری سیاسی داخلی آن در ایران یک واقعیت است (اعتبار استراتژیک) اما این واقعیت اصالت ندارد (بی بقیه در صفحه ۵۲

## چرا امام

## قطعنامه ۵۹۸ را

## یک استراتژی دانستند؟

برخی از نیروهای سیاسی برای تثبیت نظرات خود در رابطه با وحدت کامل با قطعنامه ۵۹۸ از این جمله امام که قطعنامه را "استراتژی" دانستند " تاکتیک" استفاده میکنند چنانچه آقای رجایی خراسانی در نطق پیش از دستور ۶۸/۶/۲۸ گفتند: " حضرت امام سره فرمودند که قبول قطعنامه یک حرکت تاکتیکی برای ادامه جنگ نیست و ما واقعا میخواهیم قطعنامه را اجرا کنیم " جهت روشن شدن نظرا امام در رابطه با اطلاق واژه "استراتژی" به قطعنامه ۵۹۸، عین سخنان ایشان را نقل میکنیم:

" ما باید برای دفع تجاوز احتمالی دشمن آماده و مهیا باشیم و ملت ما هم نباید مسئله را تمام شده بداند البته ما رسما اعلام میکنیم که هدف ما تاکتیک جدید در ادامه جنگ نیست چه بسا دشمنان بخواهند با همین بهانه حملات خود را دنبال کنند... خدا و نداد تلخی این روزها را به شیرینی خرج حضرت بقیه الله ارواحنا لتراب مقدمه الفداء و رسیدن به خودت جبران فرما "

با توجه به روح و کلیت پیام حج ۶۷:

اولا - پذیرش قطعنامه ۵۹۸ یک استراتژی است چرا که حل ریشه های فکری آن در درون نظام احتیاج به زمان دارد. و قتی که عمده مسئولین نظام در رابطه با ادامه جنگ مخالف بودند و بنا به اعترافات اخیر خودشان از همان ابتدا با قطعنامه ۵۹۸ مخالفتی نداشته و حتی بقول دکتر لاریجانی در تدوین برخی از مفاد آن نیز شرکت کرده بودند با یک همچون نظامی، امام قادر به ادامه استراتژی قبلی در ادامه جنگ نبودند و مجبور شدند قطع-

## ● اعتراض نماینده کرج

آقای شرع پسند نماینده کرج که خود از خانواده شهدا محسوب میگردد و در مبارزات انتخاباتی ایشان اکثرینها دهی انقلاب و خط اما میها فعال بودند. ایشان در نطق پیش از دستور مجلس شورای اسلامی به بیان مطالبی پرداخت که بسا عکس العملهای متفاوتی روبرو شد. از یکطرف بر خور دبه حدی شدید بود که ایشان را دستگیر کردند. تظاهراتی بمنظور عزل ایشان در کرج به راه افتاد و به خانواده شهید پرور ایشان نیز توهیناتی شد. از طرف دیگر حجت الاسلامهاشی

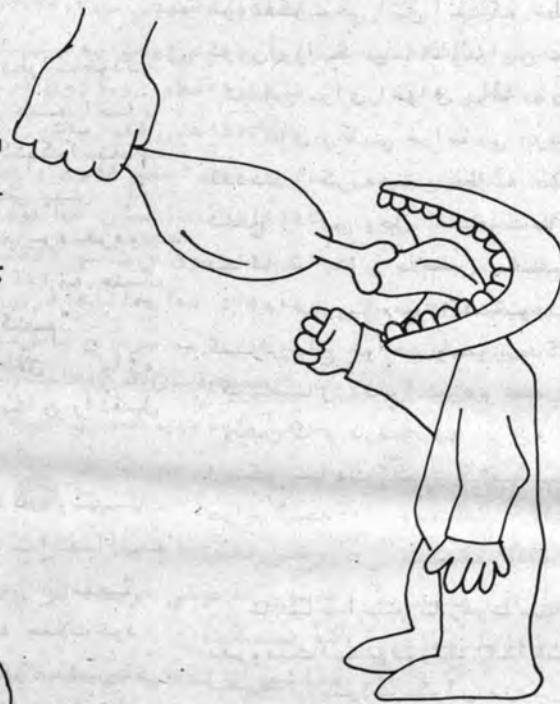
رفسنجانی در سمت ریاست مجلس در خطبه نماز جمعه تهران بدین مضمون گفتند که اگر در زمان و مکان دیگری این انتقادات میشد شاید ۸۰ - ۷۰ درصد رای نمایندگان را کسب میکرد. بطوریکه شنیده ایم در تحقیقات و بازجویی از ایشان معلوم شد که وی وابسته به هیچ سیاست خارجی و حزب و گروهی نبوده و حرکت وی صرفاً یک حرکت "خودجوش" و بیان درد دل بوده است. حتی میتوان این حرکت را حرکتی "تک جوش" بشمار آورد. چرا که با دوستان نزدیکش هم مشورت نکرده بود. قضاوت ما هم در آن موقع این بود که اعتراض ایشان یک مرحله از خط مشی و استراتژی خاصی نبوده بلکه صرفاً یک فریاد و هشدار "تک جوش" بوده است و از این نوع حرکتها در گذشته وجود داشته و در آینه نماینده نیز خواهیم داشت چنانکه دیدیم نماینده دیگری که در دلها خود را بصورت مناجات با امام بیان داشت و



## اعتماد به مردم تنها راه نجات و

## طریق وسطی

یافتند تا به حل و فصل آن بپردازند. مردم دهنو میگفتند در حالیکه ده ماه شهر متصل است نباید بین کوپن شهری و روستایی تبعیض باشد. ما بون و مرغ و امثالهم را باید به روستائیان نیز بدهند. در برخورد با این حرکت عده ای میگفتند در پشت صحنه این اعتراض دست گروهکها وجود دارد و باید حرکت را قلع و قمع کنیم و کلیله اهل را با زداشت نموده و سرخ محرکین و



گروهکها را در آورد.

برخی دیگر به تعداد شهدای ده در جنگ توجه می دادند و می گفتند جانبازان و خانواده شهدا و مفقودین هم در این حرکت حضور داشته و باید به خواسته های رفاهیشان توجه کرد. در همین راستا و با همین شعار تبعیض بین کوپن شهری و روستایی در دهات دیگر اصفهان نیز چنین وقایعی رخ داد. در برخی موارد به درگیری و تیراندازی منجر شد و چند نفر کشته شدند.



انگیزه نگارش:

در چند سال اخیر حرکتها و اعتراضاتی در درون مردم به وقوع پیوسته که بررسی و ارزیابی آن بسیار ضروری است چرا که در درون نظام جمهوری نیز دونهوع برخورد با آن میشود.

انگیزه و هدف از این نگارش مختصر این است که در حد توانمان اولاً این حرکتهای اعتراضی را بیان کنیم و ثانیاً به توضیح برخوردها نیکه با این حرکتها شده بپردازیم و در نهایت ریشه یابی و پیشنهادات خود را مطرح نماییم. شاید گامی باشد در جهت سالم سازی محیط انقلاب و جلوگیری از تشنجات و درگیریهای داخلی و عواقب آن.

## ● حرکت دهنوی اصفهان

چند سال قبل مردم دهنو بر سر تبعیض کوپن شهری و روستایی اعتراض نمودند و حرکتشان تشدید شد به حدی که ژاندارمری سپاه، کمیته و مسئولین استانی در حضور

**ظاهرا " ما خود را برسریک دوراهی احساس می کنیم که  
یا باید حذف و سرکوب بپردازیم (بیمین) یا باید  
بارفاه دادن یعنی گرفتن وام و استقراض  
پاسخگوی نیازها باشیم (شمال)**



**آیا راه فرج و طریق وسطی ای وجود ندارد؟**

سرکوب میشود و دیگری پذیرش استعفا آیت... منتظری را در بردارد. این دو خط مشی در برخورد با بیت آیت... منتظری و مراسم ختم پدرشان و همچنین حرکت و اعتراض مردم نجف آباد هم خود را نشان داد. حال از جمع بندی این وقایع که به جمال گفته شد به این نتیجه میرسیم که در برخورد با اعتراضات، عصیانگریها، شورشها و حرکت های مردمی دو خط مشی و دو نوع برخورد وجود دارد. یک خط مشی این حرکات را به بیگانه با گروهک های محارب نسبت داده و برخورد شدید حذفی میکند و دیگری این حرکات را طبیعی دانسته و آنرا به کمبود رزاق و رفاه نسبت میدهد. خط مشی دوم در نتیجه گیری به گرفتن وام، استقراض یا فروش بی رویه نفت و موضوعیت دادن به دلار می رسد. البته به این واقعیت باید توجه کرد، تا زمانیکه جنگ ادامه داشت مردم بدلیل حقانیت و مظلومیت نظام جمهوری خواهانهای رفاهی خود را مخفی نگه داشته و با افزودن بر صبر و تحمل خود با توطئه های امپریالیسم مقابله میکردند. هم اکنون از یک طرف به ظاهر جنگ تمام شده و از طرف دیگر توطئه نه جنگ، نه صلح از خود جنگ بدتر است. چرا که نه تنها بودجه سنگین دفاعی - مان کم نشده بلکه انتظارات و توقعات رفاهی مردم نیز بیشتر گشته است. خطبه های نماز جمعه نیز پیرامون رفاه در اسلام این توقعات را دامن زده است. باید توجه داشت، در شرایطی که با امکانات موجود "رفاه" یک "شعار" انجام نشدن است تبلیغ حول آن چه نیازی را پاسخ میدهد. هم اکنون تلاش دولت بایستی به راه انداختن مایحتاج و اذاق عمومی مردم و حداقلی آرامش معاش باشد که این هم نیاز به تبلیغات ندارد. ظاهرا ما خود را برسریک دوراهی احساس میکنیم که یا باید حذف و سرکوب بپردازیم (بیمین) یا باید بارفاه دادن یعنی گرفتن وام و استقراض پاسخگوی نیازها باشیم (شمال)

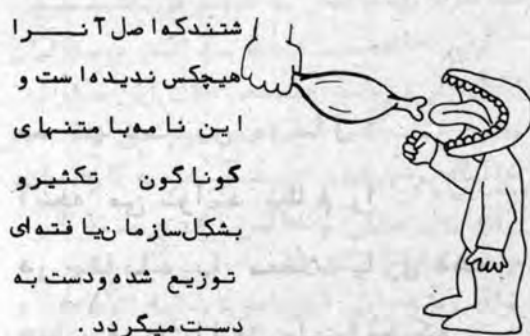
هیچگونه مانع شرعی ندیده و بلکه این نظرات فقهی را موید کار خود میدانند.

**● دوشیوه برخورد با استعفا**

**آیت الله منتظری**

اما خمینی رحمتا... علیه طینا مه های متبادله در نامه ۸/۱/۸۸ ضمن پذیرش استعفا آیت... منتظری ایشان را شمره عمر خود دانسته و معتقد بودند که در سهای ایشان گرمی بخش حوزه ها بوده و باید نظر مومردم از نظرات فقهی ایشان استفاده نمایند.

عده ای هم معتقدند اما خمینی به تاریخ ۶۸/۱/۶ نامه ای به آیت... منتظری نوشت.



استند که اصل آنرا هیچکس ندیده است و این نامه با متنهای گوناگون تکثیر و بشکل سازمان یافته ای توزیع شده و دست به دست میگردد.

بدنبال آن طی تماس تلفنی با بیت امام، حجت الاسلام نصاری گفتند چنین نامه ای وجود ندارد و آنچه بنام ما مودر دست مردم است صحت نداشته و توزیع آن حرام است اما مهم که در وصیتنامه خود تاکید کردند آنچه که دست خط من نبوده و از صدا و سیما پخش نشده قابل استناد نیست.

چنین بنظر میرسد که توزیع این نامه کار کسانی است که وانمود میکنند که امام بین ششم تا هشتم فروردین یعنی در ظرف دو روز نظراتشان متناقض بوده است. تا بدین طریق کلا هر چیزی از جانب ما را مخدوش نمایند. متاسفانه عناصری ناآگاه بدون اطلاع از زینت آنان در خدمت آنها قرار گرفتند. ولی در عمل دو نحو برخورد و دو خط مشی بر اساس نامه

ادعای نامه ۱/۸ وجود میآید. یکی منجر به حذف و



رفتن موسویها را مطرح کرد و او را نیز متهم کردند که خط شرع پسند را دنبال میکند.

**● اعتراض دانشجویان**

یکی از افتخارات اعلام شده نظام جمهوری اسلامی این است که پس از انقلاب با ظرفیت بیشتری دانشجویان پذیرند و آنرا پذیرش حداقلی و برابری بر قبیل شده است. ولی از طرف دیگر می بینیم که اساتید، آزما یشگاهها، خوابگاهها و امکانات دانشگاهی به نسبت پذیرش بالا نرفته است و طبیعا اینها هما هنگیها به اعتراضاتی منجر خواهد شد. کما اینکه شاهد آنیم که طی سالهای اخیر دانشجویان حرکت های صنفی بسیاری در جهت بهبود وضع خوابگاهها و بناها رخوری داشته اند. طبق شهادت شاهدان عینی بخش عمده ای از این دانشجویان را قشر جبهه پرو و بسیجی و جانباز تشکیل میدادند این حرکتها تا به آنجا رسید که در ۶۸/۹/۱۱ در یک حرکت که بمنظور تصرف خوابگاه انجام گرفت دانشجویان مورد ضرب و شتم قرار گرفتند که مورد بحث نمایندگان مجلس قرار گرفت و در روزنامه ها نیز منعکس شد و تا سف همگان را از نفس چنین وقایعی برانگیخت.

**دوشیوه برخورد با نارضایتیها**

یک نظریه در نظام جمهوری اسلامی اینست که این حرکتها جنبه سیاسی داشته و دست تشکیلات رجوی یا گروه سید مهدی در کار است و باید آنرا شدت سرکوب کرد تا دیگر کسی جرأت انجام این گونه حرکات را پیدا نکند. اینها معتقدند که اگر اینگونه حرکات در نطفه سرکوب نشوند با توجه به نارضایتیهای مردم بسرعت گسترش یافته بعدی که دیگر قابل کنترل نخواهد بود.

نظریه دیگر این است که دانشجویان در دوران جنگ و مبارزه با تروریسم آمریکا بیسیار رما به گذاشتند و حاکم جنگ تمام شده است خواهانهای رفاهی آنها منطقی است. ما حبان این نظریه ضمن تأیید خواهانهای طبیعی دانشجویان و بمنظور اجابت آن معتقد به گرفتن وام از خارج میباشند. بطور خلاصه معتقدند که استقراض برای پاسخگویی به این گونه نیازهای طبیعی ضروری است و اعتراضات مردمی به شورشهای مردمی تبدیل گشته و ضمن فراگیری با منیت و نظم نظام را برهم میزنند.

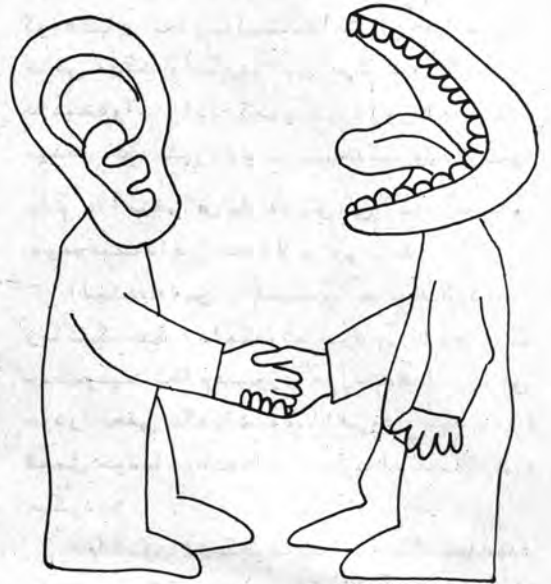
ما حبان این نظریه در این شرایط خاص از آیات و روایات زیادی استفاده میکنند تا مشروعیت "رفاه" را در اسلام نشان دهند. با این طرز تفکر طبیعی است که دانشجویان و مردم نیز برای رسیدن به خواهانهای رفاهی خود

ت یا راه فرج و نجات و طریق "وسطی" ای وجود ندارد که به دایمین و شما لنینیسم؟ بنظر ما این راه، راه اُتاما دبین مردم و نظام جمهوری اسلامی است. مردم الحق فداکاران ریها کردند. چه در جریان انقلاب و چه در دفاع هشت ساله و چه در توطئه‌ها یکنبند، کردستان، خوزستان، آذر - بایجان و... با پیدانصاف داشت و ریشه نارسا - ثیها را منتسب به مردم نکنیم. مثلاً نگوئیم مردم از جنگ خسته شدند. لذا قطعاً ما را پذیریم فتیم و جنگ را تمام کردیم نگوئیم مردم روحیه تولید ندارند. لذا واردات را زیاد می‌کنیم نگوئیم تا زمانیکه مردم زندگی مصرفی را پذیریم یرفته اند خودرو وارد کرده یا مونتاژ می‌کنیم واقعیات این است که مسئولین یکا رها - یش را برای مردم توضیح نمیدهد و مردم در معادلات نامحرم مانده اند پس از دو سال

امت یک رکن خط امام است مع هذا در جریان استغفای آیتا... منتظری هم نظام و هم مردم در ابهام مانده اند. به شهادت این ۱۰ سال پس از پیروزی انقلاب بدیهی است آنچه میتوانند نظام را در مقابل با معضلات یاری دهد همان قدرت الهی ملت است که بواسطه حسن ظن و اعتماد بوجود می - آید بقول مرحوم مصدق اگر اعتماد مردم به دولت سلب گردد میلیاردها دلار و امبا عوض و بلاعوض نیز کاری از پیش نخواهد برد. اگر حقانیت نظام کم رنگ شود و حسن اعتماد مردم را از دست دهد مردم نیز توقعات رفاهیشان بروز به روز افزایش یافته و هر روز یک کمبودی را علم کرده و چیزی را طلب میکنند. بنظر میرسد آنچه میتوانند همچون قبل رانها و شیوه نظام کردند هما تا کار بنیاد دی حل

ولی ما داکا ربه جای بی برسد که مردم بگویند رحمت به حاکمیت ملی و ملی گرا ها که خدا قتل برای ملت عینی قاتلند و مجبور هستند گارها ایشان را به مردم توضیح دهند چرا که به رای آنها نیا زمندان البته زمینه وریشه این بی توجهی به مردم در این است که میگویند حاکمیت ما به مردم کاری ندارد هر چه خدا گفت همان را اجرا میکنیم حاکمیت خدا را هم در احکام مصلح و رایج معنی میکنند و معتقدند احکام خدا با پیدای جراثود و لوبازورا گرم مردم مقامت کردند با پیدمقا بله شود. در حالیکه بر سوره قصص آمده را ده خدا به حاکمیت رساندن مستضعفین است. یعنی مردم در مقابل خدا نبوده بلکه در یک راستا قرار دارند. نتیجه اینگونه برخورد ها این است که مردم خود را بر معادلات حذف شده میبینند و خدا قتل عکس - العملشان بی اعتمادی، بی وفا و بی نفع است.

امید است مسئولین جمهوری اسلامی با این مسئله توجهی بنیادی مبذول دارند.



به شهادت این ۱۰ سال آنچه می تواند نظام را در مقابل با معضلات یاری دهد همان قدرت الهی ملت است که بواسطه حسن ظن و اعتماد بوجود می آید

دومحور است. اولاً: نظام همچنان انقلابی باقی بماند و ارزشهای اسلامی خود را حفظ کند تا به اعتبار آن مردم با صبر بیشتری در مقابل فشارها و کمبودها ایستادگی کنند. ثانیاً: نیا مشکلات معضلات و شیوه ها نیکه برای حل آنها برگزیده اند مستمرا برای مردم توضیح دهند، در مسائل اساسی و نه صرفاً فرعی نظرخواهی کنند مردم وقتی در جریان مشکلات قرار داشته باشند خودشان در حل آن فعال میشوند.

عده ای از مردم به طنز میگویند دولت به جای دشمن در برابر خزننده نرخ رزاق، ما را غافلگیر میکند با زسازی نیز تنها از طریق بسیج مردم امکان پذیر است که لازم است حقانیت نظام و اعتماد متقابل است. پس از پیروزی انقلاب ما حاکمیت خدا بر مردم را مطرح کردیم که این حاکمیت به بهترین شکلی در برگیرنده حاکمیت ملت نیز میباشد.

وزارت خارجه مطرح مینماید که برخی ز مفاد قطعاً ماه ۵۹۸ را ایران پیشنهاد کرده است. بر سر قضیه مک فارلین همه محرم بودند بجز مردم، قولهایی هم که داده شد که متن گزارش تا و رپا سخنانیش چاپ خواهد شد و در دسترس مردم قرار میگیرد هنوز معلق مانده است. قول داده شده علل پذیرش قطعاً ماه وریشه - یا بی ودلائل اضطرار ما به مردم توضیح داده می شود که نشد.

اینطور گفته شد که آیتا... منتظری به منظور مصلحت نظام استغفا دادند ولی ارتکاب نظام اعم از سران سه قوه، مجلس شورای اسلامی هیئت دولت، شورای نگهبان، روحانیت مبارز و جامعه مدرسین موضع گیری موافقی نشان ندادند و توضیحی برای مردم داده نشد که این مصلحت چه بوده ملاک قرآنی تشخیص مصلحت چیست؟ لذا در حالیکه خط امام، خط امام و امت است و

ارتفاع گناه

دستهای وجدان، تابلوهای عبرت را همیشه در کناره ها ندیده می کارد تا هنگام مباحث شدن درهای خروجی دنیا - قبرستان و پذیرایی از انسانهای بی نبض کسی از دیواربها نه با لائتود. آنها که حیاط خلوت فکرشان را با " سَمَت " آب و جارومی کنند آنها که از دیوار شهدا بالا می روند تا میوه های فرصت را بچینند آنها که جرخ معلولین را نمی چرخانند آنها که ریش مصلحت را با بیرگردن جیب هایشان توپ می کنند آنها که از " دایو " مطبوعات روی " خانه مردم " شیرجه می زنند آنها که سیخ احتکار می سازند تا مردم را روی آن کوبیده کنند آنها که برای احساس بوی جبهه همیشه زکام هستند آنها که خط مقدم را از اخبار رنگی تلویزیون " شاهد " بودند آنها که چاه زرخدان را با غسل های پی در پی خشک کردند آنها که تبلیغ جهاد را بر دگر مسائل " حدت اصغر " ترجیح ندادند باید بدانند که خداوند در تهیه مواد سوختی جهنم هرگز دچار کمبود نخواهد شد. باید مواظب ارتفاع گناهان بود.

از منظور به هشت ساله صدر ایما

# آیا مردم مبارزو مقاوم ایران

## انگیزه تولید ندارند؟

واقعیت این است که وقتی ارتباط شهرها با بنا در وارداتی تقویت و همزمان ارتباط شهر و روستا تضعیف می گردد،

دیگر تولید روستایی صرف نمی کند و بناچار زحمتکشان روستا

به شهری می آیند

مقدمه:

این روزها گفته میشود مردم ایران روحیه و تولید ندارند و به پشت میز نشینی دست کرده اند و حاضر نیستند تن به کار می دهند.

با نگاهی گذرا به تاریخ معاصر نشان دهد که مردم ایران همیشه اهل کار و ارزه بوده اند.

در مثال قبل از انقلاب همین مردم در رخانه ها کار کرده و استشار می شدند این توصیف که در کارخانه های آن زمان نمی شد بدتر از پادگانها حکمفرما بود و تن اجازه نمی دادند و کارگر ضمن ربا هم حرف بزنند و یا بیش از یکبار استشویی بزنند، در گرمای سوزان جنوب رگره ای ایرانی بودند که چاه نفت میزدند با همین مردم نبودند که برای پیروزی انقلاب اسلامی مبارزه پیگیر داشته و شهید شدند و در طول سالیان دفاع مقدس علیه و جهانی، مقاومت و ایستادگی از خود بان دادند؟

جمهوری اسلامی با نیروی انسانی همین مردم نبود که در حماسه دفاع مقدس هشت ال در برابر امپریالیسم مقاومت نمود؟ همین مردم نبودند که در سالیان اومت در اوج تیراندازی و زیر خمپاره شمن در خط مقدم خاکریز می زدند و بیاری در حال خاکریز زدن به شهادت میدادند.

همین مردم نبودند که سالهای زیادی زیر بمب و موشک مقاومت کردند؟

همین مردم نبودند که کار و زندگی خود رها کرده و به گزند و اسلام آباد تند و ایران را از تحسار و صدام

رجوی نجات دادند؟ تاریخ شهادت می دهد که هر وقت مردم ایران انگیزه داشته اند اهل کار و تلاش هم بوده اند.

سالهاست مملکت ما مواجه با خطر بزرگ مهاجرت روستائیان به شهر می باشد در حالی که همه میدانند روستائیان اهل کار و زحمت هستند. حال این سوال مطرح است که چرا به شهر می آیند. در حالی که برخی شان در شهر تن به کارهای شاق مثل عملگر و خاکبرداری و جابه کنی می دهند.

برای ریشه یابی این امر باید به انگیزه ها و سیاستهای اقتصادی مملکت پرداخت و نه اینکه ویژگی پایدار مردم زنبلی و بیگاری دانست و ویژگی پایدار عدل طلبی را به فراموشی سپرد.

واقعیت این است وقتی ارتباط شهرها با بنا در وارداتی تقویت و همزمان ارتباط شهر و روستا تضعیف می گردد، دیگر تولید روستایی صرف نمی کند و بناچار زحمتکشان کشاورز به شهر می آیند. آیا کشاورزی را که در گرمای آفتاب و سرمای زمستان در مزرعه بیل می زند می توان به تنبلی متهم نمود؟ از طرفی هم فقدان تولید و کاهش تولید واقعیت تلخی است که مبتلابه شرایط فعلی ماست. باید عوامل فقدان تولید و بی انگیزگی و انفعال مردم در تولید را شناخته و سپس با یاری خدا از بین ببریم

### عوامل فقدان تولید و کم تولیدی

الف- تکیه انحصاری به درآمد نفت بد نفوذ فرهنگ یونان در روحانیت و معارف

اسلامی  
جغرافیای  
سیاستهای ده ساله نظام جمهوری  
اسلامی.

### الف- تکیه انحصاری به درآمد نفت

همانطور که می دانیم درآمد نفت يك در آمد باد آورده است یعنی کار کم و درآمد سرشار.

تاریخ اقتصادی ایران را که بررسی می کنیم ملاحظه میشود که سرمایه داری نفتی، جوهر سرمایه داری در ایران بوده است. سرمایه داری ایران ام از سرمایه داری صنعتی و تجاری و مالی بنحوی به درآمد نفت متکی بوده است. متکی شدن انحصاری به این شیوه تولید، روحیه دلال بروری را در سطح حاکمیت و مردم پرورش داده است.

وقتی درآمد نفت راحت بدست می آید روحیه پول فراوان و راحت و (نازکی کار و ضخامت پول) در همه آحاد ملت پرورش می یابد؟

در اثر اتکای انحصاری به درآمد نفت تدریجاً يك نوع حاکمیت "رسی" بوجود آمده است.

حاکمیت رسی، یعنی حاکمیتی که صرفاً بر درآمد پول و توخالی بدون کار نفت متکی است. لذا نیازی به خلاقیت و اتکا به کار و زحمت مردم ندارد.

در دوران نهضت ملی که بنا به مصلحتی اسکناس چاپ شد، در کتربقای و یاران شبیه چاپ اسکناس اعتراض کرده و با افشاگری خود آن را به بحران علیه نهضت ملی تبدیل کردند.

مرحوم دکتر مصدق در این رابطه دکتر شایخ را از آلمان به ایران دعوت کرد. دکتر شایخ مطرح کرد چاپ اسکناس اشکالی ندارد چون که پشتوانه اثر کار مردم است.

در آن دوران مردم داوطلبانه مالیات می دادند، انگیزه کار داشتند، چرا که تولید ملی از طرف دولت تقویت میشد. در آن سالها دهقانان بیش از هر سالی مستطیع شده و حج رفتند.

در آن دوران با اینکه کارخانه جدیدی وارد نشد کارخانجات با حداکثر ظرفیت در دوشیفت و یا سه شیفت کار میکردند. در آن شرایط که نفت صادر نمی شد مردم به سمت صادرات غیر نفتی روی آوردند.

بطوری که شاخ گاو و چلغوز مرغ و پشه خشک شده و پشگل سنگ جزو ارقام صادراتی ما بود. قابل ذکر است که سال ۳۱ تنها سالی بود که موازنه پرداختهای ما مثبت بود یعنی صادرات غیر نفتی ما با واردات ما برابری میکرد.

کیفیت ممتاز اقتصادی در شرایطی بود که نه تنها درآمد نفت نداشته بلکه هزینه سالانه دو بیست میلیون تومانی شصت هزار کارکنان صنعت نفت به دوش دولت ملی بود. با نمونه فسوق الذکر می-

بینیم که در دوره نهفت ملی که درآمد نفت نبود، کار هم بیشتر است. معیناً مردم و دولت متقابلاً به هم اعتماد داشتند و کمبودها را با کار جبراستران می کردند. پس بنابراین نمی توان مسررم را به نداشتن روحیه کار و زحمت و تولید متهم کرد.

### اگر سیاستهای اقتصادی

در جهت تشویق مولدین داخل باشد،

آن وقت خواهیم دید که دیگر

جایی برای متهم کردن مردم به

نداشتن روحیه کار و تنبلی

باقی نمی ماند.

### ب: نفوذ فرهنگ یونان در روحانیت

و معارف اسلامی

بخش عظیمی از روحانیت با الهام از فرهنگ وارداتی یونان در جهان بینی خود به دو حوزه مسابده و معنا معتقد می باشند. دو حوزه ای بودن امور به تمام فرهنگ روحانیت رخنه کرده است. روحانیت که یک تشکیلات سراسری است در آموزشهای خود به فرهنگ کار پدی تأکید نمی کند. بلکه به این فرهنگ معتقد است که روحانیت به کار معنوی بهر اندازه و مردم به کار مادی. بعنوان مثال روحانیت غیر مکتبی می گوید، جهاد ما این است که خدا را اثبات کنیم و به مردم خدا و معاد بدهیم و توده ها هم عمل کنند. اثر همین فرهنگ وارداتی بود که کسی در سطح فضا و مدرسین در جنگ اسلام علیه کفر بطبیور حرفه ای در خط مقدم نبوده و شهید هم نشدند. می بینیم که گذشته از کارهای فکری، حوزه های علمیه ز حد مصرف خودش هم تولید ندارد.

و برخی از صاحب نظران و مصلحین هم که معتقد بودند روحانیت در کنار مدرسه باید کار و تولید داشته باشد حرفشان خریداری نداشته و استقبالی از حرف آنان نشده است. با چنین اوصافی وقتی خطیبی در خطبه خود مردم را به کسار و تولید دعوت می کند، قدرت بسیج نداشته و مردم منفعلتر می شوند.

اگر مردم بخواهند روحانیت را الگوی خود قرار داده (منع هم ندارد) و همه بخواهند درس بخوانند و مرجع بشوند که منع قانونی هم ندارد دیگر چه کسی کار تولیدی انجام می دهد.

از طرفی می بینیم که فرهنگ وارداتی یونان چه تأثیری در فرهنگ روحانیت و مسررم گذاشته و از طرفی روحانیت زندگی پیامبران و ائمه اطهار الگوی خود قرار داده است. در حالیکه آن بزرگواران همه اهل کسار و تلاش بوده و به جهانی و کشاورزی می پرداخته اند در قاموس انبیاء جدایی ماده و معنی مفهومی نداشته است.

بدلیل نفوذ فرهنگ ارسطویی یونان بوده است که برخی روحانی نماها در دوره نهفت سریداران، شیخ خلیفه را متهم می کردند که چرا در بازار که محل کار پست استازان گفته و اسلام را تبلیغ می کند.

البته نا گفته نماند که نفوذ فرهنگ یونان عمومیت نداشته و زندگی انبیاء الگوی بسیاری از روحانیون بوده است.

### ج: نفعانیات

گراحت و اهمال کاری و وسوسه شیطانی در همه ما به نسبتی وجود دارد. در صدر اسلام وقتی دستور جنگی می آمد برخی گراحت داشتند. ولی وجود یک تشکیلات و سازماندهی مناسب می تواند با گراحتها برخورد کند.

وجود انگیزه و سازماندهی گراحتها را به مرور از بین می برد. مثل کسی که اصل نماز خواندن را قبول دارد، ولی صبحها بسا سختی و گراحت بیدار می شود، ولی اگر کسی او را بیدار کند خوشحال میشود. بسا ورزش را بسیاری از مردم درست و مفید می دانند اما در انجام آن اهمال می کنند. ولی در یک سازماندهی صحیح و ورزش می کنند. اصولاً نقش سازماندهی برخورد با گراحتها و اهمالهاست.

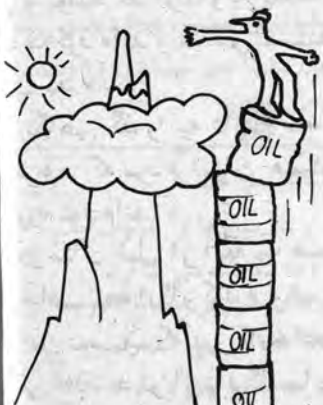
علت کار نکردن مردم نساخی از روحیه ای است که طی سالیان متمادی بر اثر درآمد

نفت حاصل شده و برخوردی هم با آنها نشده است.

البته بعد از انقلاب تحولی بوجود آمد تولید نفت هم از شش میلیون بشکه در روز به دو میلیون کاهش یافت. اما چون حاکمیت همچنان متکی به درآمد نفت بود و میزان سودی که از درآمد نفت بدست می آمد متناسب با کار آن نبود، رهایی چشمگیری از درآمد نفت بوجود نیامد. شنیدن بعضی تبعیضها و دزدیها و اختلاسها در رده های بالا مردم را نسبت به کار و کوشش منفعل و بی انگیزه می نماید.

### د: سیاستهای دهساله نظام جمهوری اسلامی

در سیاستهای اقتصادی دهساله اخیر بیشترین فشار روی وجه کار و تولید

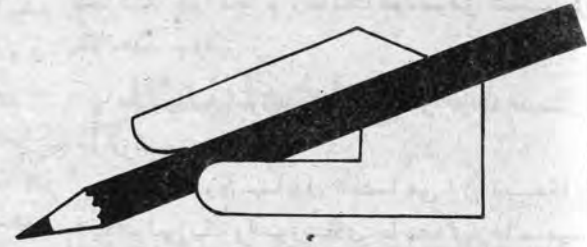


بوده تا وجه سرمایه.

حتی مداره هایی که توسط عناصر انقلابی انجام شد عمدتاً از کارخانجات بوده است. در حالیکه کارخانه دارها هم رسک سرمایه می کنند و هم حق بیمه می دهند و هم به نسبتی زحمت می کشیدند و اشتغال و ارزش افزوده هم ایجاد میکردند و خلاصه اینکه همه سود سرمایه را هم نمی بردند. ولی شرکتهای مقاطعه کاری و صرافیه ها و دلالها نسبت به سودی که می بردند آنچنان کاری انجام نمی دادند، از این سرمایه ها مصارف مرسوم مانند نسبت به تجار هم حساسیتی نشان داده نشد در حالیکه زحمتشان از صاحبان کارخانجات کمتر و سودشان بیشتر بود.

الان کار به جایی رسیده که مسررم ناخود آگاه معتقد شدند که اگر کار روی کالا بی انجام شود ارزش آن کمتر میگردد. بنا به اعتراف اخیر مهندس السوسری طم دهسال اخیر ضوابط دولت روی اسنور تولیدی بیشتر بوده تا خدماتی که البته بقیه در صفحه ۵۲





## پاسخ به خوانندگان

س - نظر شما درباره این جمله حضرت امیر که می فرمایند : مردم اصلاح نمی شوند مگر آنکه حاکمان اصلاح شوند چیست ؟

ج - بنظر می آید منظور اصلاح تفکری است که گمان می کند جدای از مسائل سیاسی و مبارزه اجتماعی می توان به اصلاح نفس و خودسازی پرداخت . امروزه هم مشاهده می کنیم برخی سرخورده گان از سیاست می گویند ما دیگر کاری به این کارهای سیاسی نداریم ، می خواهیم فقط خودمان را حفظ کنیم که آلوده نشویم . خودمان را اصلاح کنیم .

طرفداران فقه فردی هم در سائله عملیه خود الگوی زندگی یک فرد متشرع را بنا پذیرش حاکمیت طاغوت ارائه میدهند ، آنها می گویند در هر حکومت ظالم و وابسته اگر شما به این مسائل فردی عبادی عمل کنی کافی است . اینان توجه ندارند که یک فرد جدا از روابط جامعه نمیتواند زندگی کند . بهر حال در زمینه اقتصاد ، مالی ، فرهنگی ، تکنولوژی ، تربیتی و ... با جامعه روابط تنگا تنگ دارد . حضرت امیر میفرمایند راه اصلاح فرد و مردم باید در بستر اصلاح اجتماع و سیاست باشد . و لا غیر .

البته توجه دارید هر نوع مبارزه سیاسی با هر شیوه ای موجب خودسازی نمی شود . چه بسا خود آن انسان راه انحراف بکشانند . حضرت امیر هم "اصلاح حاکمیت را می گویند یعنی شیوه ها باید در برگیرنده اصلاح و هدایت و ارشاد باشد که با شیوه های باند بازی و جناح بندی و تعویض قدرت تفاوت دارد . بنابراین راه اصلاح مردم اصلاح حاکمیت است .

س - امام خمینی در نامه به آیت الله منتظری گفته بودند که به شما نصیحت میکنم بیعت خود را از افراد ناصالح پاک نمائید . در ضمن شما در نشریه شماره ۵۳ در قسمت آغوش باز برای همه یا تنها برای هدایت شده گان " نوشته اید : اگر بپذیریم که در بیعت ما باید بروی عده ای با زور بروی عده ای استه باشد ، آیا آنوقت خود ما عملاً" حیطه حکومت را محدود به بخشی از مردم نمونماییم و گرایش به سوی مراجع منحرف و مخالف

نمی شد ؟ و بسیاری حرکت های دیگر در طول تاریخ مبارزه علیه سلطنت ...

از اینها گذشته ۹۵% مسئولان و مدیران و وزرا جمهوری اسلامی فارغ التحصیلان همین دانشگاهها هستند پس چطور یک مرکز فساد و فحشاء اینهمه افراد صالح و زمامدار حکومت اسلامی تربیت نموده است ؟

س - بنظر می رسد به دادن به ورزش و موسیقی و سینما و شطرنج که به تازگی فتوای آنرا به امام تحمیل کرده اند ... برای انفعال و انحراف مردم خصوصاً " نسل جوان طراحی شده است . نظر شما چیست ؟

ج - برخی کارشناسان نظام هم گمان می کنند این قبیل امور مثل ورزش و شطرنج باعث سرگرم شدن جوانان و جلوگیری از انحرافات بدتر مثل فحشاء و اعتیاد می شود البته ورزش و فیلمهای خوب سینما و ... در حد خودش برای جامعه لازم است و حتی می تواند مفید و ارزشمند باشد . اما اینکه این قبیل امور را بیش از حد بهاد مییم و تقویت نمائیم یک انحراف است که باید با بیعتیم با چه نیتی این کار صورت می گیرد .

س - چرا مسئولین نظام جلوی فساد ، فحشاء بازار خائن ، رشوه خواری ، دزدی و ... را نمی گیرند ؟

ج - بنظر میرسد انحرافات فوق بایستی ریشه یابی و اهم و مهم شود . برخی انحرافات معلول و برخی علت هستند . مثلاً " وقتی انسان دچار انفعال و بی تفاوتی نسبت به مسائل اجتماعی سیاسی شد ، بیه ندای عدالتخواهی و حق طلبی فطرت خود پاسخی مثبت نداد ، بطور خود بخودی غرایز فردی که همان مسائل دنیوی است برایش عمده شده و مدنظر قرار می گیرد . و زمینه فساد بوجود می آید . یا دزدی می تواند معلول فقر یا اختلاف طبقاتی باشد . یا رشد سرمایه داری ریشه در تفکر فقهی حامی آن دارد که سرمایه داری و احتکار را مشروع و اسلامی می داند و کسیکه با آن مخالفت کند تفسیق و تکفیر می گردد .

بنظر میرسد علت عدم موفقیت در مبارزه

نظام را مشروع نکرده ایم ؟ با توجه به این دو نظر لطفاً " بیشتر این مسئله را شرح دهید

ج - در همان مقاله در مورد اینکه رهبر یا مسئول حکومتی بایستی با همه اقشار برخورد داشته باشد و صرفاً " متعلق و در انحصار گروهی خاص نباشد دلایل متعددی آورده شده است . به سنت انبیاء و ائمه نیز استناد شده است که به سراغ همه اقشار می رفتند . اما این نظر ما بدین معنی نیست که یک مرجع یا رهبر در تشکیلات یا دفتر خود عناصر ناصالح را بگنجانند . اتفاقاً " وقتی عنصری ضد انقلاب در بیعت یا دفتر نفوذ و حاکمیت پیدا می کند یکی از کارهایش قطع رابطه مرجع یا رهبر با مردم است . و یا ترغیب های مختلف سعی می کند آغوش باز رهبر را گنجانده کرده و در انحصار خود درآورد . چرا که در صورت باز بودن روابط رهبر با اعمال نفوذ این عنصر از بین رفته و امکان افشاشدن فراهم میشود . و این خود ملاکی است برای تشخیص روابط سالم از ناسالم . برای اینکه چنین مسئله ای پیش نیاید اصولاً " پیشنهاد ما در آن مقاله این بود که مراجع و روحانیون به سنت انبیاء و ائمه اطهار خود به درون مردم رفته و نیازهای اصیل آنها را کشف کنند . هر گاه بیعتی ثابت شد دشمن طیناً " برای آن نقشه می کشد .

س - یکی از دانشجویان دانشگاه اصفهان مطلبی فرستاده اند در دفاع از هویت انقلابی دانشجویان . بدین مضمون : یکی از مسئولین دانشگاه اصفهان خطاب به میهمانان خارجی دهه فجر ضمن صحبت درباره عظمت انقلاب گفته اند : در زمان طاغوت دانشگاه مرکز فساد و فحشاء بود و اهداف استکباری ابتر قدرتها را دنبال می کردند ...

این مطلب در نشریه پیام دانشگاه فروردین ۶۸ بجا رسیده است . آیا در ۱۶ آذر ۳۲ این دانشگاه نبود که در اعتراض به سفر نیکسون قربانی داد ؟ آیا بیشترین زندانیان ساواک را دانشجویان و فارغ التحصیلان دانشگاه تشکیل میدادند ؟ و آیا در زمان طاغوت در نظر مردم دانشجویان و دانشگاه مظهر قیام و عصیان محسوب

با مفاسد فوق اینست که ریشه یابی صحیح و بنیادی صورت نمی گیرد و باعث ایسن مفاسد برخوردار نمی شود لذا در ریشه کن کردن آن توفیق نمی یابیم . وزیر سابق کشور به این نتیجه رسیده بود که منشاء اعتیاد این است که جامعه از بسیج سیاسی افتاده است و حال باید ریشه یابی کرد که چه عواملی باعث این کار شده است .

( مقالات اعتبار در شماره ۵۳ و ۵۵ در این باره است )

س- برادری ضمن نامه برخی انتقادات و سئوالات نسبت به ایدئولوژی و بینش مطرح کرده اند که برخی از آنها نیاز به شرح بیشتری دارد تا نظرشان را درک نمایم می نویسند: " در مورد رابطه بین خدا و پدیده آخر معلوم نشد که شما به کدام یک از ۴۸ نظریه معتقدید و صرف عین ربط و نیاز ، رابطه خدا و پدیده در نمی آید و کافی نیست . " " در رابطه با حدود وجود و مسئله تضاد و حرکت فکر کنم اگر قدری به آیات قرآنی بیشتر تعمق و تفکر کنید و رابطه بین خدا و پدیده برای شما مطرح شود دیگر چنین تحلیلی نخواهد داد .

ج- تقاضایمان این است که در مورد مسئله فوق که کلید حل سایر مسائل هم هست و ۴۸ نظریه که می گوئید مطلبی مشروعتر بنویسید که هم ما استفاده کنیم و هم چنانچه مفید باشد در نشریه منتشر شود تا سایر خوانندگان نیز از تحقیقات و دستاوردهای جنابعالی استفاده ببرند . نویسنده دلسوز نامه ما را به تفکر و تعمق بیشتری دعوت نموده ، اما گاهی می شود با روش غلط هر چند تعمق کنیم به چیزی نرسیم . اگر روش بهتری دارند ما را با خبر نگذارند .

س- برادر دیگری اظهار لطف کرده و گفته اند در بین مطبوعات رسمی این نشریه بیشتر حقایق و مسائل را روشن می کند و از اینکه مطالب در سطح وسیعتری منعکس نمی شود اظهار تاسف کرده اند :

" درسفری که به شهر باختران داشتم بر روی دیوارها شعارهای کاملاً "تأسف انگیز و مغرضانه حاکی بردشمنی با شما (آقای میثمی) و خواستار نابودی شما به چشم می خورد . البته من تا آن موقع شناختی نداشتم و این مسئله موجب کنجکاوئی و کنکاش برایم گردید ، و حالاً برنیت گروههای عمل کننده تا حدودی واقف شده ام . خود شما چه نظری در این رابطه دارید؟

ج- بنظر ما این شیوه های جوسازی و ناسزا

گویی از بی منطقی و عاملین آن در می آید . چرا که ما در نشریه سعی مان این است که بدون توهین و تحقیر با نظریات مختلف برخورد سیاسی ایدئولوژیک داشته باشیم . طبعاً " آمده شنیدن نظرات دیگران هستیم و نیازی به ناسزاگویی و مارک زدن و جوسازی نیست . اما برخی گروههای برانداز که از عهده تبیین

خط مشی و مواضع و شیوه های خود برای طرفدارانش بر نمی آیند و برخی جریانها ترموز و منحرف که تحت لوای انقلاب همان شیوه ها را اعمال می کنند ، هر دو از این که یک جوسالم برخوردار افکار در انقلاب بوجود آید نگران و هراسانند . چرا که غیر اصولی بودن کارهایشان روشن می شود . بنظر می آید اینگونه شعارها در این رابطه باشد و گرنه ما که قدرتی نداریم و کسی را تهدید نمی کنیم . بهرحال اگر عاملین این شعارها مقلد مرجعی هستند که بهتر بود فتوای آن مرجع را منتشر می کردند تا کارشان بُرد بیشتری پیدا کند . اگر هم تابع نظام جمهوری هستند که ما هم یک نشریه قانونی هستیم و می توانند از طریق قانون برخورد کنند و اگر جزو گروههای سیاسی هستند که بجای شعار بهتر بود جزوه ای منتشر می کردند و استدلال خود را می نوشتند .

س- برادری پرسیده اند آیا شما مستقلاً حزب و یا سازمانی تشکیل داده اید و این نشریه از نام آن حزب یا گروه سرچشمه میگیرد؟

ج- این نشریه انحصاراً " بیان کننده نظریات گروه و یا سازمان خاصی نیست . سعی بر این است که نظریات مفید و مطالبی که قابل تأمل و تعمق است از هر جناحی باشد برای نیروهای دلسوزانقلاب مطرح شود تا برای دردها و نیازها چاره جویی گردد . چنانچه شما نیز مطلب مفیدی دارید برای ما بفرستید تا در نشریه استفاده شود .

س- سئوالی که همیشه برای من مطرح بوده در مورد مصلحت گرایی های دوران حقیقت شماست . چرا اشخاصی که نه داعیه کسب قدرت دارند ، نه توانش را دارند و نه چیزی برای از دست دادن ، اینگونه در قبال بسیاری از مفاسد و انحرافات با دید توجیه گرانه موضعگیری می نمایند . از بیان عقاید صریح خود اجتناب می کنند . مثلاً " شما هیچگاه برداشت ایدئولوژیکی خود را نسبت به ولایت مطلقه فقیه بیان نکردید . چرا چوب اصول انقلاب و قانون اساسی عمل در حالیکه اگر صریحاً " مواضعتان را اعلام نمائیم

نمائید در انجام رسالت خود موفق تر خواهید بود .

ج- در این مورد چند نکته را باید خدمتتان عرض کنم :

۱- بسیاری مسائل اجتماعی از دیدگاه ایدئولوژیک و آموزشهای جامعه برخاسته است که بدیهی است که با این گونه امور ما برخورد ایدئولوژیک سیاسی می کنیم . یعنی به بررسی و ارزش یابی مسئله مزبور پرداخته میشود نه صرفاً " محکوم کردن یا تأیید کردن آن . مثلاً " موضوع سرمایه داری و مالکیت مستقیماً " از فقه مصلح و رایج در حوزه هادرمی آید ، لذا برای حل آن بایستی با آموزشهای رایج حوزه ها برخورد شود . برخی که ظاهراً خیلی صریح سرمایه داری را محکوم کرده و علیه آن داد سخن می دهند ، اما به میانی ایدئولوژیک فقهی آن کاری ندارند بنظر ما مواضعشان مبهم و نامشخص است . چرا که مهم برخورد بنیادی و ریشه ای با مسائل است نه قاطعیت لفظی .

۲- در مواردی هم شیوه برخورد متفاوت است . سعی ما بر این است که با جریانها تباروش " اتحادتعالی بخش " برخورد نمائیم یعنی با هر جریانی وحدت های اصولی یا " کلمه سواء " را کشف کنیم ، سپس با فشاری روی این اصول تضادها را بسمت آن حل نمائیم تا اتحاد عالیتری بوجود آید . این شیوه برخورد را از منطق وجود و روش انبیاء فرا گرفته ایم . برخوردهای پیامبر با اقشار مختلف حاکی از این شیوه برخورد است از خداوند مسئلت داریم و از شما التماس دعا که صلاحیت عمل به این شیوه را پیدا کنیم برخی دیگر در جامعه ما منطق " عدم اجتماع نقیضین " را در برخوردهای اجتماعی راهنمای عمل قرار می دهند . با هر کس اختلاف دارند دیگر نقطه وحدتی نمی بینند و به طرد و نفی اومی پردازند . اینها ظاهراً در مورد اختلاف با دیگران صراحت و قاطعیت دارند . اما از طرف دیگر با کسانیکه وحدت دارند تضادها و نقاط ضعف را نادیده می انکارند و وحدتی آبکی و نفوذ پذیر بوجود می آید که در مسیر عمل اختلافها روده و به انشعاب و تفرقه مستمر میکشد . برای شناخت بیشتر در مورد این شیوه برخورد با کتاب مکتب راهنمای عمل و شرح آن ماده ۶ مراجعه فرمائید .

۳- نکته سوم که لابد بدان توجه دارید اینست که ما در این نشریه الزام داریم در چهار چوب اصول انقلاب و قانون اساسی عمل در حالیکه اگر صریحاً " مواضعتان را اعلام نمائیم

## سخنی با خوانندگان

این پنجاه و ششمین شماره راه مجاهد است که منتشر میشود. در طی این هشت سال علی رغم مشکلات فراوان فکری، سیاسی، مالی و مکاناتی موفق شدیم که مجموعه‌ای سیاسی ایدئولوژیک و رای درگیریهایی جناحی و جوسازیهای روزمره ارائه بدهیم که محور آن عمده نیازهای اصیل انقلاب باشد.

در اینجا لازم دیدیم که پاره‌ای از مشکلاتی که بر سر راه انتشار مجله وجود دارد با خوانندگان مطرح سازیم و از کسانی که علاقمند به ادامه کار نشریه هستند یاری بطلبیم.

واقعیت اینست که پس از کسر دستمزد اتحادیه (حدود ۹۰ ریال برای هرواحد) و پرداخت پول کاغذ، لیتوگرافی، چاپخانه و صافی (۸۵ ریال برای هر واحد) و پرداخت پول تایپ و صفحه‌بندی و حقوق کارکنان نشریه و محاسبه برگشتی‌ها نه تنها سودی برای گسترش کار باقی نمی‌ماند بلکه با مقدار قابل توجهی ضرر نیز مواجه هستیم. نشریات و مجلات موجود هم همین وضع را دارند. منتهی از طریق گرفتن آگهی و با لایردن تراژ با این مشکل مقابله کرده اند که این دو امر بدلائل مختلف تا بحال برای ما ممکن نشده است. با لایردن قیمت نشریه راهم تا بحال صلاح ندانسته ایم زیرا فشار را روی خوانندگان منتقل می‌کند.

بطور خلاصه اینکه قیمت ۲۵۰ ریال که روی مجله درج شده صرفاً جهت استفاده عمومی از نشریه است و قیمت واقعی نشریه بیشتر از این می‌باشد و این قیمت نه تنها از عهده مخارج نشریه بر نمی‌آید بلکه هر شماره متحمل ضرر نیز می‌شویم.

بدین لحاظ بهتر دیدیم که با علاقمندان به ادامه انتشار این نشریه صحبتی جدی داشته باشیم و از آنها بخواهیم که بخصوص در زمینه مالی و امکان بخش در شهرستانها و آگهی‌های ماریاری دهند. در ضمن با توجه به اینکه مجله راه مجاهد در انحصار هیچ حزب و گروهی نیست از کلیه دلسوزان و صاحب نظران می‌خواهیم که با فرستادن مقالات، طرحها و پیشنهادها خود ما را در ادامه نشریه یاری نمایند.

ادامه "درباره برنامه پنج ساله .."

۷- اصلاح ساختار و نظام قیمت گذاری محصولات کشاورزی و صنعتی در بخش دولتی و خصوصی و تطبیق آن با واقعیت هزینه تولید.

۸- در ضمن سیاستهای برنامه، می‌بایست دولت را مکلف نمود که تمام طرق و شیوه‌ها و تکنیک‌های صرفه جویی ارزی، در تمام طرحهای دولتی و خصوصی را بررسی و تنظیم و اجرا نماید. این کاری است که از یکسال قبل در وزارت صنایع آغاز شده بود و امروز، متأسفانه، با پیش‌کشاندن سیاستهای کلاسیک و بی‌ثمر و خطرناک (مثل استراتژی توسعه صادرات و غیره) به حال توقف و تعطیل درآمد (گویی به گنج ارزی‌ای دست یافته‌اند که نیازی به بررسی و اجراء طرق صرفه جویی ارزی احساس نمی‌شود!!).

..... چنین برنامه‌ای در مقابل برنامه مورد بحث مجلس در این روزها محدودتر، متواضعانه‌تر و کمتر نمایشی جلوه می‌کند ولی برنامه‌ای قابل تحقق و دوراندیشانه است و سنگهای اول استقلال اقتصادی را که همانا بی‌نیازی غذایی از خارج و تامین مواد واسطه و قطعات صنعتی برای خودکفایی صنایع مونتاژی فعلی است، بنا خواهد نهاد.....

● هر برنامه توسعه مشروط به اعتماد متقابل دولت و ملت است

این امری اثبات شده است که هر برنامه توسعه و بازسازی محتاج همکاری دولت و ملت است. در کشورهای توسعه نیافته که امکانات بالفعل داخلی کم دارند، همه چیز در گرو بسیج و به تحریک و فعالیت مولد در آوردن توده‌های ملت و منابع داخلی کشور است و این بسیج نیز مشروط به اعتماد متقابل و یگانگی بین دولت و ملت می‌باشد. بسیج مردم، تنها بسیج سرمایه نیست، که با برخی انگیزه‌های مادی بتوان به جذب آن پرداخت، حتی سرمایه هم، چه دولتی و چه خصوصی بدون همکاری و ترکیب با نیروی کار فعال و کاردان و دلسوز قادر به ایجاد ارزش افزوده‌ای نیست مگر آنکه به تجارت و دلالتی دل خوش کند.....

● روش جلب مشارکت مردم

ولی ما در اطاق در بسته برای شما تصمیم می‌گیریم و ارزش افزوده و ثروت ناشی از فعالیت شما را هر کس خواست می‌برد و بخش اعظم آن را هم بیگانگان و دلان آنها خواهند برد. پیشرفت و توسعه و تعالی ملت و مملکت و همکاری و فداکاری همگان برای آن، بک ضرورت است، اما نیازهای فطری و درونی انسانها هم یک واقعیت است. جامعه انسانی را بدون:

۱- وفاق و وحدت اجتماعی - ملی و عدم تبعیض و تمایز بین اقشار مردم

از دیدگاه حاکمیت.

۲- اشتراک اقشار آگاه و متعهد و معتمدان واقعی مردم، و نه انحصار

طبقاتی و گروهی، در تعیین سرنوشت سیاسی کشور،

۳- عدالت اجتماعی،

۴- احساس تعالی و عدم بوجی و هیچ شمردن فرد انسان در درون نظام،

نمی‌توان به تحریک و بسیج و داشت سهل است که نگهداری هم نمی‌توان کرد

● هدف از وارد شدن سرمایه گذاران خارجی، ادب کردن ملت

انقلابی ماست

ملت فداکار، بخصوص نسل جوان و انقلابی آن و همچنین تمام مسئولین و مقامات بالای کشور در قوه مجریه و قوه مقننه به هوش باشند که اگر پسای بیگانگان و سرمایه و وام آنها به این کشور باز شود، آنها، حتی مثل ترکیه و کره جنوبی و اندونزی و سریلانکا و .... با ما رفتار نخواهند کرد. آنها به کشور می‌آیند که در آن، انقلابی عظیم و تاریخی رخ داده و در فراخنای جهان شور و احساساتی گسترده علیه استبداد و استکبار در انداخته است. آنها می‌آیند که این ملت پیشتاز را ادب کنند و به جایی بنشانند که عبرت دیگران شود تا دیگر کسی و ملتی سر بلند نکند. نهضت ملی شدن نفت و کودتای ۲۸

ادامه " امام و حوزه های علمیه از .. "

مرحوم کاشانی را در روزنامه ها با سرودها و شعرهای مبتذل هتک می کردند. امام، که در آن زمان دارای شخصیت علمی و شخصیت اجتماعی (البته شخصیت علمی در حوزه های علمیه و شخصیت اجتماعی در نزد خواص) بود. برای عبادت مرحوم آیه الله کاشانی به تهران رفت. دلیلی و شاهدهی از این زنده تر نمی شود پیدا کرد که امام به همه جهات عنایت دارد؛ یعنی امام نمی رود به دیدن آیه الله کاشانی به عنوان یک مسلمانی که بخواهد از یک بیمار عبادت کند و به دیدن آیه الله کاشانی، به عنوان یک روحانی، هم نرفت که روحانیون زیادی مریض می شدند و بنا نبود که امام به دیدن همه آنها بروند. وقت خودش را مصرف واجب می کرد. تشییع جنازه، معمولاً، نمی آمد. امام دنبال کار دیگر و هدف دیگری بود. اینجا این که می رود به عبادت آیه الله کاشانی و مخصوصاً درسش را هم تعطیل می کند، برای این است که امام می خواهد بگوید که به مبارزه و دفاع و به حفظ اسلام ارجح می نهد به نظر من تعطیلی درس اصول، به همین خاطر بود که بفهماند احترام به کسی که از اسلام دفاع کرده تا چه پایه ای است.

● امام (ره) در زمان آیت الله بروجردی

آیت الله یوسف صانعی:

بله امام، در امور حوزه وقتی که آقای بروجردی بود هیچ دخالتی نمی کرد. برای این که به نظرشان حوزه رئیس داشت. من یادم است که رئیس شهربانی قم،

آقای شیخ حسن آقای تهرانی را، که از فضلاء و علمای قم است، کتک زد. عده ای از دوستان رفته بودند پیش امام و جریان را به ایشان گفته بودند. امام، فرموده بودند که: حوزه رئیس دارد به رئیس مراجعه کنید و به ایشان بگویید: ما آن وقت نمی فهمیدیم منظور امام را و می گفتیم چرا امام دخالت نکرد. حالا یک ذره می فهمیم که امام چه می خواهد بگوید. می خواهد بگوید: وقتی حوزه رئیس دارد، نمی شود هر کسی بیاید در هر کاری دخالت کند. این مستلزم هرج و مرج می شود. مستلزم این میشود که هر کسی دوریک کسی را بگیرد و یک کاری را به پیش ببرد.

● شیوه ای از امام (ره)

آیت الله یوسف صانعی:

احمدآقا، خدا حفظشان کند، می فرمودند: امام هیچوقت به ما ننگت نماز بخوانید، اما ما هم هیچ وقت نمازمان را ترک نکردیم. حالا این چه جور حرکتی است توی زندگی، من نمی دانم. ایشان می فرمودند یکروز نماز ظهر و عصر را نخوانده بودم از منزل بیرون آمدم؛ نه این که می خواستم نخوانم، نخیر، ولی بیرون آمدم. از قضا وقتی که بیرون آمدم، در داخل کوچه، با امام که از درس می آمدند برخورد کردم. یک کمی هنوز به غروب آفتاب مانده بود. تا امام رسید به من، من خیال کردم که امام دارد به من می گوید چرا نمازت را نخواندی. برگشتم نمازم را خواندم.

ادامه "گذشته چراغ راه آینده"

اعتباری ایدئولوژیک) و: قهیت ۵۹۸ رانه بایستی نادیده گرفته و بطور شعاری نفی کرد و نه اینکه کما ملاتسلیم آن شده و از اصول انقلاب دست شست بلکه میبایست با اتکاء به ارزشهای انقلاب در جهت دگرگونی و تحول واقعیتهایی که پشتوانه های داخلی قطعنامه ۵۹۸ محسوب میشوند برنامه ریزی نموده و صبر انقلابی داشت. مشاهده میکنیم که پس از پذیرش قطعنامه، حمله صدام به جنوب شروع شد پس از آن حمله صدام رجوی به کردند و اسلامآباد دوچندی پیش اتحادیه عرب با حمایت آمریکا موضع صدام درباره اروندرود را تایید نمود. و صدام نیز اخیراً گفته که نه عقب نشینی میکنیم و نه دست از اروندرود برمی داریم. نامه ۱۸۶ تن از نمایندگان کنگره آمریکا جهت براندازی جمهوری اسلامی و عدم عقب نشینی عراق از خاک ما نشان داد که آمریکا و صدام اهل صلح نبودند و از آن روز به بعد دائماً به تشدید بحران علیه

ادامه "پاسخ به خوانندگان"

۴- نکته دیگر اینکه برخی مسائل مطروحه در شخص ولی میدانند در حدیکه میتواند احکام شرعی جامعه ما گرچه عنوانش چشمگیر است ولی محتوا، را هم و تو کند. در حالیکه آیت الله خامنه ای در زمان حیات امام چنین اختیاری را برای ولایت فقیه روشن کرد بعد به موضعگیری علیه یا لاهوتی گردید. مثلاً "در مورد همین ولایت مطلقه هو داشتند. عده ای می گویند ولایت مطلقه کدام از مسئولین یا صاحب نظران تعریفی خاص بمعنی فقهی آن یعنی غیر مقیده است و خود از آن دلبرند. برخی منظور از آنرا اطاعت کلیت و شمولیت را می رساند. یعنی شخص مطلق و بدون قید و شرط میدانند در حالیکه ولی در همه موارد اعم از سیاسی، اجتماعی، عده ای دیگر اطاعت مطلق را صرفاً "در شان خدا" اقتصادی ولایت دارد نه امور خاص و محدود میدانند و برخی دیگر در مورد ائمه اطهار و پیامبر هم مثل قیمومت صغیر و غیره. صادق میدانند و اطاعت از غیر ایشان را جایز نمی شمرند توجه دارید که طبعاً "موضعگیری ما در مورد که در اینجا مطلق بمعنی فلسفی آن آمده است هر گاه از این دیدگاهها متفاوت است و رد

نظام جمهوری اسلامی پرداختند در واقع خط غرب از تحمیل قطعنامه ۵۹۸ این بود که ملت ما را دچار اختلاف و جنگ داخلی نماید. امیدواریم که این تحولات آزمايش بزرگی برای شناخت ماهیت جنگ افروزانه آمریکا و صدام باشد و درسی هم برای ما تا اتحادمان را عمیقتر و وسیعتر نماییم.

بالاخره راه حق با تمام فرازونشیبها پیش پیمودنی است و بایستی با صبر انقلابی این راه را پیمود

گرچه منزل بس خطرناک است و مقصدنا پدید

هیچ راهی نیست که آنرا نیست پایان غم مخور

(حافظ)

لطف الله میثمی و دوستان

۲ ذرماه ۱۳۶۸

یا تا ئید لفظی ولایت مطلقه مسئله را روشن و حل نمیکند. در ضمن در لایله بحثها برداشت مسا از ولایت مطلقه صریح و روشن بوده و میتوان با دقت آنرا پیدا کرد. در مورد ملاک تشخیص مصلحت هم گفته ایم اگر ملاک قرآنی مشخص برای مصلحت نداشته باشیم به جاده انحراف و حکومت فردی کشیده می شویم. در شماره گذشته (۵۵) نشریه مطلبی تحت عنوان رابطه امت و امامت آمده است که شاید مفید باشد. البته از این مسائل که بگذریم کم کاره گرفتاریها و غفلت از برخی مسائل هم عوامل موثری هستند. امیدواریم با تذکر مور به مورد شما از این عوارض کاسته گردد.

● یادواره شهید مهدی آرزومند ارشادی  
بهاء ۲۰۰ ریال

● کربلائی عباس نوحه پرداز انقلاب

و عباس شیربیشه جفالوند

درمورد شهید عباس بروغنی

تاریخ انتشار ۱۳۶۰ بهاء ۲۰۰ ریال

● اسلام مکتب مبارز و مولد

سخنرانی برادر لطف الله میثمی درمورد

شهید مسعود براتی گودرزی

تاریخ انتشار ۱۳۶۲ بهاء ۵۰ ریال

● در راه فاطمه ، بدینال عصمت

تحلیلی از زندگی و شیوه های شهید

بتول پورا بر ایهیمی

تاریخ انتشار ۱۳۶۱ بهاء ۲۰۰



● خودسازی و مکتب

درمورد شهید تقی باقری

تاریخ انتشار ۱۳۶۰ بهاء ۲۰۰ ریال

## معرفی کتاب

● فرازهایی از زندگی مجاهد شهید صمدیه لیا ف

تاریخ انتشار ۱۳۵۸ بهاء ۵۰ ریال

● تحلیلی بر کودتای ناتود ترکیه

تاریخ انتشار ۱۳۵۹ بهاء ۵۰ ریال

● مراحل رشد خلق ما و افول امپریالیسم

تاریخ انتشار ۱۳۵۸ بهاء ۵۰ ریال

● بررسی نظرات شهید دکتر شریعتی

(\*)

درباره آثار معلم شهید شریعتی تا

حال صحبت های مختلفی شده است. از تائید

طلق تانفی مطلق .

اما نوشتار فوق نتیجه تلاشی است در جهت

رزیابی منصفانه از آثار دکتر ، که با

ظالعه کلیه آثار معلم شهید به بررسی

مصول تفکر دکتر پرداخته است . که

خوبی از آن منتشر شده است .

تاریخ انتشار ۱۳۶۰

بهاء ۵۰۰ ریال

● انحراف انحراف را مستقیم نمیکنند (\*)

این جزوه بحثی است پیرامون نحوه

رغورد با مخالفین جمهوری اسلامی و توضیحی

برمورد اینکه با شیوه های انحرافی و غیر

انقلابی نمی توان منحرفین را به راه راست

دایت کرد .

ریخ انتشار ۱۳۶۲ بهاء ۲۰۰ ریال

● سقای تشنه لب الگوی مقاومت

وایشان

شریح شیوه های مبارزاتی حضرت عباس ع

ریخ انتشار ۱۳۶۰ بهاء ۱۰۰ ریال

ادامه " مجموعه اخبار استراتژیک "

صدای آمریکا موضع رسمی

آمریکا را چنین بیان داشت

که ریشه های سلطنت در اردن

بسیار قوی تر از ایران

می باشد و تکرار ۲۲ بهمن

بعید بنظر میرسد ولی در ضمن

به ملک حسین هشدار داد که

در ازاء دادن آزادی ، کنترل

نیرو ها را فراموش نکنند .

ادامه " آیا مردم مبارز ... "

آزاد کردن واردات اخیر مغایر با پذیرفتن

جنین انتقادی است .

تولید در روستا به آنجا رسید که آیت الله

منتظری گفتند روستا قیان گندم را به جای

علوفه به حیوانات می دهند . خط مشی

اقتصادی طوری بود که مهاجرت از روستا

زیاد شده و به شهر می آمدند . در شهر

هم برای تولید سرمایه می خواهند که سرمایه

هم در اختیار نداشتند .

تولید کننده های که گچ مدرسه را در داخل

تهیه نموده بود ناگهان با خط مشی فروش

تهاتری نفت در برابر کالا مواجه شدند .

دولت گچ مدرسه را از چین وارد و کیلویی

۹ تومان عرضه کرد و به ناچار کار تولید کننده

گچ به ضرر و تعطیل کشیده شد . همچنین

کارخانجات صابون سازی ملی در رابطه با

قراردادهای خرید صابون از ترکیه به

ورشکستگی و تعطیل انجامید .

نتیجه :

\*\*\*\*\*

امید داریم مسئولین ما انقلابی در جهت

رهایی چشمگیر از نفت و هم جنین در جهت

رهایی از فرهنگ یونانی پست شمردن کار

تولیدی ویدی نموده و با تشکیلات

و اخلاقیات صحیح و رفع تبعیض با گراشتهای

مردم نیز مبارزه نمایند . خط مشی اقتصادی

دولت بنحوی باشد که اعتماد مردم به

نظام را جلب نموده و به تولید و کار تشویق

گردند .

اگر سیاستهای اقتصادی در جهت تشویق

مولدین داخل باشد آن وقت خواهیم دید

که دیگر جایی برای متهم کردن مردم

بهنداشتن روحیه کاروتنبلی باقی نماند .

ادامه " ریشه های ضعف های ... "

درداخل با الف و برادری با نیروهای سالم  
و غیر وابسته برخورد نماندیم زیرا اینکه این  
خسونت را به درون منتقل کنیم تا بتوانیم  
در مقابل فشارها ایستادگی کرده و به چپ و  
راست نیفتیم .

ما همه برکات انقلابمان را ناشی از اسلام  
می دانیم و اسلام را بعنوان مکتب راهنمای  
عمل انقلاب معرفی کرده ایم . اسلام راهنمای  
عمل انقلاب ، اسلام ضدا امپریالیسم بود ،  
اسلام ضد سلطنت بود ، اسلام ضد صهیونیسم بود .

اسلام ، راهنمای عملمان بود که توانستیم  
دفع تجا و زکر کرده و جلوی دنیای متجسس و  
با یستیم . اسلام ، " الله اکبر " بود که خوف  
ایر قدرتها را در دلمان ریخت . مبادا به

دلیل عدم مرزبندی بین این دو اسلام یعنی  
اسلام محمدی و اسلام آمریکایی بجای گام  
نهان در صراط شرف ، استقلال و سعادت با  
یک کودتای خزنده به حاکمیت آمریکایی  
برسیم که رفاه و وابستگی را بدینال دارد .

بر تمامی نیروهای مترقی و مومن به  
انقلاب است که نهضتی برای برطرف کردن  
ضعفهای اردوگاه حق بوجود آورند . این  
نهضت میبایست پیگیر ، بی مان و با حوصله  
و مقاومت به پاکسازی اسلام آمریکایی در  
درون انقلاب بپردازد .

در مجموعه مقالات و خبرنامه این شماره  
سعی شده است ، اولاً " ضعفهای اردوگاه حق را  
شکافته و برای برطرف کردن آنها به  
پیشنهادهای برسیم . ثانیاً " برخی زتضادهای  
امپریالیسم را ذکر نمائیم . با این نیت که  
بطور واقعی به " استراتژی امید " دست یافته  
و از استراتژی یاس و امیدهای کاذب رهایی  
یابیم .

**توضیح و تذکر :**

در رابطه با درخواست بسیاری از خوانندگان که خواستار لیست کتب منتشره بودند اقدام به چاپ مشخصات کتب منتشره نمودیم . جهت تهیه با صندوق پستی ۱۷۱۸۵/۵۴۴ مکاتبه نمائید .  
تذکر : کتابهایی که با علامت (\*) مشخص شده است موجود نیست و در صورت نیاز باید از آنها کپی گرفته شود .



● **دانشگاه مدرس یا انقلاب بنیادی در نظام آموزشی .**

کتاب فوق متن ۴ سخنرانی برادر لطف ... میثمی است که در دانشگاه تهران انجام شده است . جهت آشنایی با کتاب ، محور بعضی از مطالب مطرح شده را می آوریم :

- ۱- اقتصاد اسلامی ، اصالت عمل صالح .
- ۲- خلق مسلم و اندیشه مالکیت
- ۳- انقلاب آموزشی و حرکت به سمت روستا
- ۴- رابطه علم و دین ، رابطه فلسفه و علم
- ۵- تاثیر ایدئولوژی بر علم پزشکی
- ۶- ایدئولوژی و علم اقتصاد
- ۷- ایدئولوژی و تحلیل سیاسی

تاریخ انتشار ۱۳۵۹  
بهاء ۴۰۰ ریال

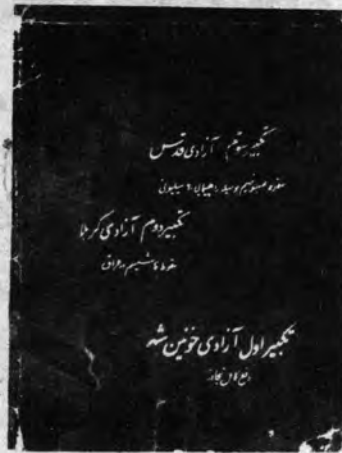
● **استقلال ، آزادی ، حکومت اسلامی**

این جزوه سعی بر ارائه تعاریف واقعی از استقلال ، آزادی و رابطه این دو با حکومت اسلامی و جلوگیری از هرگونه سوء استفاده فرصت طلبانه از این شعار اصیل دارد .

تاریخ انتشار ۱۳۵۹  
بهاء ۵۰ ریال

● **انجمن حجتیه ، نسلی مایوس از حرکت و انقلاب**

تاریخ انتشار ۱۳۶۸  
بهاء ۶۰۰ ریال



● **سه تکبیر تا قدس (\*)**  
تکبیر اول : دفع تجاوز ، تکبیر دوم : آزادی کربلا ، تکبیر سوم : آزادی قدس

کتاب فوق تحلیلی است بر مراحل دفع تجاوز و درس گیری از آن . جهت تداوم دفاع مکتبی تا آزادی کربلا و قدس .

در این کتاب وجوه ایدئولوژیک سیاسی و نظامی مراحل مختلف آزادی کربلا و قدس و موانع این استراتژی مورد بررسی قرار گرفته است .

تاریخ انتشار ۱۳۶۱  
بهاء ۵۰۰ ریال



● **قرآن راهنمای عمل (سخنرانی برادر لطف الله میثمی) چهار جلد**

بدون شناخت محکمت و متشابهات در قرآن مسلماً " نمیتوان از قرآن استفاده کرد . اما در بین مفسرین بر سر این مسئله اساسی که کلید فهم قرآن است اختلاف نظر زیادی وجود دارد .  
در سلسله بحثهای تحقیقاتی نظرات پیرامون مسئله محکم و متشابه بررسی شده و تلاش شد که نظر صحیح مشخص شود .  
مقداری از آن بحثها بنام قرآن راهنمای عمل چاپ شده است . در یک جلد آن نیز متد محکم و متشابه را در زمینه تحلیل جنگ ایران و عراق بکار گرفته است .

تاریخ انتشار ۱۳۶۰  
بهاء هر جلد ۱۰۰ ریال

**سنت اولین و بدعت الاخرین**

از شهادت حنیف نژاد  
(حرکت ذاتی جومری)  
یا  
خیانت رجوی (روزیونسم)

● **سنت اولین و بدعت الاخرین**

این جزوه از یک طرف مبانی اسلامی موجود در آموزشهای اولیه مجاهدین را نشان میدهد و طرف دیگر تفکرات انحرافی رجوی را .

تاریخ انتشار ۱۳۶۳  
بهاء ۱۰۰ ریال



● **شیوه های ساواک**

این کتاب در بخش اول شامل تحلیلی است که مغزهای متفکر ساواک در مهر ۵۷ از انقلاب اسلامی نموده بودند و بخش دوم ، ضد تحلیلی بر تحلیل ساواک می باشد .

تاریخ انتشار ۱۳۵۸  
بهاء ۴۰۰ ریال



پوشت‌های کاشانه  
انقلاب ایران صورت‌گرفته



ویژگیهای انقلاب ایران



● **فرازهای از زندگی شهید سیدحسین فاطمی**  
تاریخ انتشار ۱۳۵۸  
بهاء ۵۰۰ ریال  
● جنبش ملی مجاهدین و ارتجاع و دوشیوه برخورد.

مطالب بخش اول این کتاب بررسی عملکرد جنبش ملی مجاهدین (جریان رجوی) در مقابل ساواک، ارتش، صنایع کمپرا دور، قراردهای نفتی، حزب خلق مسلمان، دولت موقت، فتودالها و روحانیون طرفدار آنها می باشد. بخش دوم مقایسه‌ای است بین شیوه‌های برخورد جریان رجوی و نهضت مجاهدین در فاصله زمانی انتخابات قانون اساسی تا انتخابات دور اول ریاست جمهوری.

تاریخ انتشار ۱۳۵۹  
بهاء ۴۰۰ ریال

● **کودتا و جنبش ملی**  
این جزوه شرح و توضیحی است بر شعراهایی چون "سیدکاظم رجوی"، "دریا دارم مسعودمدنی" که در سال ۵۸ توسط دوستان برادر میثمی بر دیوارهای شهرنوشته شد تا مردم را به توطئه ائتلاف جناحهای فوق جهت کودتا بر علیه انقلاب آگاه سازد.

تاریخ انتشار ۱۳۵۹  
بهاء ۵۰ ریال

● **شهرام، بهرام، رجوی**  
این جزوه هم‌خط بودن رجوی را با جریان انحرافی اپورتونیست و چپ‌نما نشان می‌دهد.

تاریخ انتشار ۱۳۶۱  
بهاء ۵۰ ریال

● **خون حنیف می جوشد رجوی می فروشد**  
تاریخ انتشار ۱۳۶۱  
بهاء ۵۰ ریال

● **توطئه‌هایی که علیه انقلاب ایران صورت گرفت**  
این کتاب متن سخنرانی برادر لطف‌آباد... میثمی در ابتدای پیروزی انقلاب در انجمن اسلامی دانشگاه و اشنگتن میباشد.

تاریخ انتشار ۱۳۵۹  
بهاء ۴۰۰ ریال



● **تخلیلی از قیام شبان شکن تبریز**  
یام ۲۹ بهمن ۵۶ تبریز  
تاریخ انتشار ۱۳۵۹  
بهاء ۴۰۰ ریال

● **قیام دوم تبریز**  
(قیام علیه حزب آمریکائی خلق مسلمان)

تاریخ انتشار ۱۳۵۹  
بهاء ۲۰۰ ریال

● **توطئه دو قطبی کردن کاذب انقلاب**  
این جزوه تحلیلی است از دو قطبی کاذب "آیت - بنی صدر" (بقایی - نراقی)

تاریخ انتشار ۱۳۵۸  
بهاء ۲۰۰ ریال

● **تحلیلی بر تصرف لانه جاسوسی**  
تاریخ انتشار ۱۳۵۸  
بهاء ۵۰ ریال

● **ویژگیهای انقلاب اسلامی ایران**  
تنها با داشتن تحلیل واقعی و صحیح از انقلاب است که می توان آنرا تداوم بخشید و دعوی پاسداری از خون شهدا و راهشان شد. این کتاب متن سخنرانی برادر لطف‌آباد... میثمی در (کا تولیک یونیورسیتی) آمریکا است به دعوت دانشجویان مسلمان در اسفند ۵۸ انجام شد و گامی است در جهت درک ویژگیهای انقلابیان.

تاریخ انتشار ۱۳۵۸  
بهاء ۴۰۰ ریال

● **شیوه‌های محمدآقا (حنیف نژاد) دو جلد**  
تاریخ انتشار: ۱۳۵۸  
بهاء ۲۰۰ ریال



● **سیاست گام به گام (\*)**  
این جزوه یک نقد و بررسی جمالی مواضع عملکرد آقای مهندس بازرگان می باشد

تاریخ انتشار ۱۳۵۸  
بهاء ۱۰۰ ریال

● **تحلیلی بر کردستان**  
تاریخ انتشار ۱۳۵۹  
بهاء ۵۰ ریال

## وجود

(مبتنا)

### ● مبنا یا وجود

قبل از ضربه سال ۵۴ نیاز شدیدی به درک صحیح رابطه خدا و خط مشی ویا کلارا بطه خدا و پدیده‌ها وجود داشت.

تداوم مبارزه مکتبی یجاب می‌کرد که پاسخ

عمیقتری به این نیاز حاصل داده شود، که متأسفانه داده نشد و جریان چپ‌نما، افراد سازمان مجاهدین را با طرح سئوالاتی متزلزل و سپس جذب نمودند.

این کتاب کوششی است در جهت پاسخگویی به این نیاز که مبنا یا انسجام بین شیوه‌ها و اصول می‌باشد.

تاریخ انتشار ۱۳۵۸  
بها ۴۰۰ ریال

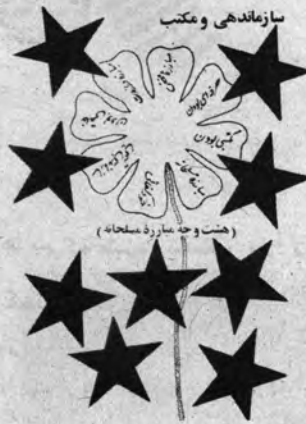


### ● مکتب راهنمای عمل

این کتاب و شرح آن در باره روش شناخت و شیوه فکر کردن است. در بین متفکرین مسلمان عمدتاً روشهای بشری رایج در شرق و غرب بعنوان "روش علمی" شناخت، پذیرفته شده است. مثل منطق عقلی قیاسی ارسطو و روش استقرای و روش دیالکتیک. اما هیچکدام از این روشها قرآنی و الهی نیست و چون روش شناخت مبنا یا تفکرات و تحلیلها و عملکردها قرار می‌گیرد از این طریق علیرغم اعتقاد قلبی به خدا و قرآن مشاهده می‌کنیم که شیوه‌های عملی تفاتی با شرق و غرب ندارد.

کتاب فوق کوششی است در جهت رسیدن به روش شناخت مستقل مکتبی و طبعاً آخرین کوشش نیست. در این کتاب سعی شده است مسائل شناختی بصورت فرموله و کلاسه شده در آید که جنبه آموزش بیشتر دارد.

تاریخ انتشار ۱۳۵۷  
بها ۵۰۰ ریال



### ● سازماندهی و مکتب

مبارزه ما علیه امپریالیسم مبارزه‌ای دراز مدت است و تا نابودی تمامی رژیم‌های وابسته به امپریالیسم و آزادی تمام خلقهای تحت ستم ادامه خواهد داشت. این مبارزه مبارزه‌ای است پی‌گیر تا محو کامل ظلم و استثمار.

این کتاب یک جمع‌بندی از تجربیات مبارزاتی است که تاکنون انجام پذیرفته و برای نیروهایی که می‌خواهند بطور سازمان یافته با امپریالیسم مبارزه کنند مفید می‌باشد.

تاریخ انتشار ۱۳۵۹  
بها ۵۰۰ ریال

### تازیانة تکامل

شعاعی از عقل درونی برتر با خانه ۵۴  
سازمان مجاهدین خلق ایران



### ● تازیانة تکامل (۴)

این کتاب به بیان شعاعی از عقل درونی ضربه خاگانه سال ۵۴ به سازمان مجاهدین می‌پردازد.

امید است که با شناخت قانونمندی و علت

آن ضربه از تکرار آن در سطح وسیعتر جلوگیری شود.

تاریخ انتشار ۱۳۵۹  
بها ۵۰۰ ریال



### ● سیمای یک مسلمان (امام حسین ع)

این جزوه بحثی است پیرامون جزئیات حرکت امام حسین ع از مکه تا مدینه و مدینه تا کربلا که در آن به تفصیل راجع بر خورده‌ها و صحبتها و شیوه‌های امام حسین در این مسیر بحث و بررسی شده است.

تاریخ انتشار ۱۳۶۴  
بها (دو جلد) ۷۰۰ ریال

## منطق توحید

جلد اول

ضرورت بررسی و نقد

## منطق

## یونانی غربی ارسطو

### ● ضرورت بررسی و نقد منطق یونانی غربی ارسطو

این جزوه مقدمه‌ای است بر تلاش وسیع که باید به کمک همه حقیقت طلبان و نیروها صادق انقلاب انجام گیرد تا گامی در جهت تدوین ایدئولوژی مقاوم در برابر گرایش کمپ دیویدی و افکار سرمایه داری برداشته شود. در این جزوه دلایل اینکه کار روش کتابهای ارسطو عملی صالح است بر شمس شده است.

تاریخ انتشار ۱۳۶۲  
بها ۳۰۰ ریال